



پژاد سر بلندی

یادنامه دکتر سعید کاظمی آشتیانی





معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی، واحد علوم پزشکی ایران

تهران، میدان ونک، نبش گاندی جنوبی، شماره ۹۴ - تلفن: ۰۲۱-۷۸۹۵۸۴

گردآوری و ترتیل: رحیم توسلیان

طراحی و گرافیک: آفتاب گرافیک

تاریخ انتشار: بهمن ماه ۱۳۸۴



تقدیم به دوست

به سعید عزیز، که آسمان رؤیاهاش به رنگ آبی عشق بود،
مردی که سر بلندی ایران اسلامی، بزرگترین آرزویش بود،
و تقدیم به یادگارانش: زهرا، نرگس و محمد





فهرست

۷	مقدمه
۹	پیشگفتار
۱۱	پیام‌ها
۲۱	شناختنامه
۲۷	کارنامه
۳۵	آلبوم تصاویر (۱)
۴۹	در حاشیه یاد
۵۱	همکاران
۷۳	دوستان
۹۳	بستگان
۱۰۷	آلبوم تصاویر (۲)

معلم

بر آستان جانان گر سر توان نهادن گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد

به خودمان که آمدیم، دو هفته ای از فروافتادن سرو خرامانی که رویش و رویاندن را الگوییمان بود؛ گذشته بود. شامگاه اول بهمن ماه وقتی تهران در سکوت و سرمای یک شب برفی به خواب می‌رفت، در طبقه دوم ساختمان جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران، محفل گرمی با حضور جمعی ازیاران و همکاران زنده یاد دکتر سعید کاظمی برپا بود. بنا بود برای انتشار یادنامه‌ای به مناسبت چهلمین روز فراش تصمیم بگیریم. عده‌ای از حاضران می‌گفتند دیر شده است و انتشار یادنامه را بگذاریم برای سالگرد. اما یکی از صدھا کاری که کاظمی بزرگ به ما آموخته بود، مدیریت درست و دقیق کارها در زمان‌های کوتاه بود. تصمیم به انتشار یادنامه گرفتیم و از فردای همان روز گردآوری مطالب و تصاویر و مستندات را آغاز کردیم. برای تدوین مطالب شناخت نامه و کارنامه دهها مصاحبه انجام شد. به سراغ بیشتر کسانی که با او زندگی یا کار کرده بودند و در دسترس ما بودند رفتیم. خاطرات و نوشته‌های همکاران و دوستان و ستنگانش را هم جمع کردیم و حاصل کار یادنامه‌ای شد که می‌بینید.

کاستی‌های کار را بر ما بخواهید که در این مجال اندک سه هفته ای توام با تعطیلات زیاد، توان اقدامی شایسته‌تر نداشتم.

از پژوهشکده رویان جهاد دانشگاهی که هزینه‌های چاپ این یادنامه را به عهده گرفتند تشکر می‌کنیم و قدردان زحمات بزرگوارانی هستیم که با مصاحبه و مشاوره همراه صمیمی ما در این راه شدند: آفایان دکتر منتظری، دکتر شهرستانی، مهندس عزیزی، دکتر وثوق، دکتر سامانی، دکتر شاهزاده فاضلی، دکتر شاهوردی، دکتر گورابی، دکتر کنڑی، دکتر ابراهیمی، دکتر کمالی، مهندس تفرشی، اکبری، حدادپور، خادم شریف و خانمها کربلایی و رحمتی. با یاری این عزیزان «بنیاد سربلندی» را ناباورانه به نغمه نشستیم. به این امید که این نغمه مقدمه ای باشد برای معرفی و شناخت بزرگی از اهالی امروز و کارهای بزرگتر بماند برای مجالی فراخ تر.

تعاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران



برادر جهادگر ما زنده یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی، بنا به فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی از فرزندان صالح انقلاب و رویش های مبارکی بود که آینده تابناک توسعه علمی کشور را نوید می داد. وی یکی از جهادگران برجسته و پژوهشگران پرتوان کشور بود که درجهاددانشگاهی متولد شد، رشد کرد و درنهایت باعزت و افتخار در این نهاد انقلاب اسلامی بالید و عروج کرد.

کاظمی جهادگری مؤمن، مخلص، معتقد به راه امام (ره)، رهبری، شهدا و حامی محرومان و مستضعفان بود. او به راستی که از دین به دنیا فروشان و مرفهین بی درد متنفر بود. عشق و علاقه او به رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای، برکسی پوشیده نبود. هنگامی که به محضر ایشان نائل می شد به توهه ای از انرژی تبدیل می گشت. اگر چه حیات کاظمی کوتاه بود ولی عمرش با برکت بود. او پژوهه های بسیار بزرگی را راهبری و مدیریت کرد که هم برای جهاددانشگاهی عزت و افتخار به وجود آورد و هم برای ایران اسلامی و جامعه علمی و پژوهشی کشور غرور آفرید.

خدمات بی شمار دکتر کاظمی تنها در سطح جهاد دانشگاهی و کشور خلاصه نشد بلکه او در اوج جوانی به بلوغی بین المللی دست یافت. او را در خاورمیانه و اروپا و آمریکا هم به خوبی می شناختند. پیامهای تسلیتی که ما در سوگ او از شخصیتهای علمی بین المللی دریافت کردیم گواه این ادعای من است.

نقش کاظمی در جهاد دانشگاهی بی بدیل بود. جبران این ضایعه برای ما در جهاد غیرممکن و ناشدنی است؛ اگر چه فرهنگ سازمانی ما تولد کاظمی های دیگری را نوید می دهد تا راه او را پیمایند و تلاش های بر زمین مانده او را کامل نمایند تا ادای دینی باشد به روح بزرگ او و تسکینی باشد برای خانواده داغدار او. کاظمی به معنای واقعی کلمه یک جهادگر بود و به جهاد دانشگاهی و خدمت در آن عشق می وزید. بی مzd و منت و بی نام و نشان، شبانه روز خود را وقف آرمانها و اهداف جهاد دانشگاهی کرده بود و علیرغم مسئولیتهای متعدد و مهم در این نهاد انقلاب اسلامی تنها به حقوقی مختصر بسته کرده بود. هیچ گاه برای خود درخواست مادی نداشت اما همیشه به فکر همکاران و زندگی آنان بود.

کاظمی روح ناآرامی داشت و لحظه ای از حرکت باز نمی ایستاد. هر روز فکر و طرح تازه ای داشت و در عمق وجودش عزت و سرافرازی میهن اسلامی را در عرصه های بین المللی جستجو می کرد. اقدامات ارزشمند او در این زمینه ها خود داستان بلندی دارد که کوتاهی این نوشتار، بیان را عاجز می کند.

درین و درد که او ما را با کوله باری از اندوه و غم تنها گذاشت و رفت و اینک مائیم و این ماتم بزرگ. بارسنجینی که در نبود او برگردان نحیف خود احساس می کنیم درد و اندوه ما را دو چندان می کند. اما چه باک که فرزندان معنوی امام(ره) و رهبر فرزانه انقلاب عزم را جزم کرده اند تا با توکل به فضل و رحمت الهی راهی را که او برای ما

گشود تا پایان ادامه دهند و نام و یاد این جهادگر قفید را زنده نگاه دارند.

باردیگر این ضایعه را به رهبر معظم انقلاب اسلامی، مردم شریف ایران اسلامی، جامعه علمی و پژوهشی کشور، تمامی اعضای خانواده بزرگ جهاددانشگاهی به ویژه همکاران عزیزم در پژوهشکده رویان، جهاد دانشگاهی و جهاد علوم پزشکی ایران و از همه مهمتر به خانواده داغدارش، پدر، مادر، همسر، فرزندان و برادران او تسلیت می گوییم و از درگاه احادیث برای آن عزیزم سفر کرده علو درجات و برای خود و بازماندگان صبر مسئلت می نمایم.

عاش سعیداً و مات سعیداً

علی منتظری

۱۳۸۴/۱۱/۱۲

دین

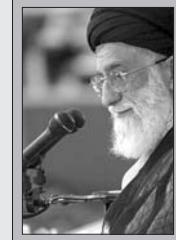




بیانات

رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای



بسم الله الرحمن الرحيم
با تاسف و تلخکامی، خبر درگذشت دانشمند مومن و جهادگر، مرحوم دکتر سعید کاظمی آشتیانی را دریافت کردم و بر فقدان آن شخصیت ارزشمند که کانون امید و ابتکار و نوآوری بود، افسوس خوردم.
وی یکی از فرزندان صالح انقلاب و از رویش‌های مبارکی بود که آینده درخشان علمی در کشور را نوید می‌دهند. موسسه رویان که مجمع ارزشمندی از نوآوران و جهادگران عرصه علوم زیستی است، در پیدایش و رشد و اعتصای خود، مدیون همت و ایمان و پشتکار این دانشمند جوان و بلندهمت است.
اینجانب ضایعه درداک فقدان این عنصر خودم و با ارزش را به خانواده گرامی و همکاران عزیزش صمیمانه تسلیت می‌گویم و از خداوند متعال، رحمت و علو درجات را برای وی و صبر و سکینه‌ی الهی را برای بازماندگان و همراهانش مسالت می‌کنم.



رئیس جمهوری اسلامی ایران

◆

دکتر محمود احمدی نژاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله و ان الاليه راجعون

درگذشت نابهنه‌گام برادر جهادگر، مرحوم دکتر سعید کاظمی آشتیانی موجب تاثیر فراوان اینجانب گردید. فقدان این جوان عالم و پر تلاش برای جامعه اسلامی و دانشگاهی ما ساخت و ناگوار است، او در کنار جوانان برومند این سرزمین، مظہر توانستن و شدن بود.

او این خودبازی و اعتماد به نفس علمی را که شعاع آن در پرتو انقلاب اسلامی و رهبری امام(ره) در این کشور پرتوافکن شده بود، به منصه ظهور رساند و نشان داد که می‌توان در همه زمینه‌ها از جمله تحقیقات و علوم جدید به قله‌های عظیم تمدن مادی و معنوی نائل آمد.

پژوهشکده رویان که با همت او به دستاوردهای بزرگی از جمله ساخت سلول‌های بنیادین و درمان ناباروری نائل آمد، ضمن خدمات عظیمی که به درمان بیماران نمود، نهضتی را پایه‌گذاری کرد که با تلاش و جهاد همکاران علمی او و فرزندان جهاد دانشگاهی، متوقف نخواهد شد.

مرحوم دکتر کاظمی الگوی دانشجویان و جوانان دانشگاهی خواهد ماند تا نشان دهنده، با ایمان و باور دینی، می‌توان به قله‌های بلند استقلال و عزت نائل آمد. اینجانب این مصیبت را به خانواده محترم ایشان، جهاد دانشگاهی، جامعه علمی و دانشگاهی و عموم مردم شریف و عزیز تسلیت می‌گوییم و ضمن طلب غفران و رحمت برای آن فقید سعید، یقین دارم خداوند متعال جوانان این کشور را در رسیدن به قله‌های بلند ایمان و عزت و استقلال باری خواهد نمود.

رئیس مجلس شورای اسلامی

◆
دکتر غلامعلی حداد عادل



بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت دانشمند جوان، شادروان دکتر سعید کاظمی آشتیانی را که در ایمان و تلاش نمونه دانشمندان عصر جمهوری اسلامی ایران بود به بازماندگان آن مرحوم و جامعه علمی کشور تسلیت می‌گوییم و امیدوار است همکاران وی راه پر افتخار او را با امیدواری ادامه دهند.



تقدیر و تشکر

دکتر علی منتظری، رئیس جهاد دانشگاهی

محضر مبارک حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی

رهبر معظم انقلاب اسلامی

با تحيیت و تجدید عهد

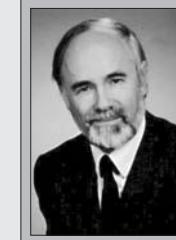
پیام رهبر فرزانه انقلاب در سوگ جهادگر مخلص، دکتر سعید کاظمی آشتیانی، آن «دانشمند مومن و چهره خدوم و با ارزش» موجب تسلی دلهای داغدار و جهادگران ماتم زده شد.

اگر چه جبران این ضایعه سخت و جانکاه است اما اطمینان می‌دهد، در سایه عنایات، رهنمودها و حمایت‌های مستمر جنابعالی همراه با رویش‌های مبارک این نهاد انقلاب اسلامی راه این جهادگر را ادامه خواهیم داد.
تداویم توفیقات، صحت و سلامتی و طول عمر آن رهبر بزرگوار را از درگاه احادیث مسئلت دارد.



در پی درگذشت ناباورانه جهادگر فقید، دکتر سعید کاظمی آشتیانی، انبوھی از پیام‌های تسلیت صادر و به جهاد دانشگاهی ارسال شد. بدینوسیله وظیفه می‌دانیم که از کلیه شخصیت‌های علمی و فرهنگی که با ارسال پیام با ما ابراز همدردی نموده اند تشکر و سپاسگزاری نماییم.

در این مختصر، سپاس ویژه خود را به محضر مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله نوری همدانی؛ دکتر کامران باقری لنکرانی، وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ دکتر محمد مهدی زاهدی، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری؛ حجه الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی، دادستان کل کشور؛ دبیر محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی، حجه الاسلام دکتر خاموشی، رئیس محترم سازمان تبلیغات اسلامی؛ رئیس محترم انجمن علمی تخصصی باروری و ناباروری ایران؛ مدیریت محترم توسعه و ایجاد طرح‌ها در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران؛ رئیس پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری؛ رئیس محترم انسستیتوی پاستور ایران؛ رئیس محترم سازمان نظام پزشکی کشور و رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) اعلام و برای آنان صحت و سلامت آرزو می‌کنیم.



پروفسور ولف - برنارد شیل

دانشگاه گیزن آلمان
دپارتمان پوست و اندروЛОژی

Dr. med. Dr.med.habil. Wolf-Bernhard Schill, PhD.

Department of Dermatology and Andrology
University of Giessen Germany



دکتر مسعود خاتمی

پروفسور دانشگاه نیویورک (دانشکده پزشکی)
مدیر اجرایی انجمن تحقیقات ناباروری نیویورک

Masood A. Khatamee, MD.

Professor, NYU School of Medicine
Executive Director, Fertility Research Foundation

The sad news of the passing of one of our dear colleagues, scientists, and good friend in the field of Human Reproduction, reached me yesterday and saddened me immensely. In the short period that I have known him since my invitation to the Royan Institute a few years ago, I have found him as a great man of vision. I wholeheartedly offer my condolences to his family and the family of physicians in Iran.

Sincerely yours,



پروفسور ایمی ساتو

استاد دانشگاه توهوکو و
رئیس انجمن تولید مثل حیوانات توهوکو - ژاپن

Eimei Sato, PhD.

Professor of Tohoku University,
President of Japanese Society of Animal Reproduction

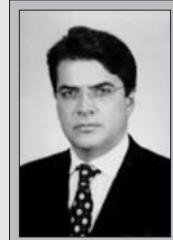
I was sorry and grieved to hear that **Dr. Saeid Kazemi Ashtiani**, Chairman of Royan Institute passed away. No words can express the deep sadness I feel. I was very shocked to hear of his death, particularly because it was so tragically sudden. Dr. Ashtiani was a pioneer in the education and research in fertility treatment and reproductive medicine and biology in the world. He was the founder of Royan International Research Award which is now stimulating the activity of relative young scientists in the world including Japan, USA and European countries. He also founded Yakhtech Medical Journal in 1999 and published papers concerning cellular and molecular subjects in the all of the medical field which were submitted from the scientists in the world including Japan. I will always remember him with great affection.

Dr. Timur Gurgan, PhD.

Hacettepe University, Faculty of Medicine
Dept. of Ob/Gyn Ankara, Turkey

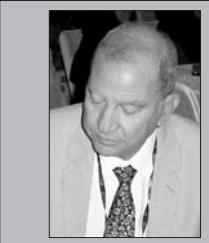
پروفسور تیمور گورگان

استاد دانشگاه هاستب، دانشکده پزشکی
دپارتمان زنان و زایمان آنکارا - ترکیه



Your news about his lost put me in a deep sorrow. I had the opportunity and joy of spending time during last Royan Congress which was very successful and also was the brilliant signature of him. We had too much to do together and to much to learn from him. He was a great man who was able to start the establishment of Royan Institute which is one of the leading scientific organization in the field of stem cell biology and technology. I trust that his students and friends will put all the energy needed to improve his gift to us - Royan Institute to live forever and to help the scientific world to solve the health problems of humankind. Help the people to live in good health and happiness.

I convey my condolecence to all Iranian friends .



دکتر محمد ابوالغار

استاد دانشگاه قاهره و
مدیر درمان مرکز باروری آرمايشگاهی مصر

Mohamed Aboulghar, MD.

Professor of Ob Gyn, Cairo University
Clinical director, The Egyptian IVF Center

I have known **Dr. Kazemi** for many years, and I have met him closely during scientific meetings of Royan Institute and during some Middle East Fertility Society (MEFS) conferences. He was a very sincere and energetic leader, full of life. He was also a very modest man, loved by everybody. This is a great loss for Royan Institute, and for Iran as well as for all MEFS members and the whole scientific community.

I would like to convey my condolences to his family, his friends and his colleagues.

Michel Abou Abdallah, MD.

MEFS, Executive Director

دکتر مایکل ابو عبدالله

مدیر اجرائی انجمن باروری خاور میانه
بیروت - لبنان



The Middle East Fertility Society (MEFS) mourns the passing of **Dr. Ashtiani** who was a talented scientist devoted to reproductive medicine and genetics. It is a sad day for us; indeed, it is a sad day for the field of human reproduction. Founder of Royan International Research Award since the year 2000; Dr. Saeid Kazemi Ashtiani was a tremendous leader and an exemplary human being.

He will be missed by all of us.

On behalf of my colleagues at Middle East Fertility Society, we extend our deepest sympathy to his family and associates at the Royan Institute.



پروفسور ری چنگ چیان

مدیر علمی مرکز تولید مثل دانشگاه مک گیل
و استادیار بخش تولید مثل دیارتمان زنان و زایمان
دانشگاه مک گیل کانادا

Ri-Cheng Chian, PhD.

Scientific Director

McGill Reproductive Center

McGill University Health Center

Assistant Professor

Division of Reproductive Medicine

Department of Obstetrics and Gynecology

McGill University

I was deeply saddened to learn of the passing of **Dr. Saeid Kazemi Ashtiani**.

He will be remembered as a visionary leader, researcher and teacher in the field of reproduction and infertility. We are forever grateful for his relentless support and many contributions to the establishment of both clinical and research facilities in reproduction medicine. It would be difficult to measure the impact he has had on the many people's lives he touched, personally and professionally. The scientific community has truly lost a great man.

Johannes L.H. Evers, MD, PhD

Professor of Obstetrics,
Gynaecology & Reproductive Medicine
Maastricht University, Maastricht -The Netherlands

پروفسور جوهانز اورس

استاد دانشگاه
و متخصص زنان، زایمان و پزشکی باروری
دانشگاه ماستریخت - هلند.



It is with great grief that we received note of the far too early demise of our friend and colleague **Dr. Saeid Kazemi Ashtiani**. Dr. Ashtiani has been of great influence in stimulating scientific research in reproduction in and outside Iran and he has always welcomed new ideas and unexpected discoveries, no matter whether from highly esteemed colleagues or from junior researchers. A good idea was a good idea. In Dr. Ashtiani we lose a stimulating researcher, a wonderful organizer and a dear friend. His outreach went far beyond the Iranian borders. We are all sad to see him go at such a young age.

سینما



از تم نماینده بر سرمه عازم
بیار سای روزه رهنگ نیز مزار
ـ مویهای غریبان، هصیر دام

۸۰/۶/۲۲
کاظم



استاد ۱۸ ساله

برای هر محصلی، دوران آمادگی برای کنکور یک دوران تاثیرگذار و تاریخی است. اما تقدیر چنان بود که روزهای پرالتهاب پیروزی انقلاب و تحولات ابتدای عصر جدید آزادی، دوران آماده‌سازی او در کنکور سراسری باشند.

رشته فیزیوتراپی و دانشکده علوم توانبخشی عنوان اول کتابی بود که محتویات آن سرنوشت یک محقق اندیشمند را تشکیل می‌داد. مهرماه سال ۵۸ درهای مدارس گشوده شد. اولین سال تحصیلی در دوران شکوفایی آزادی از راه رسید و سعید که روزگار جدیدی را با قبولی در دانشگاه آغاز کرده بود، جامه مقدس تعلیم و تربیت را به تن کرد و در هنرستان پیام امید تدریس دروس ادبیات و بینش اسلامی را آغاز کرد.

موفقیت در تدریس این دروس در ۱۸ سالگی، برگی موفق به دفتر پرافتخار زندگی او افزود. شاگردان دبیرستان او را با جان و دل می‌پرستیدند. معلم ۱۸ ساله و شاگردان ۱۶-۱۷ ساله، محفل صادقانه‌ای را ساختند و تا همین اواخر دوران عمر سعید، دریچه ارتباط را با ایشان نگه داشتند و در حل مصائب و مشکلات به استاد مهریان روزهای جوانی پناه می‌بردند و سعید به رغم تنگی وقت و گرفتاری بسیار، همچون دوران جوانی برای کمک به شاگردان همراهش پر از انگیزه بود.

آسمان رویاهای سعید کاملاً آبی شده بود. این روزگار خوب، چنان ذهن و دلش را تسخیر کرد که کوتاه مدتی قبل از وداع گفت: ای کاش هنوز سال ۵۸ بود و در هنرستان پیام روزگار سپری می‌کردم.

نحوه جالب تدریس او، نشان از خلاقیت بسیارش داشت و شاگردان او در حق این معلم

صدای دل انگیز نقاره و طبل و طنین پر ابهه توب اعلام آغاز سال جدید در کوچه پس کوچه‌های خیابان خواجه نظام‌الملک و منطقه حشمیه تهران به گوش می‌رسید. یک دهه جدید خورشیدی به دنبال مرگ دهه کودتای سیاه آمریکایی ها آغاز می‌شد. در دهه جدید رادمردانی دیده به دنیای خاک گشودند که بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی این سرزمین را رقم زندند. سعید کاظمی آشتیانی در اولین روز این دهه پرالتهاب شناسنامه خاکی گرفت و روبروی آئینه تاریخ ایستاد. فردای روشن، من آدم!

کودکی بزرگ

بزرگان، تأثیر خود بر خانواده و جامعه را از همان دوران کودکی القا می‌کنند و سعید هم از این قاعده مستثنی نبود. دوران او با دوران اوج گیری فوتیال ایران در عرصه های بین‌المللی اواسط دهه چهل توان شد. علاقه به فوتیال در از همین دوران شکل گرفت. تقلید از صدای گزارش «عطاء‌الله بهمنش» روى مسابقات فوتیال باعث خنده اطرافيان می‌شد و سایر عوامل، تفاوت او با همسالانش را به همه نشان می‌داد. بدله‌گویی‌ها و حاضر جوابی‌ها و حس کنجکاوی، سعید را متعلق به آینده نشان می‌داد و آینده هم آئینه این واقعیت بود.

دققت نظر و مطالعه عمیق را از سالهای ۴۶ تا ۵۰ که در دبستان شاهنده منطقه نیروهای درس می‌خواند، آموخت. دبستان شاهنده که امروز «ولیعصر» نام دارد هنوز بسوی شیطنت‌های کودکی سعید را دارد و تحلیل‌های علمی عمیق او دوستانش را به کوچه‌پس کوچه‌های خاطرات دبستان می‌برد. این بینش عمیق، در روزهای دبیرستان، او را جذب یکی از مهمترین رخدادهای سیاسی قرن معاصر کرد. آهنگ انقلاب اسلامی که برخاست، سلوهای وجود سعید را مجذوب خود ساخت. همگام با پدری شد که خانه‌اش محل رفت و آمد عده‌ای از بزرگان سیاسی آن سالها بود و اعلامیه‌های تکثیر شده در خانه را از برادر بزرگتر می‌گرفت و عاشقانه در راه یک هدف مقدس توزیع می‌کرد. در دبیرستان محل تحصیل، نمایشگاه کتاب می‌گذاشت و در همین سال‌ها، نمایشنامه پرسر و صدای ابوذر را با تعدادی از دوستان در مسجد امام حسن(ع)

نقطه عطف

دانشکده علوم توانبخشی، نقطه عطف دوران فعالیت‌های علمی و فرهنگی سعید را رقم زد. دوران تحصیلش در این دانشکده از سال ۱۴۵۸ تا ۱۴۶۹ به طول انجامید. در سال ۱۴۶۵ مدرک کارشناسی فیزیوتراپی و ۴ سال بعد مدرک کارشناسی ارشد این رشته را گرفت. تعطیلی دانشگاه‌های کشور بعد از انقلاب فرهنگی و رزم‌آوری در دوران دفاع مقدس دلیل این تطویل بود.

در دانشکده، عضو فعال شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان بود و در دورانی که اندیشه‌های ذهنی دانشجویان تحت تاثیر گروه‌های سیاسی قرار داشت با تمرکز بر محوریت اسلام و براساس اطلاعات ارزشمند مذهبی قوی که داشت ساعت جذب برخی از سرگشته‌های میان راه مانده شد.

دکتر مسعود کنزی، رئیس وقت دانشکده، در سالیان ابتدایی دله شست، سعید جوان را به سمت مسئول امور دانشجویی دانشکده علوم توانبخشی برگزید. اقدامات باورنکردنی یک جوان در اسکان دانشجویان و برقراری امور رفاهی برای آنها، نگاه‌ها را به سوی او خیره کرد. او با همان سن اندک عضو شورای مدیریت دانشکده علوم توانبخشی شد. در این شورا به جز رئیس دانشکده و معاونینش سعید به عنوان نماینده جهاددانشگاهی و مسئول امور دانشجویان حضور داشت و به واسطه درایت و خلاقیت بسیار، در این شورا همواره مورد احترام بود.

در ۲۱ سالگی همراه با دو تن از همکارانش مؤسس جهاد گروه پژوهشی شد. این گروه بعداً در سال ۱۴۶۵ با مرکز پژوهشی ادغام شد و هسته اولیه جهاددانشگاهی علوم پژوهشی ایران شکل گرفت و سعید مسئول بخش طرح‌ها و تحقیقات جهاددانشگاهی علوم پژوهشی ایران شد.

او از همان زمان قدرت خود را در امور تحقیقاتی به نمایش گذاشت و سال‌ها بعد براساس همین توان بالا و بی‌نظیر نام پرافتخار و پرمنزلت ایران را در دنیا برسر زبان‌ها انداخت.

یادگارهای طلایی

یادگارهای دکتر کاظمی در گوشه و کنار همچون مروارید در خشان می‌درخشند. در سال‌های ۱۴۶۱-۱۴۶۵ راهاندازی کلینیک‌های درمانی، پژوهشی و توانبخشی از زیباترین کارهایی بود که سعید درگیر آن بود. کلینیک حضرت فاطمه زهرا(س) در خیابان ایران، همان مکانی است که یک نیکوکار می‌خواست آنجا را حسینیه کند اما به پیشنهاد سعید تبدیل به یک کلینیک درمانی شد و هنوز هم هست. کلینیک شماره ۲ حضرت فاطمه زهرا(س) در خیابان شهرزاد، کلینیک الهادی در خیابان تهران نو، تجهیز و مدیریت کلینیک شهید رعیت در خیابان حافظ، کلینیک شماره ۳ توانبخشی واقع در منطقه سیدخدان و ... به عنوان یادگاران ارزشمند یک تفکر ناب از این ذهن روشن ثبت شده است.

در دوران پر التهاب دفاع مقدس، با هماهنگی ریاست دانشکده علوم توانبخشی به زاهدان رفت و کلینیک درمانی مجهز دیگری نیز در آنجا تأسیس کرد و نگاه ملتمس و متنمی مردم محروم آن دیار را به نور آمید روشن کرد.

دلسوز معرفت کم نگذاشتند تا جایی که در سنین زیر ۲۰ سالگی صاحب بالاترین میانگین نمره داشت آموزش در امتحانات نهایی منطقه شد و افتخاری کسب کرد.

کلام تاثیرپذیر

کلام الهی قرآن، جان و دل سعید را در تسخیر خود داشت. با شنیدن چند آیه از یک سوره نشانی سوره و نام قاری آن را می‌گفت. نهین دلنوza قرآن آویزه گوشش بود. با پول تو جیبی اش در دوران نوجوانی نوارهای قرائت قرآن می‌خرید و در دوران بزرگ‌سالی نیز هرگاه ولو اتفاقی در اتومبیل او می‌نشستی و رادیو را روشن می‌کردی نوای آسمانی تلاوت قرآن را از رادیو قرآن می‌شنیدی. مطالعه برای او از هر تفریحی جذاب بود. کتب علمی، مذهبی و داستانهای نویسندهای بزرگ را می‌خواند و با نگارش انواع کتب به خوبی آشنا بود. به جز شنود آیات قرآن و مطالعه به ورزش فوتبال نیز علاقه بسیار داشت. فوتبال ایران و جهان را پی می‌گرفت و خودش نیز تا همین سال‌های اخیر به بازی می‌پرداخت. مسابقات فوتبال داخلی جهادهای دانشگاهی تهران میدانی بود که چند سال پیش گام‌های سعید را بر سینه خود حس می‌کرد. شاید فوتبال نیز برای او تعبیر تلاش جمعی برای رسیدن به یک هدف را داشت.

شاگردان استاد می‌گویند، در ایام مدرسه به برگزاری مسابقات قرآن و مشاعره علاقه بسیار داشت و در مشاعره‌ها هر کجا داشت آموزان از پاسخ باز می‌ماندند با کلامی دلشیز به میان می‌آمد و با هر کلام تاثیر شگرفی می‌گذاشت.

رزمنده دریادل

از آغاز سال ۱۴۶۰ عمر سعید ۲۰ ساله، همراه برادر و تعدادی از دوستان و شاگردانش رهسپار سرزمین عشق شد و طی سالیان بعد در چندین نوبت در خط مقدم جبهه به عشق یاس‌های سپید سرزمینش دلاورانه جنگید. او نماینده امام جمعه موقعت تهران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در ستاد امداد و درمان جنگ استان تهران در دوران دفاع مقدس بود. اما اخلاص دل دریادل مانع از آن بود که روزهای خوب حمامه عشق را بعد از آن دوران فریاد کند. تا آخرین دم جنگاوری در میدان بود و عملیات مرصاد آخرین میدان دلاوری او در جنگ بود.

وقتی فاو آزاد شد، مرکز درمانی در این شهر دایر کرد و زمان سقوط فاو تا آنجا که توانست وسایل و تجهیزات ارزشمند پژوهشی را برداشت و برد تا غنیمت دست دشمن دون ندهد. برای لاله‌های به خون آشته جنگ ارادت بسیار قائل بود و نامگذاری کلینیک‌های دانشگاه به اسم شهدای بزرگوار، نمایانگر این ارادت عاشقانه بود.

پیوند آسمانی

در ۲۲ سالگی، رزمنده دلاور ایران تا هل اختیار کرد. ثمره این پیوند آسمانی یک پسر و دو دختر بود. گرفتاری‌های بسیار، وقت پرداختن کامل به خانواده را از او می‌گرفت اما هنگامی که کنار همسر و فرزندان بود، محبت صادقانه و بی‌پیرایه‌اش جبران لحظات دوری می‌کرد و حس بودنش دل خانواده را گرم می‌کرد.

در سال ۱۳۶۹ با کوله بار تجربه‌ای که در زمینه تاسیس و راهاندازی مرکز درمانی داشت به گشیش رفت. در آن زمان کیش فاقد هرگونه مرکز درمانی بود و تنها یک بیمارستان نیمه کاره در حال ساخت داشت. در آنجا نیز یک مرکز درمانی با بخش‌های متعدد تاسیس کرد. علاوه بر آن در تکمیل پروژه ساخت بیمارستان کیش کمک‌های فراوانی کرد و پس از مدیریت یک سال آغازین کار این بیمارستان، آنچه را رهبر کرد.

در سال ۱۳۸۰ با همکاری دوست و همکار قدیمی اش دکتر عبدالرضا چولا بی‌سنگ بنای مرکز تخصصی دیگری را در تهران گذاشت. مرکز «رشد و سلامت کودک» که کار پاییش رشد و سلامت کودکان را زیر قبیل تولید به عهده داشت و دارد. همکاران سعید می‌دانند که مشکل بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه چقدر او را آزار می‌داد. تاسیس مرکز خدمات بهداشتی در سال ۱۳۷۸ با هدف اشتغال فارغ‌التحصیلان داشتکده بهداشت، طرح توابخشی در منزل (تم) در سال ۱۳۷۷ با هدف اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های توابخشی و طرح ارزشمند پژوهش قطار در سال ۱۳۸۰ با هدف اشتغال فارغ‌التحصیلان پژوهشی و ارائه خدمات پژوهشی مورد نیاز مسافران حمل و نقل ریلی کشور از دیگر یادگاران طلایی است.

تخته، کلاس، دانشگاه

سال ۱۳۷۰ با تغییراتی که در تشکیلات جهاددانشگاهی رخ داد، سعید که تا آن روز مسئول بخش طرحها و تحقیقات جهاددانشگاهی علوم پژوهشی ایران بود و موسسه رویان را نیز شکل داده بود به عنوان رئیس جهاددانشگاهی واحد علوم پژوهشی ایران منصب شد. همان سال به تعدادی از جهادگران جهاددانشگاهی از جمله سعید بورسیه برای ادامه تحصیل در خارج کشور تعلق گرفت که او بزرگوارانه از پذیرفتن آن خودداری کرد. در کشور ماند و به فعالیت‌های سازنده‌اش ادامه داد و در دانشگاه تربیت‌مدرس نیز برای دکترای علوم تشریح ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۷۶ در همین رشته با رتبه ممتاز فارغ‌التحصیل شد. شوق تعلیم و تربیت چنان در دلش می‌جوشید که طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ به رغم همه گرفتاری‌های کاری که داشت در دانشگاه حاضر می‌شد. در همان داشتکده علوم توابخشی که زمانی در کسوت دانشجویی پیگیر امور رفاهی دانشجویان بود و این بار در کسوت استادی، معلم آنها، بافت‌شناسی و جنین‌شناسی را چنان استادانه تدریس می‌کرد که هر بار پایان ترم دانشجویان در برگه ارزشیابی استاد یک نمره به او می‌دادند. نمره صد!

عشق خاموش نشدنی به مدرسه

در سال ۱۳۷۹ ایده راهاندازی موزه‌های علوم و خانه‌های علم توسعه مرحوم «جعفر علاقه‌مندان» معاون پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش مطرح شد. او می‌دانست برای تحقیق و اجرای این طرح نو که برای بالا بردن دانش و اطلاعات دانش‌آموزان ارائه شده بود و در کشور بی‌سابقه بود سراغ چه مردانی باید برود. یکی از آنها سعید بود. مرحوم علاقه‌مندان رئیس هنرستانی بود که دیرزمانی سعید در آنجا تدریس می‌کرد و رشته انس و رفاقت میان این دواز آن زمان ایجاد شده بود.

سعید در ابتدا یکی از اعضای شورای علمی این کار خطیب بود و آنجا نیز چنان خوش

درخشید که به ریاست شورای علمی منصوب شد. گروههای ده گانه‌ای برای مطالعه و پژوهش در مورد سوابق این کار در کشورهای مختلف تشکیل داد و نتایج این یافته‌ها را در هفته پیش از وداع در ۱۰ مجلد در اختیار آموزش و پژوهش قرار داد.

وقتی از او در سال ۱۳۷۳ خواستند داوری گروه علوم زیستی و پژوهشی «جشنواره جوان خوارزمی» را نیز پیذیرد گرفتاری‌های بسیار داشت اما عشق و علاقه‌اش به مدرسه، دانش‌آموزان و تحقیق و نوآوری مانع از نه گفتن او شد.

سعید به گفته دبیرخانه جشنواره جوان خوارزمی در طول سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ یکی از شاخص‌ترین داوران جشنواره جوان خوارزمی بود. او بدون کوچکترین چشم‌داشت مادی در جلسات مختلف هماهنگی و داوری این جشنواره حاضر می‌شد و طرح‌های مبتکانه و خلاقانه دانش‌آموزان را با چشمان جستجوگر و تیزبین از نظر می‌گذراند و تنها با دیدن همین آثار و طرح‌ها، خستگی از تن می‌زدود.

رویش زندگی در موسسه رویان

ابتکارات بزرگ در زندگی بشری همیشه مجاری مقدس و آسمانی داشته‌اند. برق شکل‌گیری موسسه زندگی بخش رویان در ۱۳۲۵ سالگی سعید، بر آسمان پرتلاطم ذهن او رسید. زمانی که یکی از نماینده‌گان مجلس سوم که از داشتن فرزند بی‌بهار بود، او را به مشورت طلبید و چگونگی در اختیار گرفتن فرزند از مرکز سازمان بهزیستی و یا سفر به انگلستان برای درمان را سوال کرد. از همان وقت دریای ذهن سعید طوفانی شد.

در همان سال‌ها جهاددانشگاهی علوم پژوهشی ایران مجری اولین گنگره باروری و ناباوری دانشگاه بود و در همانجا ایده تاسیس یک مرکز درمان ناباوری مطرح شد. اعتبارات جهاددانشگاهی در حدی نبود که بتوان چنین مرکزی را راه اندازی کرد. اما این موج سر باز ایستادن نداشت. کارهای تحقیقاتی اولیه را زمان کلینیک کوچک شهید رعیت آغاز کرد، همکارانش را برای آموزش‌های علمی لازم به کشور آلمان فرستاد. بهترین نیروهای متخصص و متعدد را یک جا جمع کرد و برای تامین اعتبارات لازم و بودجه خرد تجهیزات آنچا به هر کجا که می‌توانست مراجعت کرد. افزار خیر و متمولین بازار گرفته تا بنیاد مستضعفان و معاونت اجرایی نخست وزیری وقت و دفتر مقام معظم رهبری.

به عنایت مقام معظم رهبری و مساعدت‌های بنیاد مستضعفان یک ساختمان در منطقه زعفرانیه گرفت. با تالاچی خستگی ناپذیر آنچا را تجهیز کرد، نیروی انسانی کارآمد گمارد و موسسه رویان در خدادادمه سال ۱۳۷۰ با حضور وزیر وقت بهداشت و درمان و آموزش پژوهشی، دکتر ملکزاده، افتتاح شد.

شاید آن دریای طوفانی ذهن سعید زمان کمی به ساحل آرامش نشست که صدای گریه نوزاد دختری در فضای طنین انداخت. نوزادی که حاصل اولین لقا از مایشگاهی در موسسه رویان بود. والدین این نوزاد نام سیمین را برایش انتخاب کردند. سیمین نام کوچه‌ای بود که ساختمان کوچک موسسه رویان و اتاق کار مردمی با اندیشه‌ها و آرزوهای بزرگ را در خود جای داده بود.

از آن پس، موفقیت‌های دیگری در پی کامیابی‌های گذشته نصیب او شد. دیرزمانی

زبان‌ها انداخت. وقتی بیش از ۱۵۰ خبرگزاری و رسانه بین‌المللی در یک روز خبر موفقیت ایران در کاونتیگ (شبیه‌سازی حیوانات) را مخابره کردند.

جاری در ذهن اقاقی‌ها

بامداد پنجمینه پانزدهم دی‌ماه سال ۱۴۰۴ زمانی که سردبیران روزنامه‌های کشور همه صحافت روزنامه‌هایشان را بسته بودند و ماشین‌های چاپ در چاپخانه‌های پایتخت با سرعت خبرهای نشست مشترک نمایندگان مجلس و هیئت دولت؛ رشد بی‌سابقه نقدینگی کشور؛ موجودی پنج‌میلیاردی حساب ذخیره ارزی را در صفحه اول به چاپ می‌رسانند، یکی دو خبرگزاری هم خبر تازه‌های درباره دکتر سعید کاظمی آشتیانی منتشر کردند که بر خلاف همیشه خبر خوشحال کننده‌ای نبود....

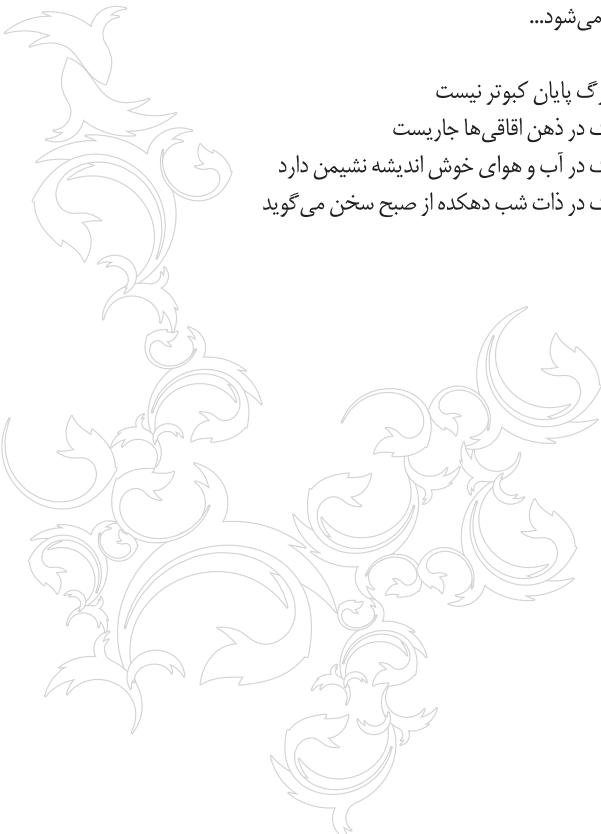
از مرگ این بزرگمرد ایران اسلامی نمی‌توان سخن گفت. بسیاری از دوستان و همکارانش مرگ سعید را باور نکرده‌اند. دکتر سعید کاظمی آشتیانی به زعم بسیاری هنوز زنده است. هر بار که کودکی حاصل از عملی موفقیت‌آییز در پژوهشکده رویان چشم به جهان می‌گشاید؛ هر بار که با تزییق سلول‌های بنیادی، یک انسان جان تازه‌ای می‌گیرد، هر بار که پژوهشکی در یک قطار سراسیمه بر بالین بیمار حاضر می‌شود و بارها و بارها نام او تکرار و تکرار می‌شود....

و مرگ پایان کبوتر نیست

مرگ در ذهن اقاقی‌ها جاریست

مرگ در آب و هوا خوش اندیشه نشیمن دارد

مرگ در ذات شب دهکده از صحیح سخن می‌گوید



نگذشت که موسسه رویان قطب اصلی درمان ناباروری و تحقیقات در زمینه بیولوژی تولیدمی‌شود ایران شد و اعتبارش چنان بالا رفاقت که امروز نام رویان در جهان شناخته شده است.

موسسه رویان دم مسیحای یک آزاد مرد در کالبد روزگار خاکی است. او با این موسسه واسطه لطف پروردگار به بندگان دردمندی است که دست دعا به امید اجابت و سلامت دارند. اما آوازه رویان تنها به خاطر ارائه پیش‌رفته‌ترین روشهای درمان نازایی در کشور و به روز کردن این روشهای تجهیزات لازم نبود. توجه قلب تپنده این پژوهشکده به تولید علم و تحقیق بود که با فرآهم اوردن زمینه‌های لازم و تحقیق و پژوهش، شناسایی و جذب دانشجویان مستعد دانشگاه‌های مختلف کشور خون تازه در رگهای خشک جامعه گریزان از پژوهش جاری می‌کرد.

شش گروه پژوهشی ناباروری زنان، ناباروری مردان، ژنتیک ناباروری، جنین‌شناسی، اپیدمیولوژی، بهداشت و سلول‌های بنیادی که سعید بنیادی آنها را گذاشت طرف چندسال چنان کارنامه درخشانی در تحقیق و پژوهش ارائه دادند که فصل بی‌مانندی در کتاب پژوهش و تحقیق این کشور رقم خورد.

در تابستان سال ۸۲ بیشتر روزنامه‌های کشور تیتر مشابهی را در صفحه اول خود جای دادند: پژوهشگران پژوهشکده رویان جهاددانشگاهی در دیدار با مقام معظم رهبری خبر از تولید، تکثیر و انجام سلولهای بنیادی جنینی دادند.

اوآخر همان سال مقالات علمی این پژوهه ارزشمند در نشریات معتبر بین‌المللی منتشر شد و انجمن بین‌المللی سلول‌های بنیادی نام پرافتخار ایران را در فهرست ده کشور اول جهان که به این موفقیت دست یافته بودند ثبت کرد.

این برای سعید آغاز جدیدی بود. گام بعدی، تمایز این سلولها و استفاده آنها در امور بالینی بود. برای او که همواره با تاسیس کلینیک‌ها و مراکز درمانی و توانبخشی در فکر کاهش آلام مردم جامعه‌اش بود این دریچه جدید در علم پژوهشکی افق گستره‌ای را جلوی چشمان دوربین او گسترد بود. به تمایز سلول‌های بنیادی به سلولهای قلبی می‌اندیشید که یک قلب آسیب دیده از سکته را دوباره احیا کند و یا با تولید سلولهای تولید کننده انسولین، بیماران دیابتی را از رنج جانکاه این بیماری آسوده کند.

سعید عاشق تحقیق بود، محقق پرور بود و محقق و پژوهشگر را ارج می‌نهاد و با همه علاوه‌های که به کشورهای داشت و در راه سربلندی میهن اسلامی‌اش، ایران، جان خود را گذاشت، به محققین تمامی کشورهای جهان توجه داشت.

او مبتکر جشنواره بین‌المللی رویان بود. عرصه‌ای برای هماوردی علمی محققین کشورهای جهان در زمینه علوم پژوهشکی تولیدمی‌شود، بیولوژی باروری و ناباروری و از چندی پیش علوم سلولی مولکولی.

از شهریورماه سال ۷۹ تا شهریور ماه سال ۸۴ به طور منظم ۶ دوره جشنواره بین‌المللی رویان را برگزار کرد و هر بار ۵ محقق از کشورهای مختلف جهان از دستان او تندیس و جایزه جشنواره بین‌المللی رویان گرفتند. این تندیس‌ها هر بار به کشوری می‌رفتند و گویا هر یک سفیری بودند که سربلندی و افتخار کشور جمهوری اسلامی ایران را فریاد می‌زدند. پائیز سال ۸۴ و کوتاه‌زمانی قبل از هجرتش یک بار دیگر نام ایران را در سراسر دنیا برسر



A large, stylized black calligraphic inscription 'الله' (Allah) is overlaid on a grayscale photograph of a rocky landscape. The calligraphy is written in a flowing, modern style with thick black lines and white outlines. The background is a grainy, textured photograph of a desert or rocky terrain under a clear sky.



A decorative illustration featuring the name "Fatima" written in elegant, flowing Islamic calligraphy. The letters are rendered in a dark gray color, with some outlines in black, set against a background of intricate, light gray floral and foliate patterns. The design is symmetrical and ornate, with large, stylized floral motifs framing the central calligraphic text.

مسئولیت‌ها

- 
 - عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران
 - نماینده امام جمعه محترم تهران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در ستاد امداد و درمان جنگ استان تهران در دوران دفاع مقدس
 - مسئول فرهنگی جهاد دانشگاهی گروه پزشکی (۶۳-۶۵)
 - مسئول بخش طرحها و تحقیقات جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران (۶۵-۷۰)
 - ریسیس جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران (از سال ۷۱ تا ۸۴)
 - ریسیس پژوهشکده رویان جهاد دانشگاهی (از سال ۷۱ تا ۸۴)
 - مدیر کل ارتباطات مجلس جهاد دانشگاهی (۷۶-۷۷)
 - عضو شورای علمی جهاد دانشگاهی (۷۱-۸۴)
 - مشاور ریسیس جهاد دانشگاهی (۷۶-۸۴)
 - عضو شورای گسترش گروه پزشکی جهاد دانشگاهی
 - عضو هیئت امناء مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی (بزد-اهواز)
 - عضو شورای علمی گروه چنین شناسی پژوهشکده رویان
 - عضو کمیته تدوین برنامه توسعه جهاد دانشگاهی
 - دانشیار پژوهشی پژوهشکده رویان جهاد دانشگاهی
 - استاد مشاور بیش از ۱۰ پایان نامه دوره دکتری و کارشناسی ارشد
 - استاد مدعو دانشگاههای علوم پزشکی ایران و شهید بهشتی برای تدریس بافت شناسی و چنین شناسی
 - عضو هیئت امنای دانشگاه علوم پزشکی اراک (۸۳-۸۴)
 - مدیر اجرایی پژوهه تولید سلولهای بنیادی در پژوهشکده رویان
 - عضو مؤثر در تاسیس شبکه سلولهای بنیادی کشور
 - مدیر اجرایی پژوهه تحقیقاتی شبیه سازی در حیوانات (کلونینگ)
 - مدیر مسئول فصلنامه علمی پژوهشی یاخته
 - ریسیس کمیته اخلاق زیستی پژوهشکده رویان
 - ریسیس شش دوره چشنواره بین المللی رویان
 - داور و مسئول کمیته داوری چشنواره بین المللی جوان خوارزمی (۷۳-۸۴)
 - ریسیس شورای علمی موزه علوم و خانه‌های علم وزارت آموزش و پرورش
 - ریسیس اولین کنگره فیزیوتراپی، زنان، سلامت
 - ریسیس ۱۵ دوره کارگاه علمی روشهای پیشرفت درمان ناباروری
 - ریسیس ۱۵ دوره سینیار بازآموزی باروری و ناباروری
 - ریسیس دو دوره جشنواره آسیایی بهداشت خانواده

فعالیت‌ها

- غلظت Pure sperm (۸۰-۸۱) (استاد راهنمای کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات)
- انجام پروژه تعیین جنسیت جنین‌های حاصل از لقاح با اسپرم‌های حاصل از شیب غلظت آلبومین (۸۰-۸۱) (استاد راهنمای کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات)
- تأثیر برداشت قطعات سلولی بر تکوین جنین‌های Fragmented انسانی آنها و مقایسه آن با کشت همزمان این جنین‌ها بر روی تکلایه‌های اندولتربیوم انسانی (۸۰-۸۴) (استاد مشاور دکتری تخصصی دانشگاه تربیت مدرس)
- مقایسه اثر استفاده از تکلایه‌های سلولی قطبی و غیرقطبی حاصل از سلولهای ابی‌تیالی فالوب و رحم انسانی بر تکوین جنین‌های موش و انسان (۸۰-۸۴) (استاد مشاور دکتری تخصصی دانشگاه تربیت مدرس)
- مدیریت پروژه تشخیص ژنتیکی قبل از لانه‌گزینی PGD (۷۸-۸۱)
- بررسی تأثیر فراصوت درمانی بر تیام شکستگی استخوان در خرگوش (خاتمه ۸۰)
- تولید رده جدید سلولهای بنیادی در جنین موش (۷۹-۸۱)
- بررسی تأثیر MEHP بر بلوغ آزمایشگاهی تخمکهای نارس موش و تکوین جنین (۸۳-۸۴)
- بررسی تأثیر سیستمین بتامرکاپتوانال و گلوتاتیون بر بلوغ آزمایشگاهی تخمکهای نارس موش و تکوین جنین (۸۳-۸۴)
- بررسی آنزیمهای نشانگر سلولهای قلبی حاصل از بنیاخته‌های جنین موش (۸۲-۸۴)
- بررسی سن یائسگی در زنان ساکن شهر تهران و برخی عوامل موثر بر آن (۸۴-۸۲)
- همکاری مستمر و موثر در تدوین آئین نامه اجرایی قانون اهداء جنین
- همکاری مستمر علمی با حوزه‌های علمیه در جهت تعیین مسائل شرعی مربوط به علوم زیستی و ناباروری

افتخارات

- دریافت جایزه ویژه چهارمین همایش چهره‌های ماندگار به نمایندگی از جهاد دانشگاهی به خاطر دستیابی پژوهشکده رویان به فناوری تولید، تکثیر و انجام سلول‌های بنیادی جنینی
- دریافت جایزه ویژه یازدهمین جشنواره تحقیقات علوم پزشکی رازی به نمایندگی از جهاد دانشگاهی به خاطر دستیابی پژوهشکده رویان به فناوری شبیه‌سازی حیوانات برگزیده اولین همایش کار، صنعت و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (ره)

- برگزاری دوره‌های آموزش و تربیت پزشکیار در دانشکده علوم توانبخشی
- برگزاری سمینارهای آموزشی توانبخشی در دانشکده علوم توانبخشی
- راه اندازی مرکز پاسخگویی به سوالات توانبخشی به صورت مکاتبه‌ای در دانشکده علوم توانبخشی
- انجام طرح معماری و شهرسازی ویژه معلولین و جانبازان
- تاسیس آزمایشگاه تحقیقاتی فیزیوتراپی و حیوانخانه برای استفاده دانشجویان دانشکده توانبخشی در سال ۷۲
- اجرای طرح بیماریابی در سطح هنرستانهای تهران و مراکز تربیت معلم و مهد کودک‌های شهر تهران در سالهای ۷۴ تا ۷۵
- تاسیس یک مرکز جامع توانبخشی در نجف آباد اصفهان با همکاری بنیاد مستضعفان
- راه اندازی گروه پژوهشی فیزیوتراپی در جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران
- مطالعه و بررسی چگونگی استاندارد کردن میز و صندلی مدارس (۶۹-۷۰)
- طراحی و اجرای درمان توانبخشی در منزل (تم)
- طراحی و اجرای طرح پزشک قطار
- طراحی و اجرای طرح بیماریابی دانش آموزان دبستانی و راهنمایی مناطق محروم تحت پوشش بنیاد مستضعفان
- تدوین و طراحی ۱۰ مجموعه اطلاعات برای موزه علوم و خانه علم با موضوعات زیست‌شناسی، شیمی، تکنولوژی اطلاعات ماشین و صنعت، کیهان‌شناسی و نجوم، زمین‌شناسی، فیزیک، ریاضی، و تغذیه و ماده انرژی
- گردآوری مجموعه نفیسی از اطلاعات پزشکی مورد نیاز جانبازان در ۶ جلد با عنوان طرح جامع توانبخشی
- تالیف کتاب زیست‌شناسی درس مدیریت بهداشت برای مقطع دبیرستان
- انتشار مقالات متعدد علمی در نشریات داخلی و خارجی
- تاسیس کلینیک پایش رشد و سلامت کودکان حاصل از فناوری آزمایشگاهی
- تاسیس بانک سلولهای بنیادی بند ناف رویان
- تاسیس مرکز درمان نازایی در شهر قم در سال ۷۶
- تاسیس یک پایگاه تحقیقاتی بسیار مجهز و پیشرفته برای تحقیق در زمینه‌های آندرولوژی، جنین‌شناسی و سلولهای بنیادی در اصفهان (سال ۷۶)
- مبتکر جشنواره بین‌المللی رویان
- طراحی و راه اندازی صندوق حمایت از بیماران ناباروری
- انجام پروژه بررسی اثرات اولتراسوند در ترمیم استخوان با همکاری دکتر منصور جمالی استاد پاتولوژی دانشگاه‌تهران در سالهای (۶۸-۶۹)
- بررسی اثرات مایع فولیکولر انسان Co-culture سلولهای گرانولوزا در باروری و رشد جنین‌های موش سوری (۷۴-۷۶)
- انجام پروژه تعیین جنسیت جنین‌های حاصل از لقاح با اسپرم‌های حاصل از شیب

الف) مقالات فارسی

- ۹- بهاروند، حسین و مهناز آذنیا و کاظم پریور و سعید کاظمی آشتیانی. خصوصیات ضرباهنگی (کرونوتروپی) سولهای عضله قلبی مشتق از بنیاخته‌های جنینی
- ۱۰- فرهادی، مونا و سعید کاظمی آشتیانی و مهرانگیز صدقی و شیوا سیدفروتن و پروانه افساریان و حسین بهاروند. جداسازی اسپرم‌های حامل Z و X توسط شیب غلطی puresperm در موش، نشریه پزشکی کوثر، شماره ۹، بهار ۸۲.
- ۱۱- افتخاری، پوپک و مجتبی رضازاده و سعید کاظمی آشتیانی و دکتر تقی الطیبی. پتانسیل تکوین بر جنین‌های Fragmented انسانی، نشریه پزشکی یاخته، شماره ۳۳۵، پاییز ۸۳.
- ۱۲- ایمانی، حسین و فاطمه حسنی و سیدعلی حائری روحانی و محمدحسین نصرافهانی و اعظم دالمن و مجتبی رضازاده و سعید کاظمی آشتیانی و عبدالحسین شاهوری. تأثیر بستام کاپتواتانل بر از سرگیری میوز، بلوغ و تکوین آزمایشگاهی تخمکهای نارس موش، نشریه علوم تشریح ایران، شماره ۲، بهار ۸۳.
- ۱۳- ایمانی، حسین و مجتبی رضازاده و محمدحسین نصرافهانی و حسین بهاروند و سعید عبدالحسین شاهوری، اثر هم کشته سولهای اپی‌تیلیال لوله رحم هامستر بر تکوین، تسهیم و فراساختار جنین‌های موش، نشریه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی بیز، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۹.
- ۱۴- ایمانی، حسین و فاطمه حسنی و حوری سپهری و سعید کاظمی آشتیانی و مجتبی رضازاده و عبدالحسین شاهوری. تأثیر گلوتاتیون بر از سرگیری میوز، بلوغ و تکوین آزمایشگاهی تخمکهای نارس موش، نشریه دانشگاه علوم پزشکی یاخته، سال ۶ شماره ۲۱، بهار ۸۳.
- ۱۵- ایمانی، حسین و اعظم دالمن و حوری سپهری و سعید کاظمی آشتیانی و مجتبی رضازاده و عبدالحسین شاهوری. تأثیر گلوتاتیون بر از سرگیری میوز، بلوغ و تکوین آزمایشگاهی تخمکهای نارس موش، نشریه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران
- ۱۶- ایمانی، حسین و اعظم دالمن و حوری سپهری و فاطمه حسنی و سعید کاظمی آشتیانی و مجتبی رضازاده و عبدالحسین شاهوری. تأثیر DEHP (منواتیل هگزین فتالات) بر از سرگیری میوز، بلوغ و تکوین آزمایشگاهی تخمکهای نارس موش، نشریه پزشکی کوثر.
- ۱۷- بهاروند حسین و مهناز آذنیا و کاظم پریور و سعید کاظمی آشتیانی. تأثیر ماده زمینه برون سلولی بر خصوصیات کرونوتروپی (ضرباهنگی) کاردیومیوسیت‌های مشتق از
- ۱- شاهوردی، عبدالحسین و احمد حسینی و مجتبی رضازاده و سعید کاظمی آشتیانی. بررسی روند رشد جنینی مفصل‌زانوی موش سوری در محیط کشت، نشریه دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، دوره ۵۳، سال ۱۳۷۷ شماره ۱ و ۲.
- ۲- کاظمی آشتیانی سعید و احمد حسینی و مجتبی رضازاده. استفاده از مایع فولیکولر انسان به عنوان یک محیط کشت در باروری تخمکهای موش سوری در محیط آزمایشگاه، نشریه پزشکی کوثر، پاییز ۱۳۷۶.
- ۳- کاظمی آشتیانی سعید و منصور جمالی زواره‌ای و ناصرسلسبیلی و سیامک بشردوست. تأثیر اولتراسوند در ترمیم استخوان خرگوش، فصلنامه علمی پژوهشی فیض، شماره ۱۳، بهار ۷۹.
- ۴- بهاروند حسین و مجتبی رضازاده و محمدحسین حیدری و سعید کاظمی آشتیانی سعید و عبدالحسین شاهوری، اثر هم کشته سولهای اپی‌تیلیال لوله رحم هامستر بر تکوین، تسهیم و فراساختار جنین‌های موش، نشریه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی بیز، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۹.
- ۵- حسین ایمانی و مجتبی رضازاده و احمد حسینی و سعید کاظمی آشتیانی، تکوین و لاح فولیکول‌های پره‌آترال منجمد شده شیشه‌ای، نشریه پزشکی کوثر، شماره ۷، قسمت، بهار ۱۳۸۱.
- ۶- سبحانی، علیقلی و علی کاظمی و بهروز نیکنفس و کاظمی آشتیانی. مطالعه ساختار بافتی و محتويات معدنی عاج ساخته شده با استفاده از ژلاتین ماتریکس استخوانی غضروفی در خرگوش، نشریه دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، دوره ۱۵، شماره ۳، سال ۱۳۸۱.
- ۷- بشردوست، سیامک و سعید کاظمی آشتیانی و عبدالحسین شاهوری و افسانه آذری و حسین ایمانی. مطالعه بافت‌شناسی اثرات اولتراسوند با فرکانس MHz بر بافت استخوانی پس از ایجاد ضایعه ناقص استخوانی در خرگوش، نشریه پزشکی یاخته، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۸۲.
- ۸- باغبان اسلامی نژاد محمدرضا و مجتبی رضازاده و تقی الطیبی و سعید کاظمی آشتیانی. فراساختار سولهای اپی‌تیلیال رحم انسانی، کشت یافته روی ماتریکس برون سلولی و پلاستیک، نشریه پزشکی یاخته، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۲.

- مقالات ارائه شده در کنگره‌های داخلی**
- ۱- کاظمی آشتیانی، سعید و احمد حسینی و مجتبی رضازاده. غلبه بر ایست دو سلوی اولین کنگره جانورشناسی ایران، ۲۶ و ۲۷ شهریور ماه ۷۶.
 - ۲- بهاروند، حسین و مجتبی رضازاده و محمد حسین حیدری و سعید کاظمی آشتیانی و عبدالحسین شاهوردی. اثر هم کشته سلوهای ابی تیال آمپولای اویداکت هامستر بر تکوین، تسهیم و فراساختار جنین‌های موش، اولین کنگره بیولوژی کاربردی ایران. ۱۸ و ۱۹ بهمن ماه ۷۹.
 - ۳- ایمانی، حسین و مجتبی رضازاده و سعید کاظمی آشتیانی و حسین بهاروند و عبدالحسین شاهوردی و محمد حسین نصر اصفهانی. بلوغ تخمکهای نارس موش، نقش ۲ پالس جریان الکتریکی مستقیم در میوز آزمایشگاهی، چهاردهمین کنگره بین‌المللی پزشکی گرافایی، پانزدهمین کنگره فیزیولوژی فارماکولوژی ایران، ۱۷-۱۴ آبان ۸۰.
 - ۴- ایمانی، حسین و مجتبی رضازاده و سعید کاظمی آشتیانی و عبدالحسین شاهوردی. از سرگیری میوز تخمکهای نالغال (ژرمینال و زیکول) موش به وسیله جریان الکتریکی مستقیم. ۵۰. ولئن در محیط آزمایشگاه چهاردهمین کنگره بین‌المللی پزشکی گرافایی، پانزدهمین کنگره فیزیولوژی فارماکولوژی ایران، ۱۷-۱۴ آبان ۸۰.
 - ۵- باغبان اسلامی، محمدرضا و مجتبی رضازاده و سعید کاظمی آشتیانی. القای تمایز به سلوهای پوششی رحم انسان در محیط کشت اولین کنفرانس سراسری زیست‌شناسی سلوی و تکوینی، سال ۸۲.
 - ۶- باغبان اسلامی نژاد، محمدرضا و مجتبی رضازاده و سعید کاظمی آشتیانی. بهبود رشد و تکوین جنین موش با استفاده از سلوهای قطبی رحم انسان اولین کنفرانس سراسری زیست‌شناسی سلوی و تکوینی، سال ۸۲.
 - ۷- سربازی، فربیا و سعید کاظمی آشتیانی و مهناز آذرنا و شیوا سید فروتن و پروانه افشاریان. جداسازی اسپرم‌های موش حاوی کروموزوم ۷ و ۱۰ توسط شیب غلظتی آبومین، اولین کنفرانس سراسری زیست‌شناسی سلوی و تکوینی سال ۸۲.
 - ۸- فرهادی، مونا و سعید کاظمی آشتیانی و مهرانگیز صدووقی و پروانه افشاریان و شیوا سید فروتن. جداسازی اسپرم‌های ۷ و ۱۰ موش توسط شیب غلظتی، pure-sperm، اولین کنفرانس سراسری زیست‌شناسی سلوی و تکوینی، سال ۸۲.
 - ۹- حسنی، فاطمه و حسین ایمانی و سیدعلی حائری روحانی و محمد حسین
- سولهای بنیادی جنینی، نشریه پژوهشی یاخته، سال ۶، شماره ۲۳، پاییز ۸۳**
- ۱۸- بهاروند، حسین و مهناز آذرنا و کاظم پریور و سعید کاظمی آشتیانی. تاثیر کاردیوژل و ماتریژل بر فراساختار کاردیومیوست های مشتق از سولهای بنیادی جنینی موشی، نشریه علوم تشریح ایران. سال دوم، شماره ۲، تابستان ۸۳.
 - ۱۹- باغبان اسلامی نژاد، محمد رضا و مجتبی رضازاده و سعید کاظمی آشتیانی و پوپک افتخاری، فراساختار قطبی و غیر قطبی سلوهای پوششی لوله رحم انسان، نشریه علوم تشریح ایران، شماره ۴، زمستان ۸۳.
 - ۲۰- بهاروند، حسین و مهناز آذرنا و کاظم پریور و سعید کاظمی آشتیانی. تاثیر کاردیوژل و ماتریژل بر فراساختار کاردیومیوست های مشتق از سولهای بنیادی جنینی موشی، نشریه علوم تشریح ایران، سال دوم، شماره ۲ تابستان ۸۳.
 - ۲۱- باغبان اسلامی نژاد، محمدرضا و مجتبی رضازاده و سعید کاظمی آشتیانی و پوپک افتخاری. تاثیر سلوهای قطبی شده رحم بر تکوین جنینهای موش و میزان سلول بلاستوسیستهای حاصل از هم کشته، نشریه پژوهشی یاخته، سال هفتم، شماره ۲، بهار ۸۴.
 - ۲۲- ایمانی، حسین و فاطمه حسنی و سید علی حائری روحانی و محمد حسین نصر اصفهانی و مجتبی رضازاده و اعظم دالمن و سعید کاظمی آشتیانی و عبدالحسین شاهوردی. تاثیر سیستامین بر از سرگیری میوز و بلوغ آزمایشگاهی تخمکهای نارس موش و تکوین جنینهای حاصله، نشریه پژوهشی یاخته، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۸۴.
 - ۲۳- ایمانی، حسین و اعظم دالمن و حوری سپهری و سعید کاظمی آشتیانی و مجتبی رضازاده و فاطمه حسنی و عبدالحسین شاهوردی. تاثیر MEHP (منو اتیل هگزیل فتالات) بر از سرگیری میوز، بلوغ و تکوین آزمایشگاهی تخمکهای نارس موش، نشریه پژوهشی ۱۰ بهار ۸۴.
 - ۲۴- ایمانی، حسین و اعظم دالمن و حوری سپهری و سعید کاظمی آشتیانی و فاطمه حسنی و مجتبی رضازاده و حسین بهاروند و عبدالحسین شاهوردی. تاثیر آنتی اکسیدانتی بتامر کاپتوواتانل بر بهبود از سرگیری میوز، بلوغ و تکوین آزمایشگاهی تخمک های نارس موش تیمار شده با دی اتیل هگزیل فتالات، نشریه علوم تشریح ایران، سال ۸۴.
 - ۲۵- ایمانی، حسین و فاطمه حسنی و سید علی حائری روحانی و محمد حسین نصر اصفهانی و مجتبی رضازاده و سعید کاظمی آشتیانی و عبدالحسین شاهوردی. تاثیر گلوتاتیون بر از سرگیری میوز، بلوغ و تکوین آزمایشگاهی تخمک های نارس موش، نشریه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پژوهشی مازندران، دوره پانزدهم، شماره ۴۸، مهر و آبان ۸۴.

● 4. H. Baharvand, M. Azarnia, K. Parivar, S. Kazemi Ashtiani. The effect of extracellular matrix on embryonic stem cell Derived cardiomyocytes. Journal of Molecular and Cellular cardiology, 2005; 38.

● 5. M.R. Baghban Eslami, M. Rezazadeh, S.Kazemi. A comparison of polarizedand non polarized human endometrial monolayer culture system on murine embryo development. J. Exp Clin Assist Reprod. 2005; 2: (7).

نصراصفهانی و حسین بهاروند و عبدالحسین شاهوردی و سعید کاظمی آشتیانی. مقایسه تأثیر بتامر کاپتواتانل و HCG بر از سرگیری میوز در تخمکهای نارس موش دوازدهمین کنفرانس زیست‌شناسی، همدان، ۱۰-۱۲ شهریورماه ۸۳

● ۱۰- دالمن، اعظم و حسین ایمانی و حوری سپهری و سعید کاظمی آشتیانی و حسین بهاروند و مجتبی رضازاده. تأثیر مثبت بتامر کاپتواتانل بر از سرگیری میوز تخمکهای نابالغ موش تیمار شده با DEHP دوازدهمین کنفرانس زیست‌شناسی، همدان، ۱۰-۱۲ شهریورماه ۸۳

● ۱۱- دالمن، اعظم و حسین ایمانی و سعید کاظمی آشتیانی و حسین بهاروند و مجتبی رضازاده. تأثیر مهاری DEHP بر از سرگیری میوز تخمکهای نارس موش دوازدهمین کنگره زیست‌شناسی ایران، همدان، ۱۰-۱۲ شهریورماه ۸۳

● ۱۲- دالمن، اعظم و حسین ایمانی و حوری سپهری و سعید کاظمی آشتیانی و حسین بهاروند و مجتبی رضازاده. بررسی تأثیر- بر Gonal-F بلوغ و تکوین آزمایشگاهی تخمکهای نارس موش. دومین کنگره بیولوژی کاربردی، سال ۸۳

● ۱۳- حسنی، فاطمه و حسین ایمانی و سیدعلی حائری روحانی و محمد حسین نصراصفهانی و حسین بهاروند و عبدالحسین شاهوردی و سعید کاظمی آشتیانی. اثر بتامر کاپتواتانل بر بلوغ و تکوین آزمایشگاهی تخمکهای نارس موش. دومین کنگره بیولوژی کاربردی، سال ۸۳

ب) مقالات انگلیسی

● 1. S. Bashardoust Tajali, E. Ebrahimi, S. Kazemi, M. bayat, A. Azari, F.Azordegan, M.Kamali, M. Hoseinian. Effects of He-Ne Laser Irradiation on Osteosynthesis. Osteosynthesis and Trauma Care 2003, 11.

● 2. Hossein Baharvand, Saeid Kazemi Ashtiani, Mojtaba rezazadeh Valojerdi,Abdolhossein Shahverdi, Adeleh Taee, Davood Sabour. Establishment and in vitro differentiation of a new embryonic stem cell line from human blastocyst. Differentiation 2004;72.

● 3. M. Ashrafi, S. Kazemi, F. Zafarani, R. Ommani Samani, B. Eshrati. Evaluation of ovaluation induction protocols for poor responders under going. Assisted Reproduction techniques. Saudi Arabic Journal 2005, Vol 26, 4L.

مقالات ارائه شده در کنگره‌های خارجی:

● 1. Kazemi Ashtiani S, Hosseini A, Rezazadeh Valojerdi M. Mouse 2-cell block is overcome by co-culture of mouse granulosa cells in human follicular fluid. 4th Annual Meeting of MEFS 1997, Oral 31.

● 2. Kazemi Ashtiani S, Hosseini A, Rezazadeh Valojerdi M. Human follicular fluid increase mouse fertilization. 5th Annual Meeting of MEFS, 1998, Poster 23.

● 3. Baharvand H, Rezazadeh Valojerdi M, Kazemi Ashtiani S: Co-culture of mouse embryos with ampullary and isthmic epithelial cell of hamster oviduct. 5th Annual Meeting of MEFS, 1998, Poster 26.

● 4. Eimani H, Hosseini A, Rezazadeh Valojerdi M, Kazemi Ashtiani S. The effects of 20% Heated Inactive and non-Heated human follicular fluid on in vitro maturation of Germinal vesicle mouse oocyte with insulin, transferring, HCG and rFSH. 7th Annual Meeting of MEFS, 2000; Poster 38.

● 5. Rahbar S, Valojerdi M, Akhondi M, Karimian L, Kazemi Ashtiani S. The effect of family relationship on the rate of fertilization and pregnancy. 7th Annual Meeting of the MEFS, 2000, Poster 55.

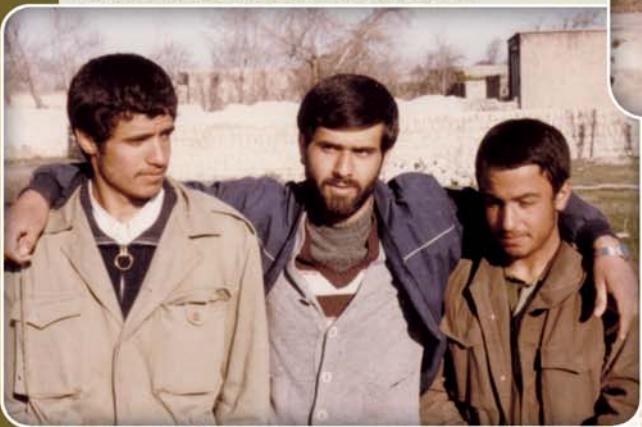
● 6. Rahbar S, Valojerdi M, Akhondi M, Karimian L, Kazemi Ashtiani S. The effect of date of IVF/ET or ICSI/IVF on the rate of fertilization & pregnancy. 7th Annual Meeting of the MEFS, 2000, Poster 57.

● 7. Shahverdi A, Kazemi Ashtiani S., Valojerdi M, Akhondi M, Rahbar S, Karimian L. The effect of day and type of catheter embryo transfer on the rate of pregnancy. 7th Annual Meeting of the MEFS. 2000, Poster 61.

- 8. Kazemi Ashtiani S., Shahverdi A, Valojerdi M, Akhondi M. The effect of three different culture mediums on mature rate of fertility and pregnancy. 7th Annual Meeting of the MEFS. 2000, Poster 62.
- 9. Kazemi Ashtiani S. , Shahverdi A, Rahbar S, Baharvand H: Relationship between pregnancy outcome and some parameters of infertile couples. 8th Annual Meeting of the MEFS 2001, Poster 92.
- 10. Kazemi Ashtiani S., Baharvand H: The Effect of co-culture of ampullary cells of hamster oviduct on mouse embryo development, cleavage and ultrastructure,8th Annual Meeting of the MEFS 2001, Poster 93.
- 11. Eimani H, Rezazadeh Valojerdi M, Kazemi Ashtiani S., Nasr Esfahani MH, Shahverdi A, Samani R; Effect of on direct Electrical pulse, on in-vitromaturation of Germinal vesicle mouse oocytes. 8th Annual Meeting of the MEFS2001, Poster 95.
- 12. Eimani H, Hosseini A, Rezazadeh Valojerdi M, Kazemi Ashtiani S., Effect of 50% Heated-inactive & non-heated human follicular fluid, on in-vitro maturation of Germinal vesicle mouse oocytes with Insulin, transferin. 8th Annual Meeting of the MEFS 2001, Poster 97.
- 13. Voosugh A, Kazemi Ashtiani S, Shahverdi A, Rahbar S, Baharvand H; Prgnancy in infertile patients with special disease. 8th Annual meeting of the MEFS 2001,Poster 106.
- 14. Baharvand H, Rahbar S, Afsharian P, Kazemi Ashtiani S.: Embryo development after fusing of blastomeres of 2-cell mouse embryos by electrofusion8th Annual meeting of the MEFS, 2001. Poster 107.
- 15. Eimani H, Hosseini A, Valojerdi MR, Kazemi Ashtiani S.: The effects of 20%heat-inactivated and non-heated human follicular fluid on in-vitro maturation of germinal vesicle mouse oocytes with insulin and transferin; 3rd Biennial Alpha Conference, 2001, Poster 41.
- 16. Farhadi M, Kazemi S., Afsharian P, Baharvand H, Forootan SS; Separation of X and Y bearing mouse spermatozoa by discontinuous pure- sperm gradient for sex preselection. MEFS, 31 Oct-2 Nov, 2002.
- 17. Kazemi Ashtiani S., Farhadi M, Sarbazi F, Forootan SS, Afsharian P,Baharvand H. Separation of X- and Y- bearing mouse spermatozoa by discontinuous puresperm and Albumin gradients for sex preselection. (Twin-Metting Alpha, Andrology, Antwerp, 2003).
- 18. Eimani H,Rezazadeh M, Nasr Esfahani MH, Baharvand H, Kazemi S.,Shahverdi A. Influence of Direct Electrical (DC) Pulsing on Murine Oocyte Maturation and Development (Twin - Metting Alpha, Andrology, Antwerp, 2003).
- 19. Baghbon Eslami Negad M, Rezazadeh M, Kazemi S. Mouse embryo development on columnar polarized epithelial cells of human oviduct compared to conventional non polarized helper cells. (Twin- Metting Alpha, Andrology, Antwerp, 2003).
- 20. Baghban Eslami Negad M.R, Rezazadeh M, Kazemi S., Tarihi T. Co-culture of mouse embryo with polarized columnar epithelial cell of human uterus (MEFS10th Annual Meeting, Beirut, December 10-13, 2003).(Oral)
- 21. Eimani H, Rezazadeh M, Nasr-Esfahani M.H , Baharvand H, Kazemi S.,Shahverdi A. In vitro maturation of immature mouse oocytes with direct electrical (DC) (MEFS 10th Annual Meeting, Beirut, December 10-13, 2003). (Poster 20)
- 22. Ahmadi H, Baharvand H, Soleymani M, Kamangari A, kazemi Ashtiani S. Autologous bone marrow stem cell transplantation for myocardial regeneration.14th Congress of Iranian Hearth Association.
- 23. Baharvand H, Azarnia M, Parivar K, Kazemi Ashtiani S. The effect of extracellular matrix (Matrigel and cardiogel) on embryonic stem cells- derived cardiomyocytes.14th Congress of Iranian Hearth Association

لیلم شخصیتیں





ججهه گیلان غرب، فروردین ۱۴۰۶

ججهه گیلان غرب، فروردین ۱۴۰۶

اختتامیه نمایشگاه هفتاد دفاع مقدس،

مهرماه ۸۴، تهران



↗ روزهای آغاز فعالیت مؤسسه رویان

منطقه آزاد کیش، روزهای آغاز تأسیس
کلینیک درمانی کیش

← منطقه آزاد کیش، روزهای آغاز تأسیس
کلینیک درمانی کیش



بازدید رئیس بنیاد مستضعفان در آغاز فعالیت
مؤسسۀ رویان

بازدید رئیس بنیاد مستضعفان در آغاز فعالیت
مؤسسۀ رویان

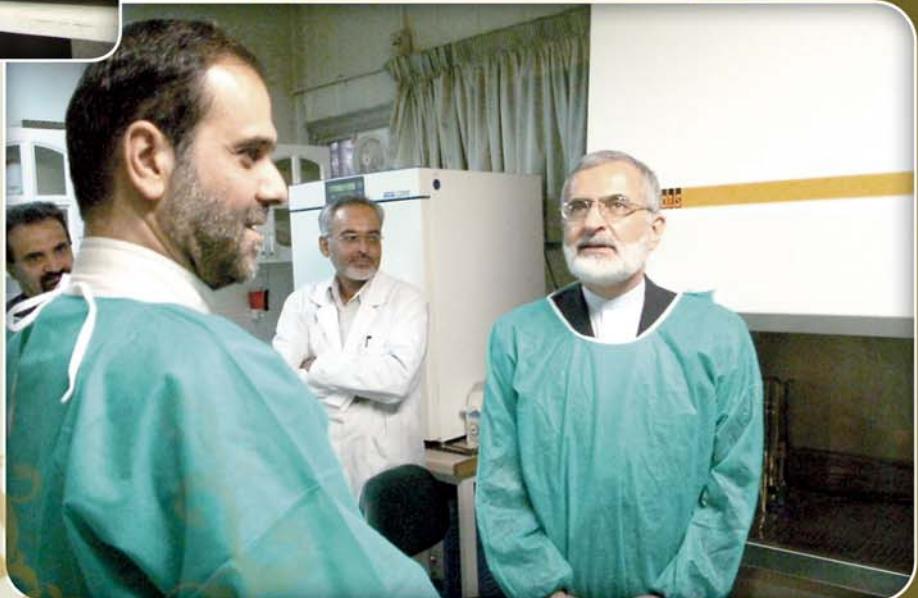
روزهای آغازین فعالیت مؤسسه رویان



بازدید رئیس جمهور از پژوهشکده رویان،
زمستان ۸۳

دیدار با مقام معظم رهبری، تابستان ۸۲

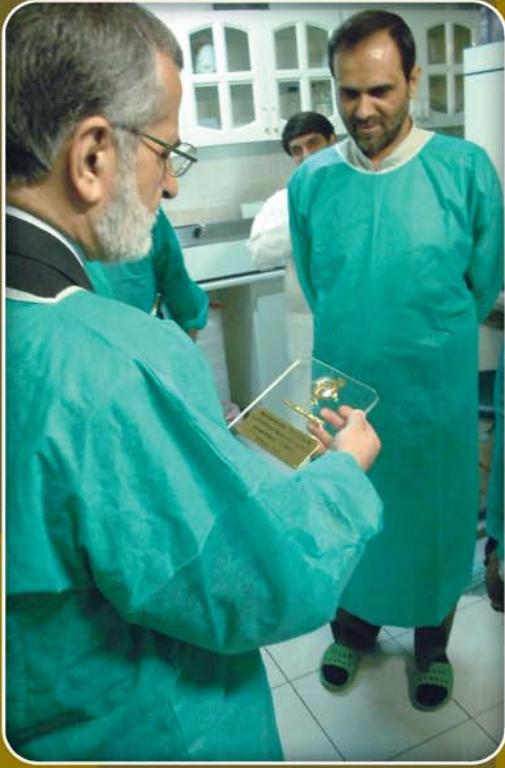
دیدار با رئیس جمهور، پائیز ۸۳



بازدید رئیس جمهور از پژوهشکده رویان،
بهمن ماه ۸۳

بازدید رئیس جمهور از پژوهشکده رویان،
بهمن ماه ۸۳

بازدید وزیر امور خارجه از پژوهشکده رویان،
شهریور ماه ۸۳



▶ بازدید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
از پژوهشکده رویان، اسفندماه ۸۲

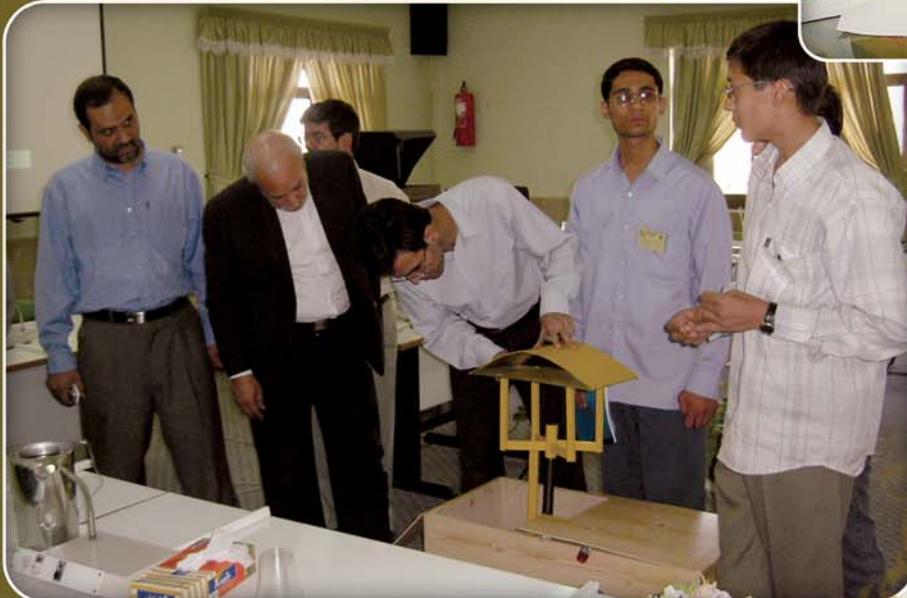
▶ بازدید وزیر امور خارجه از پژوهشکده رویان،
شهریور ۸۳

◀ بازدید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
از پژوهشکده رویان، اسفندماه ۸۲



امضا، تفاهمنامه همکاری با رئیس دانشکده
علوم پزشکی اُدسا، کشور اکراین، تابستان ۸۱

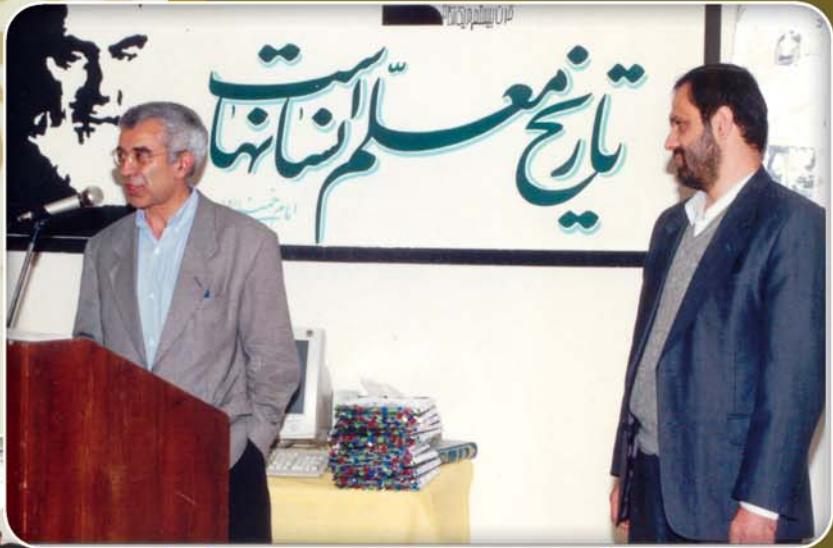
امضا، تفاهمنامه همکاری با رئیس دانشکده
علوم پزشکی اُدسا، کشور اکراین، تابستان ۸۱



جلسات هیئت داوران جشنواره جوان خوارزمی،
۸۴ تابستان

جلسات هیئت داوران جشنواره جوان خوارزمی،
۸۴ تابستان

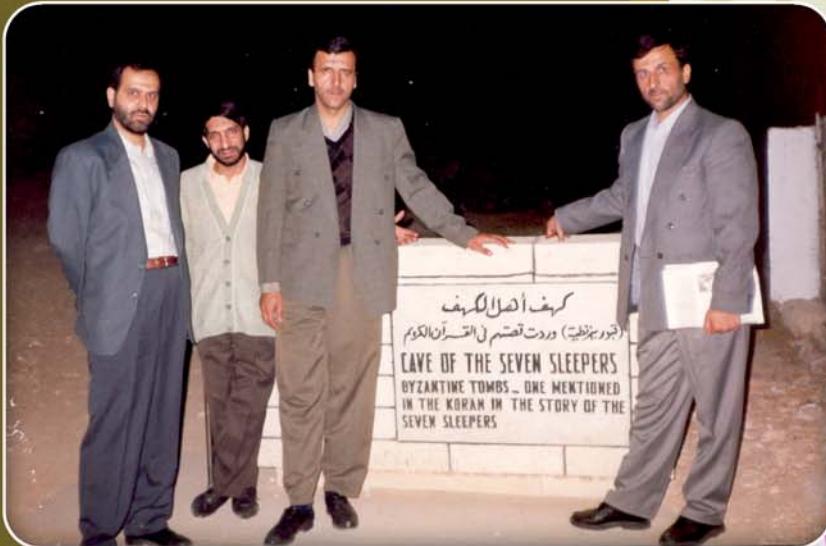
جلسات ارزیابی طرح‌های ارائه شده
به جشنواره جوان خوارزمی با حضور
دانشآموزان، تابستان ۸۴



اختتامیه نمایشگاه «قرن بیستم در یک نگاه» و
مراسم تجلیل از دکتر حسن عشایری، سال ۸۰

اختتامیه نمایشگاه «قرن بیستم در یک نگاه» و
مراسم تجلیل از دکتر حسن عشایری، سال ۸۰

مسابقات سراسری قرآن کریم دانشجویان
دانشگاه‌های کشور، اردیبهشت ۸۴



مسابقات فوتبال جهادهای دانشگاهی
استان تهران، مردادماه ۷۶

حضور در کنگره باروری و ناباروری MEFS در
کشور اردن، آذرماه ۷۸

مسابقات فوتبال جهادهای دانشگاهی
استان تهران، مردادماه ۷۶

آشاده فریخ و ارجمند جایزه آتاقای کترسید کاغذی آشیانی

انتخاب شایسته و برجسته ای حضرت عالی بی عنوان چهارمی ملکه کارد در جوهره

زیست شناسی مایع افتخرا و مبارک است به دست و مدیریت

اصیل تند از در راه کشیان در ریاست شورای علمی موزه علوم

وزارت آموزش و پرورش کواد صادقی است براین شاگرد و

با ایکی و گزینش مناسب.

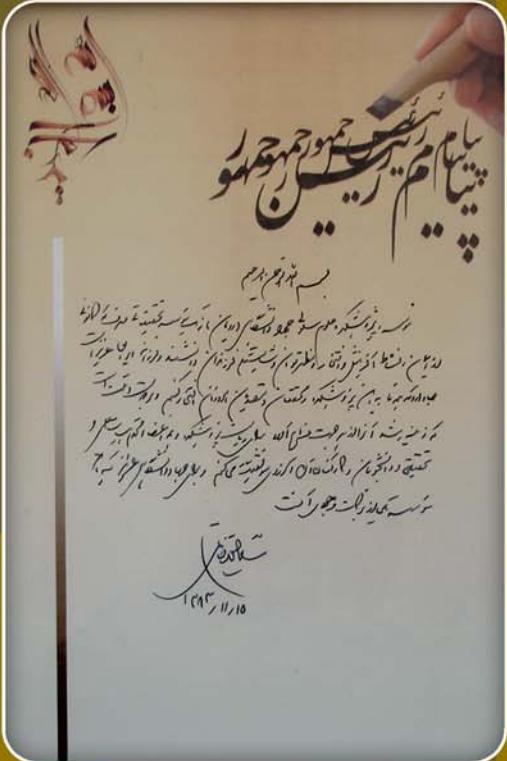
امید است چند سار جوشان عکس معرفت جایزه عالی سه تا امروز بن

کنل های آیینه ای زیب و منسازد سعادت هلات عزت و سر بلند

متدام وجود سر بر قیان را از بارگاه ای سکت و از

امروز است
بجز ملکه ای
کمال و زیب
دو قمی سایه ای آموزش





سومین نمایشگاه فوائدندیهای بخش سلامت و آموزش پزشکی
۱۴۰۲ تا ۲۸ فروردین ماه ۱۴۰۲

جناب آفای دکتر سعید کاظمی اشتباخی
مدیر عام مخفرم پژوهشکده رویان (مرکز تحقیقات علوم سلامتی جهاد دانشگاهی)

احتراماً صمیمانه از شرکت فعال و مؤثر شمارا در

سومین نمایشگاه

تو اندیهای بخش سلامت و آموزش پزشکی کشور
تشکر و قدردانی می‌شود.

از خداوند متعال توفیق روز افزونان را در اعتنای
فرهنگ سلامت این مرز و يوم مسئلت می‌نمایم.

هشتمین سال
مشاور وزیر و مدیرکل روابط عمومی
و رئیس سومین نمایشگاه

دیوان رسانی همکلان



- فرامرز حق شناس
- بهروز رشیدی
- دکتر سید عبدالحمید احمدی
- علی مرادی
- مهندس داود رضی
- دکتر احمد وثوق
- دکتر عبدالحسین شاهوردی
- دکتر سید ابوالحسن شاهزاده فاضلی
- سید ابراهیم احمدی
- رحیم توسلیان
- دکتر علی صدیقی
- دکتر حمید گورابی
- دکتر مجتبی رضازاده
- دکتر رضا سامانی
- دکتر مرتضی ضرابی
- دکتر مهناز اشرفی
- دکتر طاهره معدنی
- سید کمال علیزاده
- دکتر محمد حسین نصر اصفهانی
- دکتر سید مهدی احمدی

در سوگ کوچکتر برادری بزرگ



فرامرز حق‌شناس
عضو هیئت امنای جهاد دانشگاهی

اعراب ابواب و مراتب پژوهش نداشتند و ندارم، او به رغم صراحت و رک‌گویی در انتقاد از همکاران، از موقعیت‌ها برای دلجویی‌ها غافل نبود. وجود گونه‌گون در منش مدیریتی وی کاملاً ممتاز بود.

در پرپایی جشنواره‌ها، من مراتب خستگی و فرسودگی دکتر کاظمی را حس می‌کردم و او عمود خیمه‌گاه جشنواره‌ها بود. از تدارکات تا تعارفات تا تشریفات تا مراسمات تا ... و کاری الحق طاقت‌فرسا بود!

ایما در برابر این همه تلاش‌های شتابان، ترمیم و استراحتی هم در کار بود؟! و این پرسشی است مسئولیت‌آور برای همه‌جهادگران، هم در مورد دکتر کاظمی و هم در مورد سایر مدیران بررسجته جهاددانشگاهی که اکنون شتابان، شب و روز، در حرکتند! و مراقبت نمی‌شوند! در این چند سال اخیر که کمک‌های مالی خوبی از مسئولان کشور بدست پژوهشکده‌رویان رسید و دکتر کاظمی توانست کلنگ بنای جدید محل پژوهشکده رویان را بر قطعه زمینی از خراب‌آباد این دیر نایابا بکوبد، شتابان تر در جنب و جوش بود! در مراسم ویژه کلنگ‌زنی همه‌را دعوت کرده بود، جهادی‌ها و بسیاری از دیگران را! او و آرام نداشت! او از گونه‌آدم‌هایی بود که هم شتاب در حرکت داشت و هم شتاب در گفتار! و آنان که به زندگی هجوم می‌آورند، از وقاحت آن، لاجرم طنز را لازمه‌تداویم این هجوم می‌دانند! سعید برای بی‌رنگ ساختن چهره خشن سختی‌ها، همواره زندگی را با رنگارنگ طنز بسته‌بندی می‌کرد!

اکنون احداث آن بنارویه اتمام است و شاید تمام شده باشد! در ماههای اخیر مشغله علمی دکتر کاظمی همانندسازی بود. به من می‌گفت، انشاء... در آخر بهمن، دهه فجر، خبر خوشی را اعلام می‌کنیم! و مشغله مدیریتی وی هم، افزایش حقوق پژوهشگران پژوهشکده رویان بود تاسطح افزایش حقوق اعضا هیأت علمی دانشگاه‌ها! و من اطمینان دارم که وی در این افزایش حقوق هرگز به خود نمی‌اندیشید. دکتر کاظمی همه عشقش این بود که بعداز نماز جماعت در بیت، حضرت آقای خامنه‌ای، از میان همه حاضران به سوی او می‌آمد و از او و پژوهشکده رویان خبر احوال می‌گرفت! همین برای دکتر کاظمی جای خالی بسیاری از نداشتن‌ها، از جمله حقوق کم... را بر می‌کرد!

دوست داشت جریان دیدارها و اشارات و کنایات و تقدیمات و تشویق‌های رهبری را از خود و همکارانش در موضوع سلولهای بنیادی برایم تعریف کند. تفاوت سنی زیاد من موجب این گزارش بود. اما می‌دیدم که او چه لذتی از عنایت می‌برد!

دکتر سعید کاظمی شتابان آمد و شتابان گذشت. از سال ۶۴، سالی که نقطه عطفی است در سیر تحولات جهاددانشگاهی، من به عنوان مسئول تحقیقات جهاد با ایشان آشنا شدم. البته نسلی با من تفاوت سنی داشت!

بر سر تجهیزات و تقسیم بودجه همواره شتابان در حرکت بود و با دفتر مرکزی یک‌و دو می‌کرد. و من مواطن کرد و کارهایش بودم! در آن سالها علاوه بر سهمیه بورس تحصیلی از وزارت علوم، وزارت بهداشت هم پنج سهمیه بورس برای دوره دکترا در اختیار جهاد قرارداد و کاظمی یکی از پنج نفر بورسیه شد. اما او به خارج نرفت! درسش را در دانشگاه تربیت مدرس شتابان خواند و دکترا گرفت!

او اغلب در برابر فضائل و امتیازات دیگران، خودی یا بیگانه، با تکیه بر توانائی‌های خوبی و امکانات در دسترس، خود را بالا می‌کشید و به آنچه دیگران داشتند یا آهنگ به دست آوردن آن کرده بودند شتابان رقابت می‌کرد و در اکثر موارد به آن دست می‌یافت. در سال‌های ۶۸، که باز جهاددانشگاهی از جهت ساختار مدیریتی مواجه با تحول شد و مدیریت متمرکز جای مدیریت شورایی را گرفت و مدیریت تحقیقات جهاد در دستان برادران دیگری از جهاد قرار گرفت، گاه و بی‌گاه، او از من گلایه داشت به خاطر کنندی مدیریت تحقیقات و در تصمیم‌گیری‌ها و توسعه تحقیقات و... که حق داشت و او مثل بارز مفهوم شتاب بود!

در دور جدید از دیدارها و جلسات، از سال ۶۹ به بعد، فی‌المثل در شورای علمی جهاد، او همچنان شتابان بود. در گرفتن بودجه تجهیزات تحقیقاتی و بودجه پژوهش‌های جهاددانشگاهی علوم پزشکی ایران. اما دیگر منابع را از جهاد به خارج از آن تعیین داده بود. دکتر کاظمی در ایجاد ارتباط و پهنه‌مندی از موقعیت‌ها نبوغ ویژه‌ای داشت و در مدیریت از تراز بالایی برخوردار بود که من دوست دارم بگویم، گو که منطقی و علمی نیست و نمی‌نماید، ویژه منطقه مرکزی ایران، تهران، آشتیان، اراک، خمین... است.

به تدریج این بسط و توسعه در پژوهش و نهادینه کردن پژوهش در حوزه جهاد علوم پزشکی ایران، از سطح کشور فراتر رفت و او به فرآنگ اوردن امکانات بین‌المللی دست زد. بنیان گذاری جشنواره بین‌المللی باروری و ناباروری رویان در راستای این تراز نوین از گستره پژوهش‌های جهاد علوم پزشکی ایران بود. در افتتاحیه یا اختتامیه یا برگزاری برنامه از ما دعوت می‌کرد. البته از باب احترام به بزرگترها و ریش‌سفیدان قوم! والا بینه محلی در

گویی وی در عالم دیگر و از تبار کسانی است که زبان حال دیگری دارند!
چنین قفس نه سرای چون من خوش الحانیست
روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم
چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس
که در سراچه ترکیب، تخته‌بند تنم
بیا و هستی حافظ زیش او بردار
که با وجود تو کس نشود زمان که منم

برای حسن ختم این غمنامه می‌گوییم: او که با قرآن انس و الفتی تام داشت و اغلب در افتتاح جلسات به ترتیل قرآن می‌خواند، آشنا با معانی بهشت و دوزخ بود و آشنا با نهج البلاعه: «شغل من الجنو والنار امامه . ساع سریع نجا و طالب بطی رجا و مقصر فی النار هوی، الیمین والشمال مضله.والطريق الوسطی هی الجاده عليه باقی الكتاب و آثار النبوه. و منها منفذ السنه والیهاصیرالعاقيه ...» (فراز آخر خطبه ۱۶)

کسی که بهشت و دوزخ را به عنوان نتیجه دنیا پیش روی خود دارد، چه کار می‌کند؟! یا شتابان تلاش می‌کند که نتیجه آن نجات و رستگاری است؛ یا به کندی در جستجوی رستگاری برمی‌آید که حاصل آن امیدواری است؛ و یا تقصیر می‌کند که نتیجه آن سقوط در دوزخ است و...

دکتر کاظمی در سراسر عمر کوتاهش شتابان در راه علم که از جمله خیرات این عالم است، ساعی بود. انشاءا.. به نجا دست می‌باید. بمنه و کرمه!

سوگنوشتی برای مرد بی‌مانند؛ سعید کاظمی ...



بهروز رشیدی

مدیر کل دفتر مطالعات سیاسی و فرهنگی جهاد دانشگاهی

سعید عزیز! از گذشته‌ها می‌دانستیم قرآنی که همیشه همراه توست در آیه کوتاه «فاما فرغت فانصب» خلاصه شده است. می‌دانستیم که هر چه سختی‌ها بر تو هجوم می‌آورند صبوری تو گستردۀ تر می‌شود و تو بیشتر به همان آیه پناه می‌بری که کوتاه‌ترین کلام و بلند‌ترین معنای «جهاد» است.

سعید عزیز! می‌دانستیم که جهانی به بزرگای دلت در سینه داری. می‌دانستیم پشت آن چهره خندان دردها و دغدغه‌های دانش و هزار گونه مشقت، پنهان است اما نمی‌دانستیم که چه زود هنگام و ناگهانی باید براین دردها، اشک بریزیم.

سعید عزیز! می‌دانیم که چشمان‌ت هنوز هم نگران کوشش‌های نا تمام است. می‌دانیم که هنوز مثل ابرهای بردبار به تشنگی و تلاش پویندگان دانش و تحقیق فکر می‌کنی.

سعید عزیز! وقت کار است و هنگام روییدن و رویاندن شاخه‌ها. وقت رفتن و رسیدن است. اما دریغ که جاده هست و تو نیستی ...

سعید عزیز! بزرگترین فتح تو و یاران همدوش تو درمان ناباوری نبود. درمان ناباوری بود. تو باور بارور شدن باورها را به ما هدیه دادی. سعید عزیز! ارزشمند ترین تلاش تو، یافته‌های نو در بیناخته ها نبود. تو و یاران تو، بنیاد نمایاندن خواستن و توانستن و ممکن کردن ناممکن ها را رقم زدی.

سعید عزیز! با ما به غیر داغ تو کسی هم کلام نیست و داغ ترا بر دل ما التیام نیست. در حیرتیم که چگونه در آینه دلت آن همه غم‌ها را به لبخند شوق آمیخته بودی.

سعید عزیز! قسم به محبتی که در چشمان تو موج می‌زد و قسم به تلاش و توانی که از دستانت سرشار بود و قسم به درد ها و دغدغه‌های ناتمامی که بر دلت پینه بسته بود. یاران تو در همان راه تا انتهای رسیدن خواهند کوشید.

سعید عزیز! تابوت تو گل ها را رویانده است تا همکاران و دوستانت تابوت گلپوشست را مس کنند و دوباره از تو روییدن و رویاندن را بیاموزند.

سعید عزیز! حالا دیگر جسم تو میهمان خاک است و روح متعالیت با ایده‌ها و اندیشه‌های یارانت همراه است.

ما چند لحظه بعد مزار ترا ترک می‌کنیم و تو انگار بر می‌خیزی و دست بر شانه‌های ما می‌گذاری و با آن لبخند به یادماندنی در گوش ما پیچ پیچ می‌کنی: این راه باید پیموده شود. و ما نبودنت را تاب نمی‌آوریم، نه با اشک و نه با اضطراب از دست دادنت!

سعید عزیز! چند روزیست که صورت نشاط بخش تو پیدا نیست. رفته‌ای و داغ نبودنت بر دل ها مانده است ..

سعید عزیز! امسال روزهای زمستان، چه سرداشان می‌شود بی وجود گرم تو و افسوس که جای نگاهت در چشمان ما چه خالی است!

سعید عزیز! همکاران و همراهانت هنوز متحریر کوچ ناگهانی تو هستند و حقیقتاً نمی‌دانند چگونه زیر خاک آن همه فکر و ایده بلند جا خواهد گرفت؟

سعید عزیز! تورا صدامی زنیم و می‌گوییم:

ای مرد بی‌مانند، یادت سبز!

آن چهره خندان زیبا

دکتر سید عبدالحمید احمدی
معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی

جهادگر فقید، دکتر سعید کاظمی به معنای درست و دقیق کلمه مرد جهاد بود. جستجوگر، بیویا و خستگی ناپذیر اهداف جهاد را سرلوحه قرار داده بود و شخصیت رشد یافته و فرهیخته او آیه شریفه «والذین جاهدو فینا لنهدینهم سبلنا» را تداعی می‌کرد. همه آنان که دکتر کاظمی را شناخته‌اند به روشنی دانسته‌اند که فقدان او رانمی‌توان به آسانی باور کرد، زیرا وجود پربرکت او به جمع جهادگران نیروی شگرفی را منتقل می‌کرد و نگرش عمیق و راهگشایی او در بسیاری از زمینه‌های کاری جهاد دانشگاهی موجب گره‌گشایی و رفع موانع می‌شد.

ویژگی‌های فراموش نشدنی این شخصیت ارزشمند به حقیقت چیزی نیست که بتوان در یادداشت یا کلامی کوتاه از آنها نام برداشتن. اما دریغ دارم که از روح مقاوم و پایمردی دکتر کاظمی در برابر ناملایمات یاد نکنم، بارها و بارها همکاران جهاد دانشگاهی به چشم خود شاهد توان و اعتماد به نفس مثال زدنی ایشان برای رو در رو شدن با سختی‌ها بوده‌اند. نکته بسیار جالب توجه در این ارتباط این بود که، دکتر کاظمی در دشوارترین شرایط و موقعیت‌ها با انکال و اعتقاد عمیق قلبی به خدا و ائمه اطهار (ع) به همه سختی‌ها لبخند می‌زد و چهره مهربان و خندان او، تصویری زیبا از مردی بود که در نهایت سختی و سخت‌کوشی، خندان است و از پای نمی‌نشیند.

وقت شکفتن

علی مرادی

رئیس جهاد دانشگاهی واحد استان قزوین

تقدیم به او که همواره در یاد جهادگران جاویدان خواهند ماند

وقت است،
وقت روئیدن،
وقت شکفتن،
وقت گفتن، وقت اندیشیدن،
گرچه زمستان است و زمستان، سرد و تاریک می‌ماند!
اما! می‌توان شکفت، می‌توان باز هم از بهاران گفت،
باید تلاش کرد، باید رخت برسیست، از هرچه رخوت و سستی است،
هر چند فصل خوابهای زمستانی است،
اما! می‌توان!
می‌توان با بارانهای سرد زمستانی نیز،
چشمها را شست، جور دیگر نگریست!
و به اندیشه نو، به فرداهای وطن،
رنگ سبز عشق دمید،
اگر! و اگر بدانی،
چگونه زیستن را،
ویاموزی، چگونه رفتن را!!
و دکتر سعید ما،
چه زیبا واژه‌ها را تعییر کرد،
آمدن! ماندن! رفتن!
تا بگوید می‌توان بود، برای همیشه! در قلیهای خسته و امیدوار!

دکتر کاظمی، شخصیتی جامع و کمنظیر

مهندس داود رضی

رئیس جهاد دانشگاهی واحد خواجه نصیرالدین طوسی



... یادش به خبر سال ۱۳۶۴، ایشان به همراه تنی چند از برادران، جهت طراحی، ساخت و تولید دستگاه شوک الکتریکی با جهاد دانشگاهی واحد خواجه نصیرالدین طوسی تماس گرفتند و این اولین دیدار و سرآغاز آشنایی بندۀ و دیگر همکاران این واحد با مرحوم کاظمی بود.

طی سال‌های متتمادی که از آن زمان گذشت فرستادهای زیادی جهت همکاری و برخوردهای صمیمی با ایشان حاصل گردید که محصول آن، خاطرات تلح و شیرین متعددی است که لحظات فقدان او را در ذهن این حقیر پر نموده است.

خصوصیات اخلاقی و توانایی کاری دکتر کاظمی از وی مدیری شایسته ساخته و وی را در زمرة شخصیتهای شاخص و تراز اول جهاد دانشگاهی مطرح نمود. فناوری سلولهای بنیادی و فعالیت در حوزه علمی شبیه‌سازی و نهایتاً نمایش قدرت تفکر و ایمان ایرانیان مسلمان در رده اول دانش جهان، مؤید این ادعاست.

تلاش‌های مرحوم کاظمی و همکارانش، نام جهاد دانشگاهی را همچون گذشته، در قالار افتخارات ایران اسلامی تثبیت نمود و امید است همین زحمات در سرای باقی موجبات دستگیری و علو درجات او را فراهم آورد.

اگر امروز مسئولین بلند پایه مملکت از جهاد دانشگاهی با افتخار نام می‌برند و در هر کجا که قرار است از دستاوردهای انقلاب اسلامی پادشود؛ فعالیتهای این نهاد مقدس نقل مجلس است. مرهون مساعی خالصانه جهادگرانی چون اوست.

فقدان دکتر کاظمی که با توجه به جایگاه علمی و توان مدیریتی همواره از گزینه‌های مطرح جهت مدیریت کلان در جهاد دانشگاهی بود و امید می‌رفت که در آینده زمام امور این نهاد انقلابی را به دست گیرد، ثلمهای بزرگ بر بدنجهاد و حتی مدیریت کشور وارد آورد و افسوس که علی‌رغم طرح نام ایشان جهت تصدی وزارت رفاه، دولت جدید از حضور چنین ارزشمندی محروم ماند.

اتفاقاً، طرح خاطرهای در این باب خالی از لطف نیست.

چند روزی مانده به موعد معرفی اعضاء کابینه دولت نهم، بندۀ به اتفاق تعدادی از مدیران جهادهای دانشگاهی تهران جهت بازدید از پژوهشکده رویان و آشنایی هر چه بیشتر با فعالیتهای پژوهشگران جهادی، به آن واحد رفته و ساعتی را میهمان مرحوم کاظمی بودیم. در خلال صحبت‌ها، بحث مد نظر بودن ایشان برای وزارت رفاه مطرح شد وی

ضمون تشریح چگونگی موضوع، فرمودند که برای من کارکردن با همین پژوهشگران و ادامه فعالیت‌های علمی بر پست وزارت ارجحیت دارد و شما دعا کنید که نام من مطرح نگردد و ادامه روند تحقیقاتی پژوهشکده دچار اخلال نشود و زمانی که بندۀ نام وزراء پیشنهادی را از رادیو شنیدم از این جهت که خواسته او برآورده شد، خشنود گشتم، گرچه همان طور که عرض شد، دولت و کشور از وجود چنین مهره توائمندی در حوزه وزارت یاد شده، محروم گردید.

و اما از خصوصیات یارز دکتر کاظمی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: او از بندگان خوب خداوند متعال بوده و با قرآن و اهل بیت انسی شایسته داشت و در عین حال مدیری زیرک و باهوش و دارای توان روابط عمومی بسیار بالا بود. او علی‌رغم جدیت و تلاش چشمگیر برای اینکه همواره در کارهای خویش در رده اول باشد با صمیمیت و خوش طبیعی خود در قلوب همه نزدیکان و همکارانش جایگاهی ویژه داشت. سخنوری، صداقت و محترم شمردن حقوق دیگران از وی شخصیتی کم نظری ساخته بود. به نحوی که کمتر می‌توان عنصری با چنین خصوصیات نسبتاً جامعی یافت نمود.

در هر حال کاظمی رفت و یاد و خاطره او همچنان باقی است، لیکن امیدوارم با تلاش روزافزون سایر همکارانش در جهاد دانشگاهی، به ویژه پژوهشکده رویان خلاصه عدم حضور وی به شایستگی پر شده و مسیری که ایشان در راه اعتلای ایران اسلامی پیمود بی‌رهرو نماند. زیرا یکی از راههای مطمئن تامین استقلال و خودکفایی کشور در گروه همین امر است.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد

با کاظمی در میقات



دکتر احمد وثوق

معاون پشتیبانی و خدمات تخصصی پژوهشکده رویان

توفیقی دست داد تا در مراسم حج سال ۱۳۸۰ با برادر عزیزم زنده یاد دکتر سعید کاظمی به حج مشرف شدیم، اصل توفیق تشرف بنده به حج مربوط به سهمیه هیئت علمی آقای دکتر کاظمی بود. چون ایشان از طریق بعثه یکی از مراجع عازم بودند بند هم توفیق یافتم از سهمیه هیئت علمی ایشان استفاده کرده و مشرف شدم. شاید تقدیر الهی بر این بود که این دو یار و دوست قیمی در دیدار عشق و در دیار عاشقان هم کنار هم باشند.

نکته قابل توجه در این سفر علاوه بر حالات روحانی و عبودیت ایشان، کلاس‌های آموزشی در زمینه جنین‌شناسی بود که در محل بعثه برگزا می‌کردند و علماء و روحانیون جهت بهره‌مندی، گروه گروه در این کلاس‌ها حاضر می‌شدند. مطالب ارائه شده آنقدر جذاب و مفید بود که حتی بند هم خیلی مجذوب کلاس‌ها و بحث ایشان می‌شدم. ایشان عملاً ارتباط حوزه و دانشگاه را در این سفر تجربه و به مرحله عمل رساندند. دفاتر خیلی از مراجع جهت همکاری‌های علمی مشترک اعلام آمادگی کردند و حتی پس از برگشت از سفر حج هم همراه دکتر کاظمی به قم مشرف شدیم و بیگیر پروژه‌ها شدیم که الحمد لله یک پروژه هم به ثمر رسیده است.

گل، چه پایان قشنگی دارد!

دکتر عبدالحسین شاهوری

معاون پژوهشی و آموزشی پژوهشکده رویان



یاد و خاطره دکتر سعید کاظمی آشتیانی در دل جامعه علمی کشور و مردم این سرزمین زنده خواهد ماند و از نسل دیگر این خاطرات منتقل خواهد شد. کسی که هویت محققین این مرز و بوم را زنده کرد و جمله «ما می‌توانیم را از حرف به عمل رساند و شور و شوق زنده بودن را در رگهای جامعه علمی جاری ساخت.

دکتر کاظمی عالم، سخنور، اهل قلم، اهل دل و مومنی واقعی و در زمینه تخصص خود به معنای واقعی یک مجتهد بود. با فراست خاصی موضوعات علمی را عمیقاً بررسی می‌کرد و پیرامون آنها نظر می‌داد. به همین دلیل در علوم جنین شناسی و بافت شناسی صاحب ایده و سبک بود.

در کلاسهای درس با تسلیطی که به آیات و احادیث و روایات دینی داشت، با انگیزه ای فرهنگی، این مطالب را چاشنی مطالب درسی و تخصصی می‌کرد.

به رغم اشتغالات فراوانش در حوزه‌های مختلف مسئولیتی که داشت هیچ گاه از تحقیق روی گردان نبود و همواره به عنوان یک محقق دقیق و با انگیزه در آزمایشگاه تحقیقات حاضر بود که مقالات متعدد و گزارش‌های منتشر شده گواه این مطلب است.

در مدیریت بی نظیر بود. به خاطر دارم یک بار در جلسه‌ای حضور داشتم که یک فارغ التحصیل رشته مدیریت هم بود و تازه آشنا شده بودیم بعد از اتمام صحبت‌های دکتر کاظمی از ایشان پرسید در چه گرایشی از مدیریت فارغ التحصیل شده‌اند. در مدیریت، جدی، دقیق، بار برنامه و پیگیر بود. هیچ وقت خود رایه مسائل کوچک و حاشیه‌ای مشغول نمی‌کرد و همواره به همکارانش گوشزد می‌کرد که به موضوعات، وسیع تر نگاه کنید و همواره، آینده را پیش چشم به تصویر بکشید.

حاصل بخشی از تلاش‌های او شکل گیری پژوهشکده رویان و درخشش آن در سطح ملی و بین‌المللی بود. او از هیچ کوششی برای سربلندی محققین این کشور درین نکرد و با برگزاری جشنواره و کنگره بین‌المللی رویان توانایی محققین کشور را به رخ جهانیان کشید و با تحولاتی که در جامعه علمی نازابی به وجود آورد محققین این رشته را در جایگاه جدیدی قرار داد.

بسیار خوشرو و شاد با دوستان روبرو می‌شد و در هر مجلسی که حضور داشت مثل نگینی می‌درخشد. با تسلیطی که به ادبیات و تاریخ داشت، لطیفه‌های روز را تغییراتی می‌داد و ضمن خنداندن دوستان تجربیاتش را هم منتقل می‌کرد.

سقف‌ها را باید بالا برد



دکتر سید ابوالحسن شاهزاده فاضلی

معاون پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران

در طی سال‌های همکاری که با ایشان داشتم، خصوصاً در این سال‌های اخیر که مصاحبت روزانه ۸-۱۲ ساعت را با ایشان داشتم باعث شد تا درسهای فراوانی را از جنبه‌های گوناگون شخصیتی از وی فرآگیرم. او فردی مدیر، مدبر، منظم و مصمم بود. تفکری که در تمامی کارهای ایشان دنیال می‌شد این بود که ما قادر به انجام کارهای بزرگ هستیم. تشویق به حرکت و دادن اعتماد به نفس به همکاران و محققان جوان را همیشه مدنظر داشت. برنامه‌ریزی‌هایی را برای پرورش استعدادها و نخبگان به انجام رسانید و طرح‌هایی را برای حفظ و نگهداری نخبگان در سر داشت. براساس اهداف عالی به جمع‌آوری ابزار و بودجه می‌پرداخت. ولی هیچگاه برآساس بودجه هدفی را تعریف نمی‌کرد. طبع بالای داشت و همیشه به دنبال ارتقاء دیگران بود و از رشد کسی واهمه نداشت. می‌گفت سعی ما باید بر این باشد که سقفها را آن قدر بالا ببریم تا آدمهای بزرگ دور برمان جمع شوند نه آنکه به دلیل سقف پایین به دنبال کوتوله‌ها بگردیم.

از کار کردن با او احساس خستگی نمی‌کردیم. هر فضای میدانی را فضای کار می‌دانست. سفر و تفریح را نیز به منظور جمع کردن دوستان زنده‌کش هرچند وقت یکبار در نظر می‌گرفت. اما در تمام طول سفر و تفریح نیز به بررسی یک موضوع مهم می‌پرداخت و بعد نتیجه‌گیری خوبی می‌کرد. ابعاد شخصیتی او به گونه‌ای بود که در هر جمعی که ظاهر می‌شد مورد احترام قلبی قرار می‌گرفت و پس از مصاحبت، افراد را بروانه‌وار به دور خود جمع می‌کرد. شیوه‌ای کلام او آمیخته با طنز بود و ساعتها با او بودن مانند لحظه‌ای می‌گذشت. خاطراتی که با او در طی این سالها داشته‌ایم به حدی است که هرسو و به هرچه می‌نگرم به یاد کلامی از او می‌افتم و تحلیل‌هایی که در ارتباط با موضوعات گوناگون داشت.

دید و نگاه عمیق او همیشه ما را به شگفتی وامی داشت. توکل به خدا و عبادت خالصانه و ذکر معبد و خصوع و خشوع و عشق به اهل بیت و ولایت از مهمترین ابعاد شخصیتی اوست که سرلوحه کارهایش قرار داده بود.

خداآند او را با اولیاء الله محسشور گرداند و از برکات او ما را نیز بهره‌مند گرداند.

یادم هست

سید ابراهیم احمدی

معاون پشتیبانی جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران



رفتی و رفتن تو آتش نهاد بردل از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل

بهت رفتن دکتر کاظمی طلایهدار دانش و حکمت، قهرمان مدیریت و خدمت و اسوه خلاقیت و مجاهدت هنوز مریدان و عاشقانش را حیران نگاه داشته است.

چگونه باور کنم عاشقی آنچنان پرشور، دوستی آنقدر صمیمی و مهربانی آنچنان عزیز اینچنین زود از میان ما رفته است.

یادم نمی‌رود زمانی که نامه عذرخواهی خود از پذیرش وزارت بهداشت را نوشت. چه بزرگوارانه از کنار سمت‌های دنیایی گذشت.

یادم هست که می‌گفت افتخارم این است که در جای کوچک کارهای بزرگ انجام دهم. چگونه فراموش کنم که هدیه همایش چهره‌های ماندگار را تراپیال آخرین تمام همکارانش در پژوهشکده رویان تقسیم کرد و حتی ریالی از آن را برای خود نگذاشت.

یادم هست که چگونه از خبر و دوربین و خبرنگار گریزان بود و من شرمنده خبرنگاران.

یادم نمی‌رود صلوات‌هایی که دور انکوپا تور سلولهای بنیادی جینی نذر کرده بود و سجده‌های شکری که در دفتر کارش بهجا می‌آورد.

یادم هست که عاشق بود. می‌گفت تا عاقل به دنبال پل بگردد مجنون از آب گذشته است. انگار می‌دانست که فرصتی نمانده.

یادم هست.

هرگز ن نقش تو از لوح دل و جان نرود هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود

آقای دکتر، چه خبر؟



رحیم توسلیان

معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران

سه شنبه است. سیزدهم دی ماه، پشت کامپیوتر مشغول نگاه کردن اتودهای طرح جلد کتاب دومین جشنواره آسیایی بهداشت خانواده ام که می‌آید.

– چه خبر؟

– خبری ندارم دکتر! حسابی مشغول کارهای جشنواره ایم. به اخبار ایستای خودمان هم نمی‌رسم!

– بهتر! اعصابت راحت تره. نیست?

آمار ثبت نام کنندگان همایش را می‌گیرد و چند سؤال و «یا علی!». بسته شکلاتی روی میزم وسط کاغذهاست. تعارف می‌کنم.

– ممنون. فردا دارم میرم تست ورزش... یا علی!

پنجشنبه است. پانزدهم دی ماه ۸۴. نمی‌دانم دیشب را چطور صحیح کرده ام. حالا ساعت قدری از پنج گذشته. یک ساعتی هست جلوی کامپیوتر نشسته‌ام، صفحه ارسال خبر خبرگزاری جلوی من باز است. پرده اشک نمی‌گذارد حروف کیبورد را خوب ببینم. دستهایم می‌لرزد. قدرت نوشتن خبر رفتنش را ندارم. هنوز باور ندارم. تیتر می‌زنم: قلب رویان ایستاد...

تازه از بهشت زهرا برگشته ام. این روزها، بیشتر خاطره درمانی می‌کنم. دفتر خاطرات سال‌های قبل را ورق می‌زنم. نامش مثل رود در خاطراتم جاریست. به ششم بهمن ۸۳ می‌رسم. پیش نویس متن تسلیتم به دکتر برای درگذشت دوست قدیمی اش «جعفر علاقه‌مندان» را لای دفتر دارم. بالای متن تسلیت نوشته‌ام: از آواز زنجره برنمی‌آید که زود خواهد مرد....

گاهی اوقات بیشتر که دلتگم و خسته، بهشت زهرا می‌روم. قطعه ۱۶ ردیف ۵۹ شماره ۵۳. پایین سنگ مستطیل شکل سیاه می‌شینم. با همان تبسیم همیشگی نگاه می‌کند. من حرف می‌زنم، فقط نگاه می‌کند. خیره. و گاه لبخند می‌زند. سکوت‌ش کلافه ام می‌کند. دوست دارم مثل همیشه با شنیدن دو جمله همه حرفم را بهم و کلامم راقطع کند. اما نمی‌کند. سکوت‌ش دیوانه ام می‌کند. بغضنم می‌ترکد... فقط نگاه می‌کند. آرامش در نگاهش موج می‌زند. از آن هیجان همیشگی در چشمهاش خبری نیست. آرام می‌برسم: آقای دکتر، چه خبر؟

وقتی تو نیستی
نه هستهای ما چونان که بایدند
نه بایدھا ...
هر روز بی تو
روز مباداست

سر زدن به دفتر ما کار هر روزش بود. اول وقت. آرام می‌آمد. بی سروصد و اول سلام می‌کرد. بعد از سلام و احوالپرسی همیشه می‌پرسید چه خبر؟ جدی و نه از روی عادت. و من همیشه باید برای دکتر خبرهای تازه می‌داشتم. برای دکتر کاظمی با ویژگی‌های خاص خودش، با آن اطلاعات وسیع و عمیقی که داشت و آن حافظه عجیب، خبر تازه داشتن کار سختی بود.

صبح اول وقت، سه چهار روزنامه را می‌دید. اخبار تلویزیون و رادیو را در نوبت‌های مختلف پیگیری می‌کرد. با کامپیوتر و اینترنت کمتر مأнос بود و غالباً اخبار من از همین منابع بود. خبرها را گوش می‌کرد و با این و شم قوی خود خبرها را تحلیل می‌کرد. گاه شک می‌کرد. تحقیق می‌کرد و یکی دو روز بعد از صحت و سقم خبر صحبت می‌کرد و گاه همین دیدارهای صبحگاهی ما که با چه خبر آغاز شده بود بحث مفصل یک ساعته ای می‌شد. پیش از رفتن گزارشی هم از بخش‌های تحت مسئولیتم می‌گرفت. دست آخر هم یک «یا علی!» می‌گفت. هیچ وقت خسته نباشد نمی‌گفت. یک «یا علی!» می‌گفت. محکم و قشنگ. و می‌رفت...

رویان مرهون کاظمی، حتی در نامش!

دکتر علی صدیقی
پژوهشکده رویان



دوستی و همکاری طولانی مدت، سبب ایجاد خاطرات فراوانی می‌شود که انتخاب یک خاطره در میان هزاران خاطره کار را سخت و دشوار می‌کند. آغاز دوستی و همکاری من با مرحوم دکتر کاظمی به سالهای ۶۳-۶۴ در جلسات جهادهای دانشگاهی تهران، مسافرتها و احیاناً جبهه بر می‌گردد.

در سال ۱۹۵۷ تشكیل وزارت بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی ایران این همکاری و دوستی عميق بیشتری پیدا کرد و اینجانب به اتفاق مرحوم دکتر کاظمی و تنی چند از دوستان دیگر در شورای جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران فعالیت می‌کردیم. ایده تشکیل یک مرکز جهت درمان ناباروری به همان سال‌ها بر می‌گردد و اگرچه افراد زیادی در این راه رحمت کشیده اند ولی قطعاً اگر فعالیت‌های مرحوم دکتر کاظمی نبود این مرکز شکل نمی‌گرفت و یا سرنوشتی جز این داشت.

خاطره‌ای که می‌خواهم نقل کنم مربوط به بهمن‌ماه سال ۱۹۶۹ است. زمستان آن سال موسسه رویان به صورت غیر رسمی فعالیت خودش را آغاز کرده بود. در یکی از روزهای بهمن‌ماه که قرار بود با حضور دکتر الحسنی اولین پانکچر(عمل تخمک گیری) در موسسه رویان انجام شود به خاطر برف زیادی که در منطقه زعفرانیه باریده بود، ماشین‌های حمل گازوئیل نمی‌توانستند تا ساختمان موسسه رویان بیایند و به خاطر نبودن گازوئیل برای موتورخانه، ساختمان سرد شده بود.

شب قبل از عمل، دکتر کاظمی که رییس موسسه رویان بود همراه با همکارانش از تقریباً یک کیلومتری موسسه (جایی که ماشین‌های حمل گازوئیل توقف کرده بودند) گازوئیل‌ها را با پیت‌های ۲۰ لیتری حمل می‌کردند و به مخزن گازوئیل موسسه می‌رسانند تا ساختمان برای فردا گرم و مهیا باشد و این کار تا نزدیک صبح طول کشید.

دیگر اینکه مرحوم دکتر کاظمی با ادبیات فارسی آشنایی داشت و آثار مختلف ادبی را می‌خواند و همین اواخر کتاب تذکرہ‌الاویا و مربیان نامه و کلیله و دمنه را مجدد خوانده بود و گاه داستانهایش را برای ما نقل می‌کرد و علی رغم درگیری‌های ایشان با ذهن نکته سنج و خلاقی که داشتند از نام این موسسه نیز غفلت نکردند. نام رویان را ایشان نه فی‌البداهه بلکه با صرف وقت و مذاقه در فرهنگ لغات و مطالعه برای موسسه انتخاب کردند.

غرض اینکه موسسه رویان در ابعاد گوناگون مدیون و مرهون مرحوم دکتر کاظمی است حتی در نامش!

نامه‌ای به دوست



دکتر حمید گورابی
پژوهشکده روبان

سعید، تو در سختی زیستی، در حالیکه استعداد و استحقاق آنرا داشتی که زندگی راحتی را برای خود و خانواده ات فراهم سازی. تو هیچ گاه از روایطی که داشتی به نفع خود سودی نبردی؛ همه آنچه که داشتی در سبد خدمت به اهداف والای سازمان به کار بستی، حتی جانت را. کیست که موردی را ذکر کند که تو قدمی به نفع خود برداشتی باشی، تو حتی دعاهاایت در شباهای قدر را به پیشبرد کارهای جهاد و پژوهشکده منحصر می کردی. سعید، شاید تو بدین خاطر به خانواده ات مدیون باشی، ولیکن آنان می دانند که تمام مردان بزرگ عالم چنین بوده اند و انشالله خیر و برکتی که تواز خود بر جای گذاشته ای همچون آبی زلال و جاری همیشه آنان را سیراب خواهد کرد.

سعید، من و همه دوستانت می دانیم که در نهاد تو کمک به همکاران و وزیرستانت بنیادین شده بود. تو در نهان، همواره در فکر رفاه و آسایش کارکنان تحت مسؤولیت خود بودی و چه مظلومانه آنچه را که در توان و قوانین سازمان نبود، خود به گردن می گرفتی و تیرهای بلا رابه جان می خردی و بدین لحظه بی مهری هایی در حق تو روا داشتند.

سعید عزیز، تو آنچه را که بعنوان چهره ماندگار دریافت کرده بودی به هیات علمی پژوهشکده بخشیدی در حالیکه آنان تو را به عنوان فردی که با مدیریت درخشنان خود چنین سازمان پر افتخاری را هدایت کرده بود، انتخاب کرده بودند. آن روز هم به تو نوشتم این عمل نمایان گر عزمت در ادامه مسیر پر افتخار گذشته و در شان شخصی همچون خودت بود.

ای وای بر ما که تمام نصیبت از چهره ماندگار شدن، کوتاهی عمرت بود. سعید، تو دوست داشتی شاعری را برای روبان برگزینی که نمادی از هدف سازمانی آن باشد. تو نمی خواستی اگر از خدمتکاران روبان سوال شود که چه می کنند، بگویند نظافت. تو می خواستی همه هدف و قله را بشناسند و در فتح آن تلاش کنند.

سعید، تو چه مهربان بودی با دوستانت. برای دوستی های حفظ شده از ایام گذشته، نماز شکر بجای می آوردی و ما رانیز توصیه به آن می کردی. تو دوست داشتی در جوی صمیمی و شاد کار کنی و به همکارانت رویه ببخشی. آخرین بار در پس انتقاد بجایت از من، مرابه گوشه ای بردی تا به نحوی شادی را به من باز گردانی. از هنگامی که رفتی لبخندهایمان خشک شده، کما اینکه اشکهایمان نیز.

سعید عزیز، هنوز آوای دوست داشتنی قرآن را از دهانت که فرو بسته شده، می شنوم. علاقه تو به قرآن و بیان مفاهیم آن چه وجود و سوروری درما ایجاد می کرد. تو با اخلاصی که

بگذار تا بگوییم چون ابر در بهاران

باور نداشتم که تا این اندازه به او علاقمند هستم. داغ فراقش بر قلبم سنجینی می کند و سردی خاک نیز این داغ را تسلا نمی دهد. کاش بود و با او سخن می گفتم. رسم روزگار چنین است، بیست سال در کنارت بود و تو قدرش را نمی دانستی، و اکنون که او را از دست داده ای در جستجویش هستی.

رابطه ما(من و او) شاید به لحاظی جدی بود، جدی ولیکن صمیمی. هرگز نتوانستم او را حسب رعایت ادب، سعید خطاب کنم و او نیز مرا حمید. حتی برای این کار ساده هم دیر شده است. اکنون لذت ابوالفضل عباس را هنگام شهادت در کم که سرانجام مولای خود را با لفظ برادر به بالین خود فراخواند. پس بگذارید امروز در این نوشتار او را سعید خطاب کنم، شاید مرهمی باشد بر حسرت گذشته ام.

سعید نمی دانم از روزهای اول آشنایی بگوییم یا از روزهای آخر. من و تو یکدیگر را در بحث و جدل های کاری شناختیم. تو می گفتی که این بحثها و جدلها بود که کارهای را به سرانجام می رساند و آنها را پخته تر و مفیدتر می کرد. از آن همه ساعت سخت، شیرینی نتیجه را بیداد داشتی و نه آنچه تو گفته بودی و یا من. در تمام آن روزهای بحث و جدل، سختترین قسمتهای کار را خود به عهده می گرفتی. نگاهت به افق بود و تمام توانست مصروف برداشت سنگهای مسیر. سعید به یاد دارم به آنها که سوسوه جدائی از جهاد را در گوش تو زمزمه می کردند، همواره نه می گفتی. آنان تو را به سازمانهای بزرگتر با بودجه و درآمد کلان دعوت می کردند، ولی تو هنر را در این می دانستی که در سازمانی کوچک و با بودجه ای ناچیز، کاری بزرگ را به سرانجام برسانی و چقدر زیبا اینکار را انجام می دادی و همه آنها به این همه عشق و خلوص حسرت می خورندند.

سعید، بیاد داری که تو را به حفظ احتیاط و پرهیز از کارهای هیجانی که بودجه و امکانات آن در دقیقه آخر به همت خودت فراهم می گردید، فرا می خواندم، اما تو دوست بردار نبوی. تو تمام این هیجانات را که سرانجام قلب نازنینت را متوقف کرد به جان می خردی و ما را نیز به دنبال خود می کشیدی. سعید تو از آن همه سعی و تلاش هیچ گونه نفع مادی نداشتی، پس به راستی برای چه چنین می کردی؟ این را هرگز از تو نپرسیدم، چرا که خوب می دانستم که حواب تو چیست.

داشتی در همه کارها به قرآن تفائل می‌زدی و ما را با آن به جلو می‌بردی.
اکنون بدون تو چه کنیم. اکنون چند هفته است که رفته‌ای. دوستانت هر روز در فراقت از
روز گذشته اندوهگین تر می‌شوندو تو نیستی که آنها را تسلی دهی. هنوز باور ندارم که ما را
ترک کرده‌ای. آن پنج شبی که پیکرت را تشیع می‌کردند، فریاد کشیدم که این تنها روزی
است که به کار حاضر نشده؛ فرباد زدم که برخیز، ولیکن چون ندای حق را لبیک گفته بودی
پاسخ مازمینیان را ندادی.

خوشابه حالت که با کوله باری از خیر و ثواب رفتی. در آخر اینکه، سعید، تو رویاننده امید
بودی. امید به باروری، امید به خودباوری، امید به آینده. تو رویشی بودی مبارک در ورای
خزان ناتوانی‌ها. تو بهار را با خود آوردی و نخواسته‌ای با رفتن آن را با خود ببری. اگرچه
عمرت همچون گل کوتاه بود ولیکن ثمره اش چون درختی تناور است که ریشه در زمین و
سر در آسمان دارد و همه خلائق از آن بهره می‌گیرند. ای کاش ما بتوانیم پاسدارانی واقعی
برای آن باشیم. انشالله

دoust تو حمید



دکتر مجتبی رضازاده
پژوهشکده رویان

سخن گفتن درباره انسان‌های چند بعدی آن هم از نسل شهیدان امری است مشکل. به هر حال بحسب علاقه و افر به برادرم دکتر سعید کاظمی آشیانی لازم دیدم چند کلامی را به تحریر درآورم. امید است اگر کلام بی راه است روح لطیفیش بر من بینخاید.

زمان آشنایی من با سعید آن هم بصورت جدی باز می‌گردد به سال‌های ۶۳-۶۴ سال‌های غربت و دور از وطن. زمانی که نامه‌های امیدوار کننده او از اوضاع داخلی و وضعیت جنگ تها اخباری بود که می‌توانستیم به آن اعتماد کنیم. تا آنکه در سال ۶۷ لحن نوشتار او تغییر کرد. در نوشته‌ها دیگر سخن از جنگ نبود، سخن از سازندگی و خودباوری بود. سخن از حرکت بود و سخن از تولد رویان بود.

پیگیری و ترغیب برادر سعید در نامه‌های متعدد به قدری بود که من و برادرم دکتر احمد حسینی تصمیم گرفتیم گرایش خود را از آناتومی محض به جنین‌شناسی بالینی تغییر داده و هم پیمان سعید شویم. در بازگشت و شروع به کار در پژوهشکده نوبای رویان آن چیزی که به ما امید می‌داد و سختی راه و زخم زبان دیگران را شیرین می‌ساخت کلام سعید بود و کلامی که فعل ساختن، خواستن و توانستن را در وجود ما عینیت بخشد.

پس از مدت کوتاهی و با اعطای بورس ادامه تحصیل آن هم در خارج از کشور، سعید مصمم به ادامه تحصیل شد اما از آنجایی که همواره نگران اوضاع رویان نوبای بود ترجیح داد که در داخل کشور و در دانشگاه تربیت مدرس رشته علوم تشرییح ادامه تحصیل داده و همزمان حرکت رو به جلو رویان را مدیریت کند. ذهن کنجدکار او در علوم زیستی به خصوص جنین‌شناسی باعث شد خیلی زود خلاه موجود بین پایه علمی خود و علوم تشرییح را بیوشناند و با درجه عالی به درجه علوم تشرییح با گرایش جنین‌شناسی نایاب آید. حضور مرتب و پیگیر او در سرکلاس‌های درس، با آن که استادی بود در لباس دانشجو، برای من و تمامی اساتید وقت شیرین و مثال زدنی بود او پس از اخذ درجه دکتری در سال ۷۶ و مطالعات خودجوش در زمینه مدیریت آکادمیک، روحی تازه در کالبد رویان دمید و سیر رو به جلو رویان را شتاب بیشتری داد که حاصل آن افزایش نتایج مثبت در بیماران نابارور در حد استانداردهای جهانی، رویش سلول‌های سینیادی، شروع تحقیقات و درمان سلولی بیمارهای صعب العلاج، تحقیقات گسترده در علوم زیستی و درنهایت شیبه سازی حیوانات اهلی بود.

سعید نه تنها یک مدیر آکادمیک و بسی نظری در زمینه علوم زیستی و تولید مثل بود، بلکه انسانی بود عارف و دلسوزخانه که غم پنهان او را کمتر کسی خبر داشت. شناخت او از متون

اسلامی مثال زدنی بود به طوری که آیات را به چند روایت قرائت و احادیث را با ذکر مأخذ دقیق نقل می‌کرد. روحیه طنز او بی‌آنکه کسی را بیازارد ساعتها خنده برلبان پیر و جوان می‌نشاند و روحیه بخش مادر حین کار و تحقیقات روزانه بود.

هیچ چیز به اندازه انتشار یک مقاله علمی آن هم با نام جمهوری اسلامی او را خوشحال نمی‌کرد. اگر مطلع می‌شد که مقاله در دست چاپ داریم پیگیر آن بود. در این مدت که نهال رویان درختی تنومند شد. هرگاه فکری داشتیم که در ظهور آن عاجز بودیم، سعید بود. هرگاه خسته و دلگیر از کار و برخورد دیگران می‌شدیم، سعید بود هرگاه دلتنگ یاران سفر کرده نمی‌کرد. هم‌زمان حرکت رو به جلو رویان را مدیریت کند. ذهن کنجدکار او در علوم زیستی به خصوص جنین‌شناسی باعث شد خیلی زود خلاه موجود بین پایه علمی خود و علوم تشرییح را بیوشناند و با درجه عالی به درجه علوم تشرییح با گرایش جنین‌شناسی نایاب آید. حضور مرتب و پیگیر او در سرکلاس‌های درس، با آن که استادی بود در لباس دانشجو، برای من و تمامی اساتید وقت شیرین و مثال زدنی بود او پس از اخذ درجه دکتری در سال ۷۶ و مطالعات خودجوش در زمینه مدیریت آکادمیک، روحی تازه در کالبد رویان دمید و سیر رو به جلو رویان را شتاب بیشتری داد که حاصل آن افزایش نتایج مثبت در بیماران نابارور در حد استانداردهای جهانی، رویش سلول‌های سینیادی، شروع تحقیقات و درمان سلولی بیمارهای صعب العلاج، تحقیقات گسترده در علوم زیستی و درنهایت شیبه سازی حیوانات اهلی بود.

سعید نه تنها یک مدیر آکادمیک و بسی نظری در زمینه علوم زیستی و تولید مثل بود، بلکه انسانی بود عارف و دلسوزخانه که غم پنهان او را کمتر کسی خبر داشت. شناخت او از متون

ویژگی‌های شاخص دکتر کاظمی

دکتر رضا سامانی

مدیر روابط عمومی و بین‌الملل پژوهشکده رویان



❖ فعالیت: ایشان از ۷ صبح تا ۷ شب در پژوهشکده رویان و جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران کار می‌کردند و از ۷ شب تا ۷ صبح به این فکر می‌کردند که فردا چه کار می‌شود انجام داد.

❖ محبت: موفقیت ایشان را تنها کارانه تضمین نمی‌کرد بلکه توانایی ایجاد محبت بین همکاران و هیئت علمی نیز مؤثر بود. کارمندان و مدیران ایشان مریدان ایشان بودند و این محبت متنضم فعالیت زیاد اعضاء حتی با وجود شرایط سخت و دشوار بود.

❖ دانش: ایشان از نادر مدیرانی بودند که حتی به ریزترین مراحل کارهای تحقیقاتی تحت نظر خود مسلط بودند. هیچگاه نمی‌توانستیم علت تأخیر خود را برای ایشان توجیه کنیم و برای آن توجیه علمی بیاوریم. جالب‌تر آن که با وجود تسلط بسیار هیچ‌گاه به طور مستقیم در طرح‌ها دخالت نمی‌کردند و معتقد به سیستم و کار سازمانی بودند.

❖ مدیریت: اعتقاد عجیب ایشان به سازمان و مدیریت و نیز توانایی بالای ایشان باعث شده بود الگوی یک مدیر موفق باشد. در بسیاری از مواقع کاری را که خود با تسلط بیشتری انجام می‌داد به هیچ وجه نمی‌پذیرفت و ارجاع به مدیران خود می‌داد و حتی در مباحث مربوط به مدیران و معاونیشان اظهار نظر نیز نمی‌کرد. او همواره معتقد بود که تمامی کارمندان در تمامی سطوح باید در کارهای پژوهشکده شرکت داده شوند و احساس کنند که در موفقیت‌های آن سهمیمانند.

❖ فروتنی: یکی از شاخصه‌های ایشان فروتنی بود. اگر کسی ایشان را نمی‌شناخت، نمی‌توانست بفهمد که او رئیس پژوهشکده رویان و بنیانگذار این همه پژوهش‌های رده اول ایران است. در عین حال که بزرگی در درون ذات وی بود، هیچ‌گاه مقام وی باعث جدائی از کارمندانش نگردید. او کمتر پشت میزش می‌نشست و در اطاق وی همیشه باز بود.

❖ حسن خلق: او بشاش ترین انسانی بود که می‌شناختم. هیچ جلسه‌ای نبود که با حضور ایشان جوی شاد و صمیمی پیدا نکند و نشده بود که او را بینیم و لبخند نزنیم.

❖ عشق به کار: گرچه مدیر خوبی بود اما هیچ مدیری خود را فدای کار نمی‌کند، او عاشق بود. برای او رویان و جهاد یک شغل نبود یک عشق بود. قلب او برای رویان می‌تپید و از هر خبر یا موقعيتی برای ارتقاء آنها استفاده می‌کرد. خواب رویان و جهاد را می‌دید. اگر از پرسش در مورد طرح‌های رویان می‌پرسیدیم اطلاعات کامل داشت.

از وقتی موشهای تاریخخته و یا کلون حامله می‌شدند، هر روز به آنها سر می‌زد. وقتی

گوسفند‌های شبیه سازی شده را سونوگرافی می‌کردیم و او نبود، هر سه دقیقه یک بار تماس می‌گرفت و جزئیات را می‌پرسید. اینقدر خبرهای خوش علمی رویان خوشحالش می‌کرد که سر خبر رساندن به وی با هم دعوایمان می‌شد.

❖ عدم تمایل به مطرح شدن: هیچ وقت جلو دوربین تلویزیونی نمی‌رفت. با اصرار بسیار یک مصاحبه را قبول می‌کرد. آن‌هم وقتی احساس می‌کرد ممکن است حرف‌های نابجا برای مرکز خطر آفرین باشد.

❖ دید وسیع: دید ایشان همیشه وسیع بود و افق دوردست را نگاه می‌کرد. همیشه رویان را با بهترین و برترین مراکز تحقیقاتی جهان مقایسه می‌کرد. حتی می‌گفت دیگر نباید رویان نظریه‌ها را به آزمایش بگذارد، موقع آن است که رویان از خود نظریه بدهد. در رابطه با نازائی نیز می‌گفت رویان باید پرتوکل درمانی خود را بنام رویان داشته باشد و کلیه پژوهش‌کان ایرانی برای موفقیت بیشتر از آن تعییت کنند.

دکتر کاظمی، یاور بیماران بیبضاعت



مرتضی ضرابی
مدیر امور اداری پژوهشکده رویان

شاید ما زیاد شنیده باشیم که افرادی در جامعه خود را وقف خدمت به مردم می‌کنند. این موضوع در مورد دکتر کاظمی یک واقعیت عینی و برای ما کاملاً این موضوع ملموس بود. ایشان به معنای واقعی، تمام وقت خود را وقف تلاش برای خدمت به مردم از طریق ارائه خدمات ناباروری به بیماران و تلاش در جهت ترویج و گسترش تحقیقات علوم پا به که ره آورد آن انجام تحقیقات سلولهای بینایی و بانک خون بند ناف است؛ کرده بود. تلاش بی وقه ایشان در جهت به ثمر رسانیدن ایده های نو بر کسی پوشیده نیست. با تمام وجود نسبت به سرنوشت بیماران و نحوه ارائه خدمات به آن دغدغه داشتند و مکرر در جلسات تاکید می کردند که باید نیازهای بیماران به عنوان یک نعمت الهی به ما تلقی شود که اگر نسبت به این نعمت ناسپاسی و ناشکری کنیم بیم آن وجود دارد که خداوند این نعمت را از ما دریخ کند.

در یکی از سخنرانی ها می گفت: دوستان، فکر کنید هر کسی که اینجا می آید برادر، خواهر یا بستگان نزدیک من و شماست آیا این گونه با او رفتار می کنیم؟ نسبت به شرایط نامناسب مالی بیماران نگرانی داشتند. بارها بخشی از هزینه بیماران بی بضاعت را خود تقبل می کردند و برای رفع این مشکل نیز صندوق مددکاری بیماران نابارور را بینانگذاری کردند تا کمکی برای بیماران کم بضاعت باشد.

نکته قابل اهمیت این است که علی رغم اینکه زندگی خود را وقف خدمت و تلاش علمی کرده بودند اما این مسئله به هیچ وجه از مسئولیت سنگین سرپرستی و نقش پدری ایشان کم نکرده بود و بارها می گفت: فکر نکنید که اگر کسی در خانواده خود مدیر خوبی در اداره خانه نباشد می تواند مدیر خوبی در محل کار خود باشد. اگر شما از عهده تربیت و مسئولیت زن و فرزند بر نیاید مطمئناً مدیر موفقی هم در کار خود نخواهید بود و او این کار را در عمل نشان داده بود.

انس با قرآن در او مثال زدنی بود و در ک معنا و مفهوم خوبی از قرآن داشت. همیشه با رادیو قرآن مأنس بود برای همه شنیدن برنامه های رادیو قرآن و معارف را توصیه می کرد و برای من صحبت با دکتر کاظمی در مورد قرآن از بهترین خاطرات دوستی با او است. گفتنی ها فراوان است و وقت اندک.

روحش شاد و راهش پر رهو باد.

دکتر مهناز اشرفی
پژوهشکده رویان

آقای دکتر کاظمی از همان ابتدای همکاری در موسسه رویان (سال‌های ۶۸-۶۷) علی‌رغم سن کم، افکار و ایده‌های بسیار بزرگ و گاه دست نیافتنی داشت که همواره با امکانات بسیار کم آن را شروع و تقریباً در همه موارد با موفقیت به پایان می‌رساند. من فکر می‌کنم بهترین عامل در موفقیت ایشان توکلی عجیب بود که به خداوند متعال داشت و کارهایی که در این دنیا انجام می‌داد را جدا از سیر به سوی خدا نمی‌دانست و همیشه دست یاری خدارا در طی کار با استخاره‌هایی که انجام می‌داد و او را مصمم‌تر می‌کرد در کار خود می‌دید.

وقتی کاری را شروع می‌کرد تمام هم و غم خود را در جهت اعتلا و به پایان رساندن آن به کار می‌برد. اگرچه خود محور اکثر کارهای تحقیقاتی و پژوهش‌های جدید بود سعی می‌کرد دیگران بیشتر در معرفی و گزارش پیشرفت آن مطرح شوند. انشاء الله تمام کارهای نیک ایشان در این دنیا مؤید او در حضوری سربلند در پیشگاه ایزد منان باشد.

دکتر طاهره معدنی
پژوهشکده رویان

دکتر سعید کاظمی، جهاد و تلاش خود را در خاطره من از سال ۶۴ با راه اندازی درمانگاه شهید رعیت آغاز کرد. در آن سال ظاهر درمانگاه از نامیدی سخن می‌گفت ولی باطن آن با روح بلند و همت نظر او نوید آینده‌ای پر فروغ می‌داد. اعتقاد راسخ جمع شدن عاشقان بی دل بود. او اعتقاد داشت که تجمع انوار، سوزان است و موجب رشد و سربلندی می‌شود. دیری نگذشت که پندارهای او با تأسیس موسسه رویان در زعفرانیه جلوه‌گر شد.

در آنجا بلندنظری، صداقت، تلاش و ایمان او در کنار جمع باران دلسوزته تحولی ایجاد کرد که دوست و دشمن در آن حیران مانند. اما مگر نه اینکه قرآن، تاریخ و سنت به ما آموزش می‌دهد که هرگاه با عشق و ایمان هدفی دنبال شود قطعاً با یاری خداوند رشد و تحولی عمیق ایجاد می‌گردد.

گذشت، دلسوزی، مردم دوستی، ایمان به خدا، ایمان به انقلاب، ایمان به رهبری در کنار تلاش، از موسسه رویان پژوهشکده ای ساخت که آوازه آن در اقصی نقاط دنیا شنیده شد. جلوه آن رشد و تعالی در ضمیر روح و روان ما رسول خدا را به خواب آورد که افراد پژوهشکده را مورد تقدیر و مهربانی قرار می‌داد و این زبانزد خاص و عام بود.

باید به او بگوییم که خدا عاشق تو بود و خوبی‌های تو را پرداخت ولی ما چه کنیم که شرمنده از گذشت و مهربانی تو ماتم زده، فقدان تو را نظاره می‌کنیم. او بارها گفته بود رویان نظر کرده خداست. راست می‌گفت. مگر نه اینکه گفته‌اند، یاری دهنده مظلومان زمانی رخ آشکار می‌کند که جمع عاشقان در یک جا گرد هم آیند.

جای او در جلسات خالی است. می‌دانی چرا؟ چون هر زمان وارد جلسه می‌شد با آیه یا حدیثی عشق، نور و امید را در دلها زنده می‌کرد و ایمان را در جمع شعله‌ور می‌ساخت. خداوند ما را نیز چون او در دنیا و آخرت سعادتمند نماید.

به یاد روزهای انقلاب

سید کمال علیزاده
پژوهشکده رویان



سابقه آشنایی بنده با دکتر کاظمی به اوایل سال ۵۷ بر می‌گردد. در آن زمان در مسجد امام حسن مجتبی (ع) برادر بزرگتر ایشان مسئول کتابخانه بودند، و ایشان با برنامه‌های مناسی برای استفاده جوانان محل طراحی و اجرا می‌کردند. کلاس‌های قرآن، تشکیل گروه سرود و همچنین فعالیت‌های فوق برنامه‌ای مانند پخش فیلم و کلاس‌های تقویتی درسی. همان زمان، تاتری به کارگردانی دکتر کاظمی به نام ابوذر تمرين شد که بنده نیز جزو بازیگران بودم و در مسجد با دکور و گریم کامل، چند شب به اجرا در آمد و مورد توجه حاضرین قرار گرفت. پشتکار ایشان در خصوص داشتن تمامی امکانات مانند دکور، لباس و گریم و تمرینات مداوم باعث اجرای موفق آن شد.

قبل از شروع جنگ تحمیلی به همراه ایشان و چند نفر دیگر در هنرستانی که تازه تأسیس بود فعالیت می‌کردیم و مدت دو سال، تمام توان خود را در این محل به کار بستیم. صبح شنبه وارد و پنجشنبه عصر به منزل بر می‌گشتم. هنرستان خانه ما بود. در این مدت با داشتن برنامه‌های تفریحی و درسی سعی در برقراری ارتباط با دانش آموزان داشتیم. سالها بعد ثمره تلاش شبانه‌روزیمان را دیدم. دکتر در هنرستان ادبیات فارسی تدریس می‌کرد ولی به علت تسلط ایشان در معارف اسلامی، تدریس بینش اسلامی نیز به ایشان محول شد. همان طور که حدود بیست سال بعد در آموزش دانشجویان پژوهشکی وقتی دروس جنین شناسی را با معارف اسلامی تلفیق می‌کرد دانشجویان مشتاق بودند دروس معارف را با ایشان داشته باشند.

اسفند سال ۶۸ و درست قبل از تعطیلات عید نوروز در یک مسابقه فوتبال که به اتفاق دکتر کاظمی در تیم جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران شرکت کرده بودیم، پای من دچار شکستگی شد و تا بالای زانو پایم در گج بود.

بعد از بیان تعطیلات که با آن وضع نمی‌توانستم به محل کار بروم به مدت دو ماه دکتر کاظمی هر روز مرا با ماشین خودش به محل کار می‌آورد و بر می‌گرداند. خاطره دیگر اینکه دکتر کاظمی هر سال حداقل دو بار برای سرزدن به پدر شهید رعیت به «بیزدل» کاشان می‌رفت. در این سال‌های اخیر من هم به اتفاق ایشان به کاشان می‌رفتم. وقتی وارد «بیزدل» می‌شد، اول به سر مزار شهداء می‌رفت و سپس به دیدار خانواده شهید رعیت.

دکتر محمد حسین نصر اصفهانی
پژوهشکده رویان

اگر چه بیش از یک ربع قرن نیست که از تولد اولین نوزاد IMF می‌گذرد اما تنوع زیادی در درمانهای ناباروری ایجاد شده که منجر به تولد هزاران نوزاد در سال می‌شود. و اگر چه بیش از یک ربع قرن از تأسیس انقلاب اسلامی نمی‌گذرد و ما محققین، متخصصین و زوجهای نابارور شاهدان هستیم که پیشرفت‌ترین روشهای نازایی در کشورها به صورت عادی ارائه می‌شود و باعث خوشحالی و مسرت بسیاری از زوجهای نابارور می‌گردد و این پیشرفت‌ها مدیون زحمات، تلاش‌ها و جهادگری همچون مرحوم دکتر سعید کاظمی آشتیانی است که با تفکر، درایت و پشتکاری که داشت باعث پیشرفت‌های علم نوین نازایی در ایران گردید. او مردی است که افق دید او منجر به آن شد که ما از محدود کشورهایی باشیم که دارای فناوری سلولهای بنیادی هستیم و احداث بانک خون بند ناف برای اولین بار در خاورمیانه نیز از دستاوردهای آن مرحوم است. من به عنوان یک عضو کوچک متخصصین نازایی و پژوهشکده رویان، امیدوارم که با تلاش‌هایی که در این عرصه می‌شود، شاهد هزاران نوآوری دیگر باشیم که نهال هریک را او کاشته است.

دکتر سید مهدی احمدی

مدیرعامل مرکز باروری و ناباروری اصفهان

مرحوم دکتر سعید کاظمی آشتیانی، مردی شکست ناپذیر بود که خود را وقف علم و تحقیق کرد. معضل نازایی از بیماریهایی همچون سرطان نیز به مراتب بدتر است چرا که منجر به جدایی زوجهایی می‌شود که با این مشکل رو برو هستند طب نوین نازایی که علاوه بر درمان، از جدایی هزاران زوج نیز جلوگیری کرده است، مدیون زحمات مرحوم دکتر سعید کاظمی آشتیانی است که یکی از بنیانگذاران طب نازایی در کشور بود.

من، به عنوان یکی از متخصصان زنان، به کشورمان که در دامن خود چنین جهادگری را پرورش داد افتخار می‌کنم. همچنین دستاوردهای سلولهای بنیادی که از افتخارات این کشور است را مدیون او می‌دانم.

او را نه تنها در عرصه تحقیق، بلکه در عرصه آموزش و اخلاق نیز بسیار استوار دیدم و فقط می‌توانم بگوییم که آن مرحوم، شخصیتی بود که تاریخ باید درباره او قضاؤت کند و نمی‌توان با نوشتن چند خط او را به تصویر کشید.

دانشگاه رسانی

دستی



- دکتر سید حسن شهرستانی
- دکتر سید عبدالله موسوی
- مهندس محمد رحمتی
- مهندس محمدصادق عزیزی
- دکتر محمد کمالی
- دکتر محمدتقی جفتایی
- محمد شیراوند
- دکتر ابوالفضل فقیهی
- دکتر ابوالفضل فاتح
- محمدعلی جوانشیر
- مهندس علی تهرانی معتمد
- مهدی اکبری
- دکتر سید نورالدین نعمتاللهی
- دکتر عباس افلاطونیان
- مهندس محمد حسین تفرشی
- سید مهدی صادقی
- دکتر امیر اسماعیل نژاد مقدم

گلِ باغبان پرور!



دکتر سید حسن شهرستانی

تربیت دانشجویان توسط استادان فرهیخته امری طبیعی و همچون پرورش گل به دست باغبان است اما پرورش استادان و دانشمندانی توانا به همت داشت پژوهی جوان به همان اندازه شگفت آور است که پرورش باغبان به دست گل‌ها!

دکتر سعید کاظمی آشتیانی گلی بود باغبان پرور!

کمتر مؤسسه پژوهشی پیش‌رفته ای را می‌توان یافت که با مدیریت متخصصی جوان و ظاهرآ کم تجربه بتواند گنجینه ای از دانشمندان با انگیزه و خستگی نایذر را آن هم در دانشی کاملاً نو و بی سابقه فراهم آورد و هر روز بر بالندگی آن مؤسسه و نشاط پژوهشگران بیفزاید.

سعید کاظمی در دوران تحصیل، از زمان دانشجوئی اش که او را شناختم، همواره از سن طبیعی اش بزرگتر و پخته تر می‌نمود. دانشجوئی که از حدود بیست سالگی به خوبی از عهده مدیریت مسئولیت‌های گوناگون فرهنگی، دانشجویی و جهادی دانشگاه بر می‌آمد و همواره هوشمندی، صمیمیت، تواضع و چهره گشاده اش به استاد و دانشجو روحیه می‌داد. به ویژه در دوران پرالتهاب جنگ تحمیلی که هر روز خبر شهادت عزیزی شنیده‌می‌شد. او به عنوان نماد یک جوان دین باور و بی ریا مصدق کاملی از تعبیر هم دوره اش شهید غلامی بود که می‌گفت:

ما هر گز اظهار خستگی نمی‌کنیم.

هرچه مؤسسه رویان فعال تر می‌شد، تلاش و نشاط و شکفتگی اش فزونی می‌گرفت و به تصدیق همکاران هم‌دلش، سر از پا نمی‌شناخت.

چرا چنین نباشد؟

عاشقی که لبخند رضایت یک ملت را در چهره و کلام محبوب و رهبر فرزانه اش می‌بیند و می‌شنود، چگونه می‌تواند در اندیشه جان و تن خویش باشد؟ عاش سعیداً و مات سعیداً

ای خوش دولت آن مست که در پای حریف
سر و دستار ندادند که کدام اندزاد

از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل

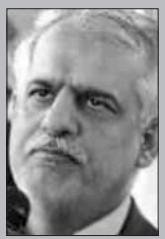
دکتر سید عبدالله موسوی

نخستین آشنایی با زنده یاد دکتر سعید کاظمی در اواخر سال ۱۳۶۵ در جلسه‌ای دوستانه دست داد و رفتار سرشار از نشاط و هیجان مثبت ایشان در آن دیدار اثری عمیق در ذهن من بهجای گذاشت که همچنان باقی است.
نام ایشان در خاطر من یادآور برقراری ارتباط صمیمانه، قضاوت صریح توأم با احترام، هیجان مثبت و رعایت شیوه‌نات هر فرد است.
مرحوم سعید کاظمی ضمن برخوردار بودن از ذهنی خلاق و جستجوگر، بیش از آنکه دچار شک منفی باشد متوجه حل منطقی قضایا بود.
در آخرین دیداری که حدود ۱/۵ سال قبل داشتم با نهایت امید از توفيق فعالیت‌های موسسه رویان و اعتبار بین‌المللی آن گفتگو کرد.
از ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان قرائت قرآن کریم با صوتی خوش و دلنشیں بود که فقدان آن جبران پذیر نخواهد بود.

رفتی و رفتن تو آتش نهاد بر دل
از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل

رحمه الله عليه رحمةً واسعةً

رویان، باقیات الصالحات کاظمی



مهندس محمد رحمتی

مرحوم دکتر سعید کاظمی آشتینی را ز حدود بیست سال پیش می‌شناختم و بهدلیل همکاری در جهاد دانشگاهی از تزدیک با ایشان آشنایی داشتم، ایشان فردی بسیار فعال و با روحیه و پرکار و متعهد بودند، خدایش رحمت کند. خاطره‌ای دارم از شروع کار موسسه (پژوهشکده) رویان که همه زحمت راهاندازی و رشد و بالندگی آن را ایشان کشید. روزی برای اخذ کمک پیش من آمد روزهای اولیه شروع کار بود. گفتم این اهدافی که می‌گوئید شدنی نیست. یعنی شماها نمی‌توانید انجام دهید. ایشان با جرأت و خاطر جمعی گفتند که بدون کمک جهاد نیز می‌توانیم انجام دهیم. بهر حال دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی هم کمک کرد ولی حقاً رحمت را ایشان کشید و به نظرم باقیات الصالحات برای خود به جای گذارد که همیشه دعای خیر استفاده کنندگان برای ایشان خواهد ماند.

از نوجوانی تا «مردانه»‌گی

مهندس محمدصادق عزیزی



دهه ۵۰ بود با همه فشارها و مشکلات، با سعید کاظمی در اواسط همان دهه به واسطه برادرش و برادرم عباس آشنا شدم. نوجوانی با حدود ۱۴ سال سن. جمع محدودی بودیم که کار اجتماعی را با غربت در یکی از مدارس ادامه می‌دادیم. اوقات فراغت را با مطالعه و تفسیر قرآن در منزل ایشان سپری می‌کردیم. سعید با کنجکاوی سرک می‌کشید و به دنبال دست یافتن به منابع ما. که بزرگتر از سن شناسنامه ایش بود. کنجکاوی دوست داشتیش با شیوه‌های مثال زدنی دوره کودکی، در هم آمیخته بود. سالهای آغازین دهه ۶۰، از شیوه‌های آن دوره خبری نبود. سعید را که جوانی رشید با منشی بزرگ می‌نمود، در درمانگاهی به نام فاطمه زهراء(س) دیدم. با جنب و جوش فراوان، جمعی را گردهم آورد برای خدمت به مردم. بدون نام و نشانی از خود، عاشقانه کار می‌کرد. بدون چشم داشت.

برای داوری جشنواره خوارزمی به دانشگاه شهید رجائی آمده بود. از فعالیتها و خدمات مؤسسه رویان به تفصیل گفت. بدون ذکر نام از خود. برای دیدار از مؤسسه دعوتمن کرد. ناهار میهمانش بودیم. در فضایی بسیار کوچک، کار بسیار بزرگی را سامان داد و این بار هم بدون ذکر نام و نشان! با شوخ طبعی های مثال زدنی اش، وداع گفتیم. اواسط دهه ۸۰ است. نام سعید برای وزارت بر سر زبانها بود. گفتم چه خبر. با دلتنگی گله کرد و بامرانه گی و بزرگی گفت نمی‌پذیرم. گفتم: چرا؟ گفت: چون با وزارت من امکان ادامه خدمت از دکتر ... که رئیس دانشگاه است، سلب می‌شود. و خدا حافظی کرد! پژوهشکده رویان، سلوهای بنیادی، شبیه سازی و ... تمام وجود او را در بر گرفته بود. از مشکلات می‌گفت ونمی هراسید. قرار شد با مشارکت امکانات بانکی کشور و رویان، بانک خوب بند ناف را برای همه کشور به طور عام راه اندازی کنند. و این آخرین ملاقات بود با سعید. در همان جلسه همه ما را به سالهای دهه ۵۰ برد. با ذکر جزئیات و خلوص و پاکی که وجود داشت. و خدا حافظی کردیم.

عصر روز چهارشنبه گفتند برای آتشیوگرافی رفته است. فکر کردم نباید مهم باشد که بود! ساعت از ۱۲ شب گذشته است در میان بهت و ناباوری و حسرت و حیرت فراوان خبر درگذشتن را شنیدم سعید اینجا هم بیشتر و بزرگتر از سنش بود. و وا اسف!

آن لاله رخ که باشد از داغ ما فراغش
از دیده رفت لیکن بر سینه، ماند داغش

سرروی به تازگی بود از باغ لطف رسته
زد سیل قهر موجی کند از حریم باغضش

خرم گلی به بستان بشکفت بعد عمری
نادیده سیر بلبل ، تاراج کرد زاغش

آن را که این شمامه دوران رباید از کف
مشکل که هیچ عطری مشکین کند دماغش

دیدار ماند به قیامت



دکتر محمد کمالی

راه‌اندازی مرکز مطالعات رشد و سلامت کودک از دیگر اقدامات مهم او است که نشان دهنده دید وسیع او در این حیطه است و هر چند در ابتدای این مرکز برای رسیدگی به وضعیت کودکان حاصل از روش‌های کمکی در موسسه رویان مدنظر بود اما به سرعت به مرکزی کشوری که به وضعیت کودکان کشور رسیدگی کند بدل شد. جشنواره و جایزه بین المللی رویان در حیطه ناباروری را باید در نوع خود در کشور بی نظیر بنامیم. امسال ششمین دوره آن برگزار شد که برای جامعه علمی کشور سربلندی و افتخار به همراه داشته است. جشنواره بهداشت خانواده هم از جمله کارهای مهم است که امسال دومین دوره آن برگزار شد و طراح اصلی آن را باز هم باید سعید بدانیم. کارهای سعید در این دوران کوتاه آنقدر زیاد است که با این وقت و محدودیت نوشتمن امکان ارائه همه آنها نیست.

سعید فردی متزوی و گوشه گیر بود. علاقه او به جمع دوستان شاید قابل وصف نباشد. از هر فرصتی برای گرد هم آمدن استفاده می کرد و معمولاً به محور همه بحثها تبدیل می شد. همه ما از این نشست ها خاطرات خوشی بپاد داریم. علاوه و عشق سعید به قرآن و افراد تمام نشدنی بود. همیشه در خودرو تعدادی نوار قرآن داشت و در برگزاری مسابقات قرآن دانشجویی آن چنان دقت و وسوسات داشت که در ایام نزدیک به برگزاری کمترین میزان استراحت را داشت. خاطرات سفرها و برنامه های مختلفی که با هم داشتیم هیچ گاه از ذهنم بیرون نمی رود.

اینک سعید در میان خانواده و دوستانش نیست و تنها کاری که به ذهنم رسید میتوانم انجام دهم این است که شممه ای از ویژگی های او را بنویسم، در مورد برادری که در اوج شکوفائی و آن زمان که می توانست بهره های بیشتری - به جامعه ای که حاضر به همه گونه فدایکاری برای آن بود برساند، از میان ما پر کشید. گویا وقایع آن زمان رخ می دهنده تو انتظار آن را نداری و این مسلمان رمزی دارد که جز خداوند کسی بر آن آگاهی ندارد و بدین گونه پرونده دنیاگی یکی دیگر از دوستان و به تعییری دیگر یکی از بچه های دانشکده تو اینچشمی بسته شد. رفیقی که همیشه سعی داشت تا دوست بماند و دوستی کند. از آخرین دیدارمان دو هفته می گذرد و امروز با چشمانی اشکبار وداعی کردیم که دیدار دیگر ماند به قیامت...

پنجشنبه ۱۵ / دی / ماه

هنوز داغ از دست دادن بکی از دوستان و یاران صمیمی، مرحوم دکتر عبدالرضا چلائی، برایمان تازه است که داغ بزرگتری جانمان را به آتش کشید. ناباورانه خبر عارضه قلبی و به دنبال آن درگذشت سعید، دوست و یار ۲۷ ساله خود را شنیدم. هنوز هم علی رغم آنکه به چشمان خود دیدم که او را در آرامگاه ابدیش گذاشتند، رفتنش را باور ندارم. پگونه آن همه جوشش و حرکت و آن روح پر تلاش می تواند ما را بگذارد و خود ببرود. نه، باور کردنی نیست ... با سعید از سال ۵۸ هنگامی که وارد دانشکده تو اینچشمی شد آشنا شدم و از آن زمان تا کنون دوستانی نزدیک بودیم که هر چند گاهی مسئولیت های اجرایی هر دو باعث می شد که با فاصله همیگر را بینیم اما به هر شکل دوستی مان از چنان قوتی برخوردار بود که همیشه دیگران از آن به نیکوئی یاد می کردند و یا بدان مثال می زندن.

سعی یک پارچه سور و تلاش بود و این را از همان روزهای ورود به دانشکده نشان داد. با روحیه قوی و اعتماد به نفس خوبی که داشت به سرعت در میان دانشجویان نمایان شد و عضو موثری برای نهادهای دانشجویی شد. بعد از جریانات انقلاب فرهنگی و شروع به کار مجدد دانشگاهها در کنار هم جهاد دانشگاهی گروه پژوهشکی را راه اندازی کردیم که بعد از تشکیل وزارت بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی ایران به جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران تغییر نام داد و سعید از سال ۱۳۷۱ عهده دار مسئولیت آن شد. سعید آن چنان پر شور بود که در دوران جنگ که عمدتاً همزمان با دوره دانشجویی او بود، گوش به زنگ فرآخوان نیروهای پژوهشکی بود و با کوچکترین اعلام به عنوان اولین نفر اعلام آمادگی نموده و دیگران را نیز رهیبی می کرد. در همان سال ها به راه اندازی کلینیک های متعدد برای ارائه خدمات درمانی و تو اینچشمی پرداخت. در سال هایی که بهداشت و درمان در جزیره کیش تنها به یک درمانگاه خلاصه میشد سعید و دوستان با قبول مسئولیت، راه اندازی بیمارستان را پذیرفتند و بهبود شاخص های بهداشتی در آن زمان را فراهم نمودند. پایه گذاری موسسه رویان و تبدیل آن به بزرگترین پژوهشکده علوم ناباروری در ایران از بزرگترین دستاوردهای زندگی کوتاه اوست و در همین پژوهشکده است که سلوهای بینایی برای اولین بار تولید می شوند و دستاوردهای مهم در حوزه علوم پزشکی کشور به انجام می رسد. من از نزدیک شاهد بودم که اگر حمایت و پیگیری او نبود این کار به سرانجام نمی رسید و هرچه در این زمینه در کشور ارعه شود به دنبال آن کار پایه ای است که در رویان انجام شد. در سال های اخیر طراحی و

در رثای انسان بودن و عاشق زیستن

دکتر محمدتقی جفتایی

سعید ما سوی بالا شد و بالاتر شد

دکتر سعید کاظمی آشتیانی، این فرهیخته ایران دوست و با فرهنگ اینک در میان ما نیست و سخن گفتن در این باب هم آسان نیست، آن هم به هنگامی که بیش از ۲۶ سال سعید آقا و خانواده‌ی بالیمانش را می‌شناسی و بر سلوک انسانی او نظاره‌گر بوده‌ای. چگونه باور می‌کنی که دیگر این همه شور و اشتیاق او را با همکاران و دوستان نمی‌بینی؟ چگونه باور می‌کنی که دیگر بر شجاعت و نوآوری علمی او چشم بریسته‌ای؟ او که بهترین و غنی‌ترین سالهای پرپارش را با ژرفانگری و آینده‌نگری و تعهدی مثال زدنی مصروف شادمان سازی خانواده‌هایی ساخت که در تپ فرزندآوری می‌گداختند. دعای خیر تمامی خانواده‌ها بدرقه‌ی راهش باد که به دیدار معبد شتافته.

به درد و صاف ترا حکم نیست، خوش درکش
که هرچه ساقی ما داد، عین الطافست

یادی از یک مرد



محمد شیراوند

پنجمینیه ها غروب، دلتنگی به سراغ آمد می‌آید. یاد غروب پنجمینیه دانشکده توابنجشی بخیر. مولا برویچه هارا به سفره کمیل می‌خواند. همه با سر می‌دویدند. نمی‌دانم چه رمزی بود. بچه ها جملگی با کمیل علی مانوس بودند. جوانهای معصوم و پاکی را به یاد می‌آورم که گونه هایشان نمناک از تصنیف عاشقانه دلدار می‌گردید. «کم من قبیح سترته» و سعید را می‌بینم که دل به «یا کریم و یارب» سپرده و با نمک سفره کمیل، روضه ابا عبدا... الحسین، چشمانتش غوغای شوری به پانسوده و دل و جانش می‌سوزد. نگاهش به دوردستها خیره مانده است.

بعد از دعا همه می‌خندند. انگار نه انگار تا لحظاتی پیش همه گریه می‌کردند. علی(ع) همه را آرام کرده. خنده را به جای گریه نشانده. سعید بیشتر از همه کس به عمرویت فکر می‌کند. پدر شهید رعیت را می‌گوییم. شهید بزرگواری که دانشکده و بچه ها به وجودش افتخار می‌کنند. سعید هر وقت دلتنگ می‌شد هوای کاشان می‌کرد. هوای روستایی که اینک شهید رعیت و دیگر دوستان شهیدش آنجا را نورباران نموده اند. انگاری دل سعید و عمرویت به هم پیوسته بود. یک دل بود، نه دو دل. همواره یکدیگر را می‌خواندند. شاید رعیت در قامت سعید جلوه گر بود که عمرو با دیدنش گل از گلش می‌شکفت. ولی چه بگوییم با رفتن سعید، رعیت دوباره شهید شد. وقتی سعید را به آرامش دلها و جانها می‌سپرندند و به مصدق «منها خلقناکم و فیها نعید کم» (طه - آیه ۵۵) سر بر خاک تسليم و رضا می‌نهاد، عمرو گفت من را پیش سعید ببرید، من با سعید حرف دارم. و به دوستی گفته بود اگر سعید نبود، من ده سال پیشتر از حالا مرده بودم. خدایا مرآ چه می‌شود؟ دیگر طاقتمن نمانده. من چه بنویسم از سعید؟ بزرگی که دوست داشت همه بزرگ باشند. ایران، بزرگ باشد.

آنگاه که بر دوش دوستانش در مراسم تشییع، رو به آسمان کرده و با فرشتگان خوش و بش می‌کرد، استاد ادبیات دانشکده مان را دیدم، صورتش خیس شده بود. در میان هق هق گریه اش می‌گفت: کاش من جای سعید مرده بودم.

آه سعید عزیزم! باورم نمی‌شود که نیستی. که رفته ای، همه جا محضر حضرت عشق است و تو دوست داشتی این مسابقه را که خلق عالم، همه، در آن حضور دارند زودتر از دوستانش به پایان ببری. تو پیوندت با خدا زیاد بود. تو تازه زنده شده ای. یادت هست وقتی جبهه ها دلتنگ برویچه های دانشکده می‌شد، لباس خاکی

قشنگترین لباس این عالم بود که بر اندامت می‌پوشاندی؟ تو در همه جا بودی. جهاد دانشگاهی، دانشگاه در جهاد. بچه های کوچکی را می‌بینم که به لطف خالق کریم تو و دوستانت در رویان موجب رویش آنها شدید و آنها را به پدران و مادران منتظرشان هدیه نمودید.

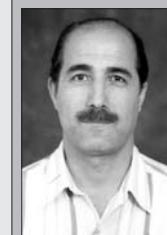
کوچه بن بست برای تو معنی نداشت. مرد جهاد اینگونه است. بنیان سلولهای وجودت جهادی بود و شاید همین بهانه ای بود تا سلولهای بنیادی، جهادگونه بروید. کاش فرصتی می‌شد تا دستانت را می‌پرسیدم، چه بسیار مادرانی که برای دستان بالفضل العباس نذر کردد و تو به مدد علمدار کربلا آنها را شادمان نمودی و واسطه فیض الهی شدی.

تو را می‌بینم که رویش جان بخش سرزمین من، ایران، بودی و هستی. رفقا هر روز کوچه های متنهی به رویان را با نگاه چندین بار طی می‌کنند تا صاحب آن روی گشاده و خنده های نمکین را دوباره تماشا کنند.

سعید، دلتنگ تو شده ایم، تو هم یاد ما باش، سلام ما را به شهید رعیت برسان.

دکتر کاظمی هنوز نشکفته بود

دکتر ابوالفضل فقیهی



او را ز سال ۱۳۶۳ می‌شناختم. سعید فردی متهمد، فعال، مبتکر، مدیر، خوش فکر، بزرگوار و نکته‌سنّج بود.

در هر جمعی تا سخن آغاز می‌کرد نبوغش معلوم می‌شد و در مجلس می‌درخشید. سعید در عین حال که افکار نو در جهت ارائه و هدایت مسائل تحقیقاتی، علمی و پژوهشی داشت از مسائل ریز هم غافل نبود و اظهارنظر می‌کرد و توجه او به مسائل، تحسین برانگیز بود. با پایه‌گذاری بخش تحقیقات پژوهشی در جهاد دانشگاهی و بخش خدماتی در زمینه درمان نازایی خدمات بزرگ و ارزنده‌ای را به ثمر رساند و باب تحقیقات سلوکی را در این زمینه گشود.

انتخاب نام «رویان» برای موسسه و کلمه «یاخته» برای مجله پژوهشی که هر دو از کلمات اصیل فارسی و گویای زمینه فعالیت است از پیشنهادات ارزنده او بود.

سعید در ابتدای راه بود و مایه امید و افتخار کشور بود. افسوس که نشکفته پژمرد. روحش قرین رحمت باد.

در رثای معمار بزرگ رویان



دکتر ابوالفضل فاتح

مدیرعامل سابق خبرکاری دانشجویان ایران

هجرت باور نکردنی برادر باصفا و صمیمی، دکتر کاظمی عزیز غم‌افزار از آن است که جز دریغ و افسوس جای تسلی یا سخن دیگری باقی بگذارد.

او مصدق بارز مهاجر الى الله و مجاهد فی سبیل الله بود که در طول عمر کوتاه اما پر شمر خود جلوه‌هایی کم‌نظیر از تعهد، اخلاص، شرف، مروت، جوانمردی و عزت نفس یک انسان وارسه و نمونه‌ای ارزشمند از مدیریت خلاق، نوگرای، بومی و بی‌ادعا را راهه داد.

او دانشمندی دل‌آگاه و شخصیتی توانمند بود که با معماری رویان و ساماندهی تحقیقات پیرامون سلول‌های بنیادی نقشی تاریخ‌ساز در تحولات علمی کشور ایقا و موجبات سربلندی بیشتر ایران را در مجامع بین‌المللی فراهم کرد.

هم او فرزند اسلام و ایران و پرورش یافته مکتب فکری جهاد دانشگاهی بود که تمام عمر گرانبار خود را مصروف خدمت صادقانه در این نهاد کرد و تا آخر به آن وفادار ماند.

اینک کاظمی بزرگ در جوار رحمت حق آرام یافته است و ما در حیرت و حسرت و مواجه با ثلمه جبران ناپذیر فقدان آن عزیز.

امیدوار به بازشناسی، قدرشناسی و ثبت خدمات آن شخصیت فرزانه به سهم خود در این غم جانکاه برای جهاد علوم پزشکی ایران که مدیون و مرهون آن بزرگوار است آزوی صبر و برای کاظمی عزیز علو درجات و هم‌جواری با شهیدان را از خداوند بزرگ مسألت می‌نمایم.

فرزند راستین انقلاب

محمدعلی جوانشیر

آشنایی من با مرحوم سعید کاظمی به دهه شصت برمی‌گردد که ایشان از برادران فعال جهاددانشگاهی بودند. رفته رفته بهدلیل خواص ممتاز روحی و عملی و صراحت و صداقت ایشان، روابط ما به صمیمیت برادرانه تبدیل شد.

مرحوم سعید بهنظر تمام افرادی که می‌شناسند، یک انسان خاصی بود و شاید بتوان به جرأت گفت که در تمام ابعاد ممتاز بود، از امتیازات ایشان آشنایی و اشراف به قرآن و احادیث و فلسفه و علوم تجربی بود در کل معلومات جامعی داشت.

از پادگارها و اثرات بسیار زیاد ایشان شاید بتوان اقدامات ارزشمند ایشان را در رشته‌های سلول‌شناسی، نبات‌وری و سلولهای بنیادی و صدها تحقیق دیگر را ذکر کرد.

نکته مهم دیگر ارائه توانایی ادای مطلب در محافل شرعی، برای اخذ مجوزهای قانونی بود که در حقیقت راهگشایی بسیار مهمی در رشد تحقیقات سلولی - مولکولی و سلول‌شناسی و نهایتاً سلولهای بنیادی در ایران گردید که امروزه تحقیقات ما در جوامع علمی پیشرفته دنیا قابل ارائه و چشمگیر است و در بعد درمانی هم مشکل هزاران زوج ناامید را برطرف کرده و خواهد کرد.

خلاصه کلام، صادقانه باید گفت سعید به عنوان یک قدرت جامع، عمود خیمه‌ای بود که هزاران محقق بازمانده غیر متصل به قدرت و رانت و امکانات، راجمع می‌کرد و به معنای واقعی جهاد علمی می‌کرد.

همه کارهای سعید خاطره است، اما خاطره‌ای که برای من ماندگار بود را نقل می‌کنم. چند سال پیش من بدليل ارادتی که به ایشان داشتم پیشنهاد کاری را کردم که سود مالی خوبی داشت و ایشان هم پذیرفتند و این کار انجام شد ولی ایشان بدون اینکه من متوجه شوم تمام عواید مالی این کار را به جهاد دادند، بعد از مدت‌ها من متوجه شدم که ایشان این کار را کرده‌اند. به گلایه گفتم که چرا این کار را کردی، من هدفم این بود که تو سود زحمات را ببری، ایشان مرا در آغوش گرفت و بوسید و گفت من هدف تو را می‌دانستم ولی باور کن پروژه نوacusی داشت و برای من خیلی مهم بود. باور کن که من خیلی خوشحالم. حتی بیشتر ازانکه این بول را خودم برمی‌داشم.

سعید قبل از انقلاب توسط برادرش با جریانات انقلاب آشنا شد و درس غیرت و شرافت و تدبین را همراه برادر بزرگوارش آموخت و بعد از انقلاب با انجام مسئولیتها و کسب علوم تبدیل به مردی محکم راستین گردید. او به واقع فرزند راستین انقلاب بود.

خاطره‌ای کوچک از عزیزی بزرگ



مهندس علی تهرانی معتمد

من پرسید:

فکر می کنید توی این جعبه چیست؟

گفتم: اتوبوس، هواپیما، کشتی که در آن جانمی شود حتماً شیرینی است.

گفت: شیرینی برای چی؟

گفتم: حتماً برای کسی فراغتی بیش آمده یا فراغت از تحصیل یا فارغ شدن بچه ای و یا... خیلی حرفهای شیرین دیگری بین مادر و بدل شد.

در آخر گفت: خیر، هیچ کدام که گفتی صحیح نیست و در جعبه چیزی است که از شیرینی، شیرین تر است.

وقتی که درب مقواوی جعبه شیرینی را برداشت دیدم که در آن مقدار زیادی پول خرد بصورت سکه ۵۰ و ۱۰ ریالی قرار دارد به شوخی گفتم معلوم است کاسبی این هفته خوب بوده.

او گفت: اگر این پول را در جای خود مصرف کنی، حتماً کاسبی دنیا و آخرت شما بهتر می شود.

گفتم: راستی این پول خردها برای چیست؟

و این برادر کوچک دوست داشتنی من حرفی زد که تا امروز هر زمان آنرا به یاد می آورم به خودم ملزوم و به تمام بچه های عزیز این سرزمهن که این چنین تفکراتی را داشته و دارند درود می فرمدم و به پیشگاه امام راحل(ره) تبریک عرض می کنم که چنین جوانانی را پرورش دادند و از درگاه خداوند متعال علو درجات این عزیز را خواستارم.

او گفت: ما در واحد جهاددانشگاهی در کنار دستگاه تلفن این جعبه شیرینی را مانند قلک سوراخ کردیم و روی آن نوشتمیم: برادر عزیز! اطفاً هزینه تلفن شخصی را پرداز.

این پول تلفن شخصی بچه های جهاد در این مدت است. از من خواست هنگام پرداخت قبوض تلفن جهاد هزینه آن را از این محل پردازم. خاطرات شیرین بسیاری از این عزیز سفر

کرده دارم که در جای خود بیان خواهم کرد و فعلاً به این مختصراً بسنده می کنم. آفرین برخانواده محترم، مادر و پدر پاک دامن که چنین فرزندی را پرورش دادند، عزت،

سرپلندی برای همسر و فرزندان داغدیده او و افتخار ابدی برای این عزیز سفر کرده.

امروز ادامه راه داشش پژوهی و سرافرازی ملی و اسلامی این عزیز مسلمان - خوشرو و پرتلاش به عهده دوستان و یاران جهادگر بوده که امیدوارم راه او همواره مستدام باشد.

فقدان این عزیز از دست رفته هنوز برای دوستان و یاران او باور کردنی نیست. زیرا روحیه تلاشگر و خستگی ناپذیرش همراه با تبسم به یاد ماندنی و بیان نکته ها و ظرایف و لطائف شیرین، از او چهره ای جذاب و دوست داشتنی ساخته بود که در عمق روح و جسم دوستان و یارانش اثر می کرد و همین امر سبب می گردد همیشه در خاطره و یاد دوستان جاودان بماند. دکتر کاظمی را از اواسط سال ۱۳۶۳ می شناسیم هنگامی که در دانشکده توانبخشی بودم. بعد از دوران تعطیلی انقلاب فرهنگی، دانشگاهها مجدداً بازگشایی شده بود و او در رشته فیزیوتراپی تحصیل می کرد و در همان حال عضو پرتلاش و فعال جهاد دانشگاهی دانشکده بود.

در آن زمان دانشکده محل تحصیل دکتر به طور مستقل و زیر نظر وزارت علوم اداره می شد و هر هفته شورای مدیریت در دفتر رئیس دانشکده تشکیل می شد و آقای دکتر کاظمی به عنوان عضو ثابت جهاد در جلسات مذکور شرکت می کرد و همیشه حرفهای نو و جدیدی برای گفتن داشت.

به عملت نزدیکی مرحوم دکتر با مدیریت دانشکده از یک طرف و داشتن روحیه و توان تحلیل و قوه بیان خوب از طرف دیگر و داشتن تیپ و شخصیت حزب الهی واقعی به راحتی می توانست از هر امکانی که در محیط آن روز دانشکده وجود داشت به نفع خود استفاده کند.

در آن زمان من معاون پشتیبانی دانشکده بودم و نکته مهم و قابل توجه برای من این بود که او با اینکه توانایی استفاده از هر امکانی را به راحتی برای خودش داشت لیکن هرگز نیدم و نشنیدم که از هیچ امکانی مانند اتومبیل، اتاق و برای شخص خودش استفاده نماید.

ذکر این خاطره برای نسل جوان خصوصاً دوستان جهادی جالب است. در همان سالها روزی دیدم که دکتر کاظمی با یک جعبه مقواوی شیرینی وارد دفتر معاونت پشتیبانی شد از

سعید، داستانی ناتمام

مهدي اکبری



گفته بودید می خواهیم کتابی از داستان پرواز آماده کنیم و اگر خاطره ای دارید بنویسید. بسیار تلاش کردم اما زمان مجال نداد و از شدت خستگی به خواب رفتم و سعید به خوابم آمد آن هم در میعادگاه همیشگی. در محل دانشکده توان بخشنی پشت دیوارهای اتاق جهاددانشگاهی موکتی پنهن بود و با هم نشستیم. با چهره ای شاد مثل همیشه اولین سوالی که از او پرسیدم، این بود که: سعید! چه کسی به تو راه مقصد را آموخت؟ بعد پرسیدم حالا که رفته از آنجا راضی هستی؟ سوالی را با سوالی پاسخ داد: «مگر میشه راضی نباشم؟» بعد پرسیدم غلامرضا رعیت را دیدی؟ گلشنس شکفت، گفت آره، گفتم مهدی خداپرست چی؟ گفت آره پرسیدم محمد لطفی زاده چطور؟ گفت او راهم دیدم. خیلی خوشحال بود. و در آخر گفت حتی مجیدمسجدی راهم دیدم آنجا بود. ولی من مجید مسجدی رانمی شناختم. صحبت ما به طول انجامید و گویا وقت آن پرسیده بود که برود و خداحافظی کرد.

عزیز من، داستان نگفتم. نیم ساعت پیش ساعت ۳/۵ شب تاریخ ۱۱/۵ ۸۴/۱۱ این اتفاق افتاد و اکنون می دانم که او بر بال فرشتگان نشسته است. نامش نامه اعمالش و اعمالش عامل معراجش بود. سعید سعادت را در سرود سبز ثار الله دید و سر بر بالین پرنده عشق به شوق هوایی تاز، هجرتی تازه هجرتی را به سلسله جبال حکمت و معرفت آغاز نمود. او که آغازی دیگر را به شوق وصال یار داشت و گویا اولین مستقبلین، شهدای گرفتار دانشکده، یاران همیشه همراه شهید رعیت، شهید خداپرست، شهید لطفی زاده، مجید و ... بودند او از همان روزهای آغازین مهر ۱۳۵۸ خادمی صدیق برای ارزشهای اسلام ناب محمدی (ص) بود. عضویت در شورای مرکزی انجمن اسلامی، بنیان کنار جهاددانشگاهی در دانشکده علوم توان بخشنی، برگزار کننده چندین سمینار ارزشی، اردوهای زیارتی و بسیاری از خاطراتی که خاطر دوستان را چون نسیمی آرامش می دهد. او که بانی هجرت، مهاجران ای الله بود خود هجرت نمود. او که ناله هایش در صحن نمازخانه دانشکده در شب های جمعه دعا کمیل و مراسم شهدا بلندتر از دیگران بود اکنون شهدا برای او مراسم گرفته اند سعید داستانی ناتمام ...

ارادت کاظمی به جانبازان



دکتر سید نورالدین نعمت اللهی

سال ۱۳۷۱ بود و در دفتر گروه علوم تشریحی دانشگاه تربیت مدرس با جمعی از همکاران فعلی که آن زمان دانشجوی دکتری علوم تشریحی بودند نشسته بودم که فرد متوسط القامهای با چهره مصمم و تیسم بربل وارد شد و با همه احوالپرسی کرد و هنوز نشسته بود که لطیفه ای تعریف کرد و همه را به خنده وا داشت. این خصلت دکتر سعید کاظمی دوست و همکار فقید و ارزشمند من بود که در هر شرایطی با تیزهوشی و ذکاوت و موقع سنجی خاصی که داشت قادر بود محیط را تحت تأثیر قرار داده و آنرا هدایت کند.

از سال ۱۳۷۱ تا این اوخر که او را می دیدم همیشه شاهد بالندگی و رشد خصلتهای فردی و اجتماعی او بودم، او با ژرف نگری وسیعی که داشت بحث تحقیقات سلوهای بنیادی را به یک موضوع ملی تبدیل کرد که در همین زمان اندک شاهد برکات آن هستیم. سعید عزیز به راستی دلداده و حامی انقلاب اسلامی بود و به ارکان آن عشق می ورزید. خاطرم هست یک روز صبح در دفتر کارش، که بندرت می توانستی او را آنجا پیدا کنی چون دائم مشغول رفت و آمد و سرکشی به بخشها مختلط بود، در خدمت آقای دکتر رضازاده نشسته بودم که آقایی با سر و وضع معمولی وارد شد و با کمی عصبانیت سراغ رئیس مؤسسه را گرفت. دکتر کاظمی خودش را معرفی کرد و گفت امروزان را بفرمائید. آن آقا از مشکلات خودش در زمینه ناباوری و مشکلات مالی و چند مورد دیگر که خاطرم نیست گفت و ضمن صحبت‌هایش گفت که از جانبازان جنگ تحملی است. دکتر کاظمی با شنیدن اینکه وی جانباز جنگ تحملی است از جایش بلند شد و در تمام مدتی که آن آقا بود ننشست و به وی گفت ما مخلص بچه های چهه و جنگ هستیم و این مؤسسه اگر هست از برکات وجودی امثال شمامست و قول همه گونه مساعدت به وی داد و او را با احترام روانه کرد. وقتی که آن آقا رفت تا یکی دو دقیقه حرف نزد و بعد در حالیکه در چشمانتش اشک جمع شده بود و لحن صدایش بعض آلد بود گفت: اینها آقا و سرور ما هستند اگر خدا به ما نفضل کرده که بتوانیم خدمت کنیم از دولت سر اینهاست و... سعید تقریب به درگاه احديت را در خدمت به مخلوق جستجو می کرد. یادش در خاطره ها جاودان و نهال پر طراوت فکرش در زمین بارور ذهن نوجوانانمان شکوفا باد.

بنام دوست و به یاد دوست

دکتر عباس افلاطونیان



در زندگی هر انسان، آشنایی و برخورد با چهره‌ای خاص و با روحیات متعالی ممکن است کمتر پیش بباید. حدود یک‌سال پس از شروع به کار مرکز تحقیقاتی و درمانی و ناباروری بزده، آشنایی با چنین شخصیتی برای بندۀ و همکارانم موهبتی بود. کسی که صمیمانه و صادقانه، پر تلاش و پیگیرانه، راه گسترش علم نوین بیولوژی تولید مثل را در کشورمان هموار نمود.

دکتر کاظمی به حرکت این دانش‌ستان زیادی بخشید، هر وقت که او را می‌دیدم در اندیشه راه تازه و کار جدیدی برای این رشته بود و از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزید. یادم هست که جهت راه اندازی پژوهشکده رویان و قصی که از من و دوستم آقای امیر ارجمند خواست که یک هفته به تهران بیایم چنان شرایطی فراهم نمود که برای همیشه خاطره زیبای آن نه تنها برای بندۀ بلکه خانواده ام باقی خواهد ماند. زمانی که در فکر راه اندازی جشنواره بین‌المللی رویان بود، علی‌رغم نگرانی‌هایی که داشت ولی با اتکال به خداوند متعال و با اطمینان، آینده را ترسیم می‌کرد و امید داشت که این جشنواره و کنگره جنبی آن بتواند شأن و مرتبه علمی کشورمان را در منطقه و جهان نشان دهد. از روحیات تحسین برانگیز او، حمایت سایر مراکز و همکاران بود، هر زمانی که از او می‌خواستم، متوجهانه با حداکثر توان پاسخ می‌داد و به خوبی نشان می‌داد که می‌توان روی کمک‌های او حساب کرد.

مدیریت بسیار قوی و علمی او با اهداف مشخص و رو به رشد، منجر به انجام تحقیقات سلولهای بنیادی در این کشور گردید، به طوری که در این رشته درجهان مطرح شده‌ایم. برای بندۀ، دکتر کاظمی همیشه زنده است چون افکار مترقی و متعالی او راهی را باز نمود که توقف نخواهد داشت و مسلم‌آفرینی که او برافروخته، بی وقفه روشن تر پرتو افسانی خواهد نمود.

یادش گرامی

به یاد یک معلم و هم‌زمان



مهندس محمد حسین تفرشی

سخن از شخصیت جامع‌الاطرافی است که بی‌هیچ تعارف و گزافه‌گویی، جامعه و نسل کوئنی در جبران خسارت فقدان او راهی بسیار دشوار و طاقت‌فرسا در پیش رو دارد. در هنرستان پیام امید که بعدها به پیام شهید تغییر نام داد در سالین ۱۸ و ۱۹ سالگی به عنوان دبیر ادبیات فارسی وارد شد اما تفاوت سنی کم او با دانش آموزان به هیچ روی نمود خارجی نداشت. با اولین کلام در اولین روز درس، شخصیت علمی و اجتماعی او بسیار فراتر از سن و سال آن زمان جلوه‌گر شد. زمان مقرر در کلاس را سریع و بی‌فوت وقت در می‌نورد د به طوری که کلاس او با موضوع ادبیات صرف همراه نبود. دوره کارشناسی فیزیوتراپی را تازه آغاز کرده بود و گاهی از رموز تحسین برانگیز عالم خلقت در حوزه فیزیولوژی و آناتومی سخن به میان می‌آورد و تکیه کلام همیشگی او فتبارک الله احسن الخالقین و اظهار عجز همراه با تعبد در کار علمی خود وارد شد همین زیرساخت‌های اعتقادی را همراه داشت و صد البته اشراف و اجماع او در حوزه اعتقادی و علوم تجربی وسیع تر شده بود. اگر بعدها جنین شناس شد از ابتدا به اراده الهی در تحقق خلقت بشر وقوف عالمانه داشت و زمامه او «یخلق ما یشاء یهاب لمن یشاء اناناً و یهب لمن یشاء الذکور» بود. ایمان نشأت گرفته از جان و عمق وجودش در لزوم اراده الهی بر آفرینش انسان از مادری واحد (حضرت حواء سلام الله علیها) در بیان شباهت زیاد میتوکندری سلولهای انسانی شاهد دیگر بر این مدعاست. لذا به آموزش‌های عمیق اعتقادی بسیار معتقد و پایبند بود و در کنار ترویج فرهنگ قرآنی و نهج البالغه در محیط آموزشی، دانش آموزان را با معارف و منابع پایه دین شناسی آشنا می‌کرد. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی و برآهین سه کانه حرکت جوهری، خداشناسی و مسئله حدوث و قدم و مباحثی از این دست را خارج از سرفصل‌های درسی مدرسه و با علاقه‌ای سرشار تعلیم می‌داد و با همین بافت‌های ژرف اعتقادی وارد حوزه علوم طبیعی شد. توحید را در شرح فاعل بالذات، فاعل بالعرض و سایر اقسام علل فاعلی شناخته بود و با همین پیش زمینه، بعدها منشاء تحول در کلولینگ و تکثیر سلولهای موجودات زنده گردید.

معاشرت با او سرزندگی و طراوت به همراه داشت و از برخوردهای ملال آور و خمودی در سلوك شخصی او خبری نبود. خوشفتر و مهربان بود. در چهار سال افتخار شاگردی و یک سال سعادت همکاری در امر آموزش، تندی و قهر از ایشان سراغ ندارم و هم او بود که در کمین دشمن در جبهه گیلانغرب (تپه شهید تاجیک - فروردین ۱۳۶۱) تحمل فشار را با

روحیه‌ای سرشار از ایمان و مقاومت برای بچه‌های دیگر ممکن ساخت. در همین ایام مقدس بود که صبر و حلم او را تابناکتر از سایر خصائیل حسنه یافتم بویژه تحمل شنیدن سخن دیگران در هر رده و در هر سطح از معلومات که همیشه تعجب و تحسین حقیر را برپمی‌انگیخت. دفاع مقدس در نظر او امری بسیار جدی تلقی می‌شد و اراده حاکم بر رفتار او کمک به امر حیاتی دفاع را ترویج می‌کرد. در این راستا در آموزش نظامی (زمستان ۱۳۵۹) و تشویق دانش آموزان در حضور مستمر در جبهه‌های نبرد و سالهای بعد در امر مدافعتی مجرح و گیلان جدیت فراوان از خود نشان می‌داد.

این معلم عاشق قرآن، جلسات قرآنی فراوانی را در مدرسه بنیان نهاد و همگان را به شرکت در این محافل و استماع تلاوت‌های زیبای قرآنی تشویق می‌نمود. در سخن و رفتار او، کلام الهی همیشه رخنماهی می‌کرد و بیان زیبای او در توصیف ظرافت و لطف قرآنی (قال لن تر ای و لکن انظر الی الجبل...) هیچگاه از یاد شنوندگان آن دوره زدوده نمی‌شود. نه فقط در زبان که در عمل هم به دین و دینداری پایبند بود و از همان دوره، وسوسات زاید‌الوصف در پرهیز از حرام و عمل به واجب خودنماهی می‌کرد و اگر چنین نبود توفيق خدمت در این وسعت و این تأثیر از خداوند به او اعطای نمی‌شد.

عاش سعیداً و مات سعیداً و نسیئ الله من جمیع التوفیق فی سیلیه.

به یاد نوید آور نده زندگی

سید مهدی صادقی



در شرایطی که زوجهای ایرانی به خاطر نداشتن فرزند و گرمی بخشیدن به زندگی شان هر کدام به سوئی و مرکزی که حسرت و انتظار را به خوشحالی و امید به زندگی را نوید می‌داد روانه می‌شدند در مکان کوچکی در شمال تهران خبر از مجمع تعدادی متخصص جوان متدين چهادرگر دانشگاهی به گوش می‌رسید که در مسیر امید به زندگی و شنیدن گریه و خنده نوزادی، زوجهای نه چندان جوان را به سوی خود جلب می‌کرد و با توكل به خدا و بهره‌گیری از تخصص‌های لازم که در این مجموعه و در راس آنها مدیری جوان متدين و متخصص و با اعتماد به نفس قوی و اعتقاد به اصل خواستن توانستن است هر بنده‌ای را تحت تاثیر این نیروهای خدایی قرار می‌داد و روز به روز در مسیر اهداف انسانی به پیش می‌رفتند شاهد تحرک نوآوری و رشد قابل تحسین در این زمینه‌ها و گرمی بخش کانون سرد زوجهای در انتظار فرزند بودیم.

هیچ گاه فراموش نخواهد شد زمانی که برای اولین بار در ابتدای سال ۷۲ به این موسسه مراجعه کردم و علی رغم اینکه هیچ گونه آشنایی قبلی با این مجموعه نداشتم بنا به وظیفه و دلسویی و نیز اینکه این مرکز با مجموعه از ارزش‌های دینی و تخصصی راه اندازی شده بود اشکالاتی را در خصوص نحوه پذیرش معاینات و برخورد با این نوع خاص از مراجعین مشاهده نودم بالا فاصله خواستار ملاقات با رئیس این مجموعه شدم که خیلی سریع پذیرفته شد. مطالب خود را بیان نودم که با خوشروی و استقبال از طرف رئیس آن چهره ماندگار زنده یاد مرحوم دکتر سعید کاظمی آشنایی روبرو شدم. ایشان خواستند مطالب را مکتب کنم تا رسیدگی دقیق شود. در مراجعة بعدی که به مرکز داشتم متوجه نصب نامه در تابلوی اعلاناتی که در معرض دید همگان بود شدم و پس از آن شاهد تغییرات و تحولات کاملاً جدی در نوع برخورد در همه زمینه‌ها بودیم و این باب آشنایی و رفاقت با این بزرگوار و دیگر همکاران هم‌فکر و همراه ایشان را برای اینجانب گشود و هرچه می‌گذشت به سجایی اخلاقی و کرامت انسانی این بزرگ مرد که تخصص و تعهد را آمیخته با هم داشت بیشتر آشنا شده و به خاطر شرایط خاصی که وجود داشت از نزدیک شاهد تلاش و خدمات خستگی ناپذیر این برادر عزیز و بزرگوار بودم و از این که ایران اسلامی ما چنین جوانان مومن و متخصص را در خود پرورانده است به خود می‌پالم و در خاتمه اذعان می‌کنم که به خاطر چیزی دو گل از بوسنان فیض الهی به‌واسطه تدبین و تخصص این مجموعه تا زنده‌ام خود را مدیون آنها می‌دانم و بدون اغراق یادش در قلب ما زنده خواهد بود و علو درجات روحانی اش را از خداوند بزرگ مستیلت می‌نماییم.

یادی از یک همدرس و همزمان

دکتر امیر اسماعیل نژاد مقدم

بسیار برای من سخت و ناگوار است از کسی صحبت کنم که متاسفانه و ناباورانه از بین ما رفت و وقتی به نبودش می‌اندیشم سخت آزده خاطر می‌گردم. بنده دکتر راز سال ۱۳۶۲ می‌شناسم آن موقع ایشان مسئول جهاد دانشگاهی دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران بودند. رفته رفته که با او محسشور بودم بیشتر و بیشتر با خصوصیات ظاهری و باطنی او آشنا می‌شدم بعضی موقع اقرار می‌کنم که به او غبطة می‌خوردم چه از نظر اعتقادی و چه از نظر اجرائی. با همه کس می‌جوشید و سریع با افراد اخ特 می‌شد. در دو عملیات بدر و مرصاد با او همسفر بودم. با او بودن هیچ وقت باعث خستگی و کسالت نمی‌شد. در عین حال که بسیار شوخ طبع و خاکی بود اما در کار، بسیار جدی بود به طوری که هیچ چیزی راحتی دوستی را فدای اهداف بلند جهاد دانشگاهی نمی‌کرد. کمتر افرادی را سراغ دارم که همچون دکتر کاظمی این گونه عاشقانه خدمت کند. بارها شاهد بودم که شرکت‌های خارجی و یا داخلی با پیشنهاد حقوق کلان که بسیار قابل توجه بود از ایشان جهت مدیریت دعوت می‌کردند اما دکتر به راحتی به تمام آن‌ها پشت پامی زد بدون آنکه تردیدی در دل داشته باشد. در پایان باید گفت که زنده یاد دکتر سعید کاظمی یک جهاد گر واقعی بود که یقیناً خداوند کریم اجر شهدا و صدیقین را ضایع نخواهد کرد.

یادش گرامی و راهش مستدام باد.

دستیاری رسانی

بستان



- یاسر کاظمی آشتیانی
- سید علی مقدم
- محسن مهرعلیزاده
- مجتبی دانش آشتیانی





درد دلی با تو

یاسر کاظمی آشتیانی

برادرم،

می‌گویند از تو بنویسیم،

چگونه می‌توان از کسی نوشت که همواره شنیدنش را عادت کرده بود؟

می‌گویند بنویس تا به همگان نشان دهی تصویرش را. چگونه بنویسم وقتی که تنها

دیدنت را آموخته بودم؟

می‌گویند بنویس تا بذر یادش را در اذهان برویانی. چگونه بنویسم از کسی که باغبان

درخت امید زندگیم بود؟ خوب که فکر می‌کنم می‌بینم دیگر مثل گذشته‌ها نیست و تو نیستی

تابیینم و بشنوم تو را. پس می‌نویسم.

می‌نویسم از تو و پروردگارت که حقیقت بازگشتن به سویش را احساس کرده بودی و

تمام تلاشت در راه رضای او بود.

می‌گوییم از تو و قرآن، که آمیخته شده بودی با آن. باید گفت از «الذین جاهدوا فینا»، از

«ایها الذين آمنوا استعينوا بالصبر» و از «بَاذْكُرِيَا اَنَا نَبِشِرُكَ بِغَلَام»

می‌گوییم از تو و دردهایت، از آنچه شنیدم. چه بسیار که نگفتش و افسوس چه بسیار

شنیدم. از دردهای آن سید عزیز، از درد کاخ‌های سوار شده بر تخریب ارزش‌ها، از کوخ‌ها، از

کنایه‌ها، از ندیدن‌ها، وای از دیدن‌ها که چه بسیار دیدی خون شد بر دلت.

می‌نویسم از تو و خودم، از برادری که همواره در اضطراب صعودم بود از دردها به قله‌ها.

می‌گوییم از درسها و نمره‌ها، از پایان نامه و دکترا که همواره برایت مهم بود. می‌نویسم از فکر

ادامه راه، از فراز و نشیب‌ها از ترسها و امیدها.

می‌نویسم از تو. بدون تو، چه سخت است ندیدنت این روزها. در روزهایی سرد و برفی که

بدون تو سردرتر شده. اما امیدی که با بهار یادت و افتخار وجودت همراه من است مرا مصمم

ساخته، باشم و ادامه دهم راهی را که روشن کردم. پس با من بمان.

در رثا و نتایی کانون امید و ابتكار و نوآوری، فقید سعید دکتر کاظمی آشتیانی، نورالله مضجعه

سید علی مقدم



مردم آوردن گام مهم بعدی بود. بله، سلوهای بنیادین، بینایی را به چشم‌ها برگرداند. قلب‌های فرسوده را ترمیم کرد و کار برای تولید اعصاب شروع شده است. سند چشم‌انداز، ایران را در آفق ۱۴۰۴ با جایگاه علمی و فناوری در سطح منطقه معرفی کرده است اما غیرت این مجموعه جوان و همت بلند آنان از لحظه‌ها سال می‌ساخت. گام‌ها بسیار سریع و بلند برداشته می‌شد. او عزم کرده بود که فاصله را روز به روز کاهش دهد. در بعضی عرصه‌ها فاصله را به ماه و گاه به روز و ساعت رسانده بود. ولی اینک وقت آن فرا رسیده که ایران برای اولین بار همه رقبا را در نوردد و نام مبارک جمهوری اسلامی را در عرصه‌ای از این دانش عظیم به عنوان اولین ثبت کند. ورود در این مسابقه نابرا بر که در یک سو استکبار با همه امکانات عظیم و مدلهمی پیشرفتۀ علمی و تحقیقی و در سوی دیگر یک جمع جوان مومن البته مoid به روح قدسی ولی در انواع تنگناها و بی‌مهری‌ها و مظلومیت‌ها ولی باز هم اعجاز انقلاب است که همه خستگی‌ها و مشقت‌ها را به جان گوارا و به این کار شتاب می‌بخشد.

حال وقت آن رسیده، نتایج عرصه دیگری از این دانش که «همانند سازی» است به جهان عرضه شود و با چه شور و اشتیاقی این موضوع مهم به خدمت مراد و مقصد گزارش می‌شود و چنین پاسخ می‌شوند:

«با همت و پشتکار، هدف‌های بزرگ این تحقیقات را دنبال کنند و این ثروت هنگفت انسانی را برای کشور و ملت خود تولید نمایند. انشاء الله موفق و مoid باشند.»

آه چه دردناک است شنیدن خبر «قلب رویان ایستاد». چه کسی می‌تواند باور کند کسی که چنان با شور و نشاط همگان را با بشارات علمی خود به وجود می‌آورد و برای ملت ماعت و برای توسعه علمی کشور الگو و برای انواع بیماریهای صعب کشور، درمان و سلامت به ارمغان آورده است، اینک خود آرام گرفته است. آه چه جانکاه و باور نکردنی است. اما با تقدیر چه می‌توان کرد؟ با چه زبانی می‌توان سوگواری کرد؟ عمق فاجعه را تا چه حدی می‌توان دید؟ و چه زبانی می‌تواند گویا تر از بیان رهبری حکیم و گوهرشناس و کاشف و پژوهش دهنده سلوهای بنیادین رشد و توسعه ملی که در رثای کاظمی که تمام آزویش در هر عرصه از پیشرفت کار نشاندن لبخندی بر لبان این پیر مراد بود، چگامه سرایی کند:

در هنگامه‌ای که دنیای استکبار با تفرعن و استهza بر برنامه‌های اتمی ایران ریختند تمسخر می‌زد و با ذکر این مطلب که ایران کشوری عقب مانده و فاقد زیرساخت‌های علمی لازم برای تحقیقات در عرصه‌های پرتر علمی و توانایی در گشودن ابواب دانش و فناوریهای نوین و انجصاری است، تلاش می‌کرد به دنیا بیاوراند که ایران دنبال تحقیقات هسته‌ای نیست چرا که نمی‌تواند بلکه در صدد تهیی بمض اتمی از طرق مختلف است؛ این خبر که دانشمندان جوان ایران در دیدار با رهبر معظم انقلاب، گزارش کاملی از دسترسی ایران اسلامی به دانش نوبای سلوهای بنیادین که انقلاب عظیمی در علوم زیستی جهان است را ارائه کرده‌اند، پاسخی دندان شکن به دشمن بود. معنای این خبر این بود که ایران توانسته است جزو ده کشور پرتر در عرصه این دانش شده و توانسته فاصله علمی و فناوری خود را در این میدان با جهان به حداکثری دو ساله برساند.

ایران که قرن‌ها از قافله علوم روز دور نگه داشته شده بود اینک با چنین شتابی به میدان مسابقه بر قبایی برآمده که بودجه تحقیق آنها هزاران برابر است و چرخه علم را در انجصار دارند. با انواع حراست‌ها از نشت آن مانع می‌شوند، ولی ایرانی با همان راز و رمزهایی که بزرگترین دزهای سیاسی استکبار را به تسخیر در آورد اینک توانسته گاوصدقوق‌های علوم و فنون را رمزگشایی کند. این خبر چنان عزت و غروری به ایرانیان بخشید که در اقصاص نقاط کشور نیز چشم‌های جوشان توانمندی و احساس توانایی بر قلمنشینی در دانش و بازگرداندن دوران مجد و عظمت تمدن ایرانی و اسلامی نمایان شد. دشمنان گرچه در ابتدا با نگاه ناباورانه و محظوظ با موضوع برخورد کردند ولی دیری نپایید که مقامات پی در پی دانشمندان جوان ایران در معتبرترین مجلات روز جهانی دانش، دیر باورترین‌ها را به اقرار وادادشت. از آن پس ادبیات استکبار از ایرانی نمی‌تواند، به ایران نباشد، مبدل شد. آنها فهمیدند که انقلاب اسلامی چنان این ملت را شکوفا کرده است که بر آنچه اراده کند دست خواهد یافت.

این آغاز کار بود چرا که این جوانان سالها قبل، از مراد خود شنیده بودند که باش تا صحیح دولت بدند. کاین هنوز از نتایج سحر است. اینک چهره معصوم، مصمم، باصفا و پرجاذبه دانشمندی جوان بود که هر از گاهی، بشارتی جدید را بر مردم فرائت می‌کرد. به موازات فتح آفاق علمی هر چه سریع‌تر این دانش جدید را کاربردی کردن و به میدان بهره‌دهی برای

بسم الله الرحمن الرحيم

«با تأسف و تلخکامی، خبر درگذشت دانشمند مومن و جهادگر، مرحوم دکتر سعید کاظمی آشتیانی را دریافت کردم و بر فقدان آن شخصیت ارزشمند که کانون امید و ایتکار و نوآوری بود، افسوس خوردم.

وی یکی از فرزندان صالح انقلاب و از رویش‌های مبارکی بود که آینده در خشان علمی در کشور را نوید می‌دهند.

موسسه رویان که مجمع ارزشمندی از نوآوران و جهادگران عرصه علوم زیستی است، در پیدایش و رشد و اعتلای خود، مدیون همت و ایمان و پشتکار این دانشمند جوان و بلند همت است.

اینجانب ضایعه در دناتک فقدان این عنصر خدوم و با ارزش را به خانواده گرامی و همکاران عزیزش صمیمانه تسلیت می‌گوییم و از خداوند متعال رحمت و علو درجات را برای وی و صبر و سکینه الهی را برای بازماندگان و همراهانش مسالت می‌کنم.»

سید علی خامنه‌ای

و اینک گرچه داغ این فراق روز به روز سوزانده‌تر می‌شود و چنین ژله‌ای جیران ناشدنی است لیکن به زبان حال کاظمی می‌گوییم که:

سرخم می‌سلامت شکند اگر سیوی
نهال رویان سا عنایات با غبان رویانها و رویش‌ها و با غستان‌های توانایی و دانایی و فرهیختگی سر خواهد کشید و دانشمندان جوان و محققان بزرگ در این بنیان مرسوص و بنای افرادی بر پایه‌های دانش، تقویت همت؛ تلاش همه اهداف والای این نهاد مقدس را محقق و افق‌های جدید را فرازی ملت خواهند نهاد.

به یقین، کاظمی آشتیانی برای این ملت یک فرهنگ است. یک هویت ملی است یک روح است که باید در افکار و اعمال و اخلاق جامعه جریان یابد تا بتوان فاتح قله‌های شرف و توانایی شد. تجلیل از این شخصیت ارزشمند تجلیل از هویت ملی ما است تجلیل از دانش و فرهیختگی است تجلیل از انقلاب اسلامی است و جا دارد همه کسانی که از دور و نزدیک متنعم به نعمت آشنازی با این عزیز بودند با ذکر جمیل سپاس‌گوی این انعام باشند تا بالگو شدن چنین اسطوره‌های بزرگ ملی مسیر تعالی کشور همراه شود.

حقیر نیز به پاس بیست و چند سال آشنازی نزدیک با این شخصیت الامقام و معتقدات و روحیات و خلقيات و سیره و منش و روش‌های کاری او شمشهای از اين خصوصیات که راز و رمز موقفيت‌های او بود و می‌تواند برای همه آموزنده باشد و الگویی برای توسعه دانش کشور است اشاره می‌کنم.

۱- بی‌ادعایی. بارزترین جلوه ایشان همین خضوع و تواضع و بی‌ادعایی بود به طوری که تقریباً همه کسانی که او را نزدیک می‌شناختند پس از مرگ او فهمیدند که او را نمی‌شناخته‌اند. او مصدق کاملی از «خبرایما یظنون» بود که همه مقامات علمی و مدیریت معجزه آسای او در ورای سادگی و بی‌آلایشی و سلوك معمولی او پنهان شده بود.

۲- بزرگی. در قبال بی‌ادعایی و تواضع، او به معنای واقعی کلمه بزرگ بود. بزرگ می‌اندیشید، بزرگ می‌زیست، با بزرگان مجالست می‌کرد، به کارهای بزرگ می‌پرداخت و از حقارت و پستی متنفر بود. او به معنای واقعی کلمه عاقل بود و از عقل پخته خود به خوبی استفاده می‌کرد او بحق دارای لب راجح بود.

۳- همت بلند و بلند نظری. او پیش روی خود افقی والا داشت و آرزوهای او شخصی و حقیر و کودکانه نبود. افق او آفاق روش و متعالی انقلاب بود. و همت و عزم و اراده نیل به آن افق‌های دور او وجود داشت و بر همین اساس او هیچگاه متوقف نبود و پیوسته در حرکت و جنب و جوش بود.

۴- مبتکر و خلاق بودن. روح بلند، همت متعالی و دانش وافر، او را به خود مشغول نکرده بود بلکه سرمایه‌ای برای خلق روش‌ها و برنامه‌های متنوع به منظور پیشرفت و پیشبرد امور شده بود و پرداختن به مقوله‌های بسیار مهم و متنوع که در سالهای اخیر و خصوصاً در موسسه رویان شاهد بودیم مخصوصاً ذهن خلاق این دانشمند عزیز است. او ایده‌ها و نکته‌ها را شکار می‌کرد و در کارگاه ذهن خلاق خود به طرحی عملیاتی مبدل می‌ساخت. او فردی اثر گذار بود و حتی استادی و محققان بزرگ اغلب از او اثر می‌پذیرفتند.

۵- موسس بودن و بنیان‌گذاری. او برای تحقق ابتکارات خود قدرت ایجاد بنا داشت و خیریه‌های بسیاری را ایجاد کرد و مدیریت مناسبی برای آن ایجاد کرد از جمله این موارد تاسیس کلینیک فاطمه الزهرا (س) در اوایل دهه شصت یعنی سال هایی که او هنوز دانشجو بود و نمونه‌های فراوان از این قبیل که اینک این مرکز به عنوان باقیاتصالحات به جا مانده است.

۶- قدرت رهبری و هماهنگ‌سازی و کار جمعی. او صرفاً یک مدیر نبود که عوامل و اجزاء کار را با هماهنگی به کار گیرد. بلکه اودارای راهبرد بود راهبردها و سیاست‌های بزرگ را با واقع‌بینی عملیاتی می‌کرد او برنامه اجرایی و طرح کاربردی برای آن داشت و قدرت فراهم کردن امکانات و بسکارگیری و هماهنگی و ایجاد تیم کاری و هدایت کار تانیل به مقصد در او بسیار بارز بود.

۷- قدرت شکوفا‌سازی استعدادها. او ساژرف نگری، در کشف استعدادها و ایجاد محیط مناسب رشد برای آنان ممتاز بود و می‌توانست بهترین هاراگزینش کند و با دست خالی آنها را به لوازم بیش‌رفت و تعالی تجهیز کند و به بهترین شکل به کار گیرد و کارهای بزرگ را به دست آنان انجام دهد و با اینکه امکانات کاری او وسیع نبود ولی برای محققان خود دغدغه نبود امکان را باقی نمی‌گذاشت و اعتبارات و درخواست‌های آنان را فراهم می‌ساخت.

۸- امکان سازی. هر کاری، هر چند کوچک، نیازمند امکانات در خور است و سختی کارهای بزرگ این است که فراهم کردن امکانات در خور آن بدليل ناآشنازی اصحاب مکنت

پیشنهاد از سوی مقام معظم رهبری مورد استقبال قرار گرفت.

۱۲- کم بودن فاصله آرمان، شعار، عمل و خروجی کار او.

آرمان‌های بلند، بدون پشتونه‌های فکری به موهومات می‌ماند و شعارهای غیر قابل تحقق به تبلیغات و عمل‌های بدون بازده روشن و شفاف، هرز دادن منابع، امتیاز دکتر کاظمی در تبیین‌گی این چهار عنصر درهم و متواالی بودن با فاصله‌های اندک زمانی این چهار عنصر بود.

در شرایطی که بسیاری افراد از ایجاد چنین چرخه کاملی برای هدفهای کوچک و روزمره زندگی عاجزند و در دسترسی به آرمان‌های معمولی نمی‌توانند بین این عناصر جمع کنند و بالاخره ناکام می‌شوند دکتر کاظمی بلندترین آرمان‌های ملی را به شعارهای کاری خود تبدیل و با برنامه‌ریزی دقیق خط تولید آن را ایجاد و محصول نهایی را در اختیار جامعه قرار می‌داد و آرزوها را سریعاً تحقق می‌بخشید و در سر سفره مردم می‌نشاند.

۱۳- قدرت تصمیم‌گیری و شجاعت در ریسک‌پذیری. بدون تردید همه توفیقات بزرگ مجموعه رویان مرهون ریسک‌پذیری دکتر کاظمی است. آنچه که کاری باید بشود از هیچ تهدیدی هراس نداشت. تهدیدها علیه او از سوی بدخواهان کم نبود. بسیاری در کمین اولین شکست او بودند. بسیاری، حتی موقوفیت‌های بزرگ او را تکذیب می‌کردند اما او با تمام قدرت از راه و مسیر و تصمیمات صحیح خود دفاع کرد.

۱۴- تن به میدان دادن. او از مدیرانی نبود که کارها را از پشت میز اداره کند. او خود حاضر در همه صحنه‌ها بود. گاه این دانشمند بزرگ را پشت درهای اتاق‌های کارشناس سازمان مدیریت می‌بافتی تا از بودجه خود دفاع کند. برای فراهم کردن امکانات هرجا لازم بود حاضر می‌شد و شخصاً کار از نبال می‌کرد. در همه عرصه‌های مختلف کار از پیچیده‌ترین مسائل غواصی علمی گرفته تا مشکلات شخصی بعضی از مستخدمین در جریان بود و هرجا که لازم بود وارد میدان می‌شد.

۱۵- رصد و نباله‌گیری فرصت‌ها و فرصت‌سازی.

او از کسانی نبود که منتظر بمانند تا فرصتی به سراغشان بیاید و حتی بدتر، فرصت سوزی کنند. بلکه با تیزبینی و دقت نظر نه تنها فرصت‌های مختلف مادی و معنوی را به موقع می‌یافت و به احسن وجه در خدمت پیشبرد کار از آن بهره می‌جست بلکه در محیط و اطراف چیزهایی را به عنوان فرصت در خدمت می‌گرفت که هیچ ناظر دیگری نمی‌توانست آن را ببیند و یا به حساب آورد.

فرصت‌سازی و ایجاد زنجیره‌هایی از فرصت و هر یک را سرمایه‌ای برای کسب فرصتی بالاتر کردن تانیل به هدف، کار بزرگ دیگر او بود.

۱۶- قدرشناسی از همه امکانات. چنین نبود که توسعه کار و افزایش توانایی‌ها و اعتبار مادی و معنوی و کانون توجهات شدن او را به پشت کردن، بی‌توجهی به امکانات ناچیز قبلی

و ب اعتمادی به توان در خدمت کار قرار نمی‌گیرد. شاید بزرگ‌ترین بخش جهاد علمی این دانشمند عزیز در فراهم‌آوری امکانات لازم و البته حداقلی برای طرح‌های بلند خود بود. خوشبختانه اتفاقی خوش که دستش عروه الوثقی گرفت، اعتمادی که رهبر والامقام از اولین روزهای آشنایی با این حوان فرزانه به او داشتند و کمک‌های مادی و معنوی معظمله مسیر را هموار می‌کرد. لیکن این صبر و حوصله و استقامت و ذکاوت او بود که بالاخره بر سرستختی دستگاه‌ها فائق می‌آمد و شرایط و لوازم کار فراهم می‌شد.

۹- مقتصد بودن. او از مصرف گرایی به شدت بیزار بود و به نبال آن بود که کشور را رز راه علم ثروتمند کند. صرف بودجه‌های گراف برای کارهای به اصطلاح تحقیقی را که نتواند به سرعت بازگردد ننگ می‌دانست و کاری را علمی می‌دانست که بتواند با سرعت بیش از سایر سرمایه‌گذاری‌ها به سوددهی برسد و سرمایه را برگرداند.

جشنواره‌های بین‌المللی او بر خلاف اغلب سمنیاره و کنفرانس‌ها که محل بریز و پاش و تحمل هزینه‌های سنگین بر بیت‌المال است به دلیل اعتبار بالای علمی و افتخار برای شرکت کنندگان و پرداخت حق حضور، نه تنها هزینه خود را تامین می‌کرد بلکه بعضی در آمدی هم برای موسسه رویان داشت.

۱۰- به نبال علم نافع بودن. گرچه علم فی ذاته نفسی است و دکتر کاظمی مدارج کمال را در آن طی می‌کرد و با همه اشتغالات، ده‌ها مقاله علمی از او در مجلات بین‌المللی و علمی پژوهشی کشور چاپ شد ولی او صرف‌با به نبال تحقیق محض و بدون بهره‌برداری کشور و احیاناً در خدمت پیشبرد دانش بیگانگان نبود. ایران بحمدالله طی سالهای اخیر با مقالات متعدد علمی جایگاه علمی خود را در بین کشورها اعتلا بخشیده ولی این رساله‌های علمی معلوم نیست چه دردی را از مشکلات کشور درمان کرده است. دکتر کاظمی نبال علم نافع به حال مردم بود. تحقیقات او کاملاً جهت‌دار و قرین بهره‌های والا برای مردم بود حقیقتاً او مصدقی از «اللهم انفعني بما علمتني و علمنى ما ينفعنى و زدني علماً» بود. یعنی نبال علم نافع و انتفاع از علم حاصل و از دیداد چنین علمی بود.

۱۱- تلاش برای مرجعیت علمی ایران.

او از اینکه ایران برای اثبات دانایی نیازمند اعتراف بیگانه باشد در رنج بود و آرزوی رهبر حکیم که ولو تا بنجاه سال بعد بتوان به جای رسید که دیگران برای دسترسی به علم روز نیازمند فراگرفتن زبان فارسی باشند برای او یک برنامه بود.

در سال ۱۳۸۲ آمریکا با وفاخت، ممنوعیت درج مقالات کشور ایران را که تحت تحریر امریکاست از ناشران خواستار شد که موجب شکاف و نزاع بین ناشران شده و بالآخره آمریکا مجبور به عقب‌نشینی گردید.

این حرکت زشت، دکتر کاظمی را بر آن داشت که طی نامه‌ای پیشنهاد تخصیص بخشی از بودجه مبارزه با تهدیدات امریکا، به انتشار چند نشریه علمی به زبان انگلیسی و توزیع گسترده آن در سطح جهان را راهه نماید و پژوهشکده رویان را متعهد به انتشار مجله‌ای با کیفیت مطلوب بین‌المللی در علوم پایه پژوهشکی در صورت تامین اعتبار دانست. که این

بکشاند و نوعی اسراف و اتلاف منابع را ولو در حد ناجیز موجب شود.

۱۷- اهمیت دادن به همه کس. از ویژگی‌های بارز اوین بود که همه را مهم می‌دانست و هیچ کس در چشم او حقیر و کوچک نبود و مشکل همه نیز برای او بزرگ بود. او نه به بندگان خدا بی‌اعتنای بود و نه حرمت بعضی را به تناسب موقعیت اجتماعی داشت بلکه برای او همه مهم بودند و حل مشکل همه برای او اهمیت داشت و از همین روی برای حفظ حریم اخلاقی و کرامت آنان در محیط رویان خصوصاً به لحاظ مسائل شرعی تدبیر بسیار ارزشمندی اندیشیده بود.

۱۸- دقت نظر کم نظیر. دقت او در امور از ابعاد ظاهری و آشکار امور که بسیاری افراد از توجه کامل به این حد هم محرومند بود می‌گذشت و اعماق و پشت پرده‌ها را هم می‌دید. اشکالات را به سرعت متوجه می‌شد و بسیار کم دچار خطأ می‌گردید. او در کارها به همه جوانب آن توجه داشت و عیب و ایرادها را به سرعت متوجه می‌شد. حواس جمع و توجه او به جوانب مختلف قضایا ضربالمثلی بود که کسی نمی‌تواند او را فریب دهد. در عین حال اگر اشتباهی مرتکب می‌شد با فوریت و شجاعت به آن اقرار می‌کرد و به جیران آن می‌پرداخت.

۱۹- نظم و انضباط همراه با حسن سلوک. انجام کارهای بزرگ تیمی جز با انضباط پولادین شدنی نیست اما چنین انضباط مقدسی در چنان جایگاه رفیعی با الگوی نظم بودن و رفتار این مدیر محبوب در مجموعه ایجاد شده بود نه با اعمال فشار و اکراه و سخت‌گیری.

۲۰- مسئولیت‌پذیری در قبال سختی‌ها. دکتر کاظمی سپرblای همه شداید و مکاره و جنبه‌های دشوار بود و با شجاعت مسئولیت‌ها را به دوش می‌گرفت. آنجا که مطالبات تاخ و فحش و ناسرا بود، دکتر کاظمی حاضر بود و با تمام وجود دفاع می‌کرد و جفاها را به جان می‌خرید.

۲۱- جاذبه بسیار زیاد. چهره پرنشاط، متیسم، خستگی‌ناپذیر، جدی، صمیمی و اخلاص و فداکاری او همه‌ی دلهای پاک و استعدادهای خلاق را به سویش می‌کشاند و لذا اطراف او همیشه پر از افراد شایسته و لایق بود و برای کارهای بزرگ خود انسان‌های مفید و کارآمد را به راحتی پیدا می‌کرد.

۲۲- همه کار را وظیفه خود دانستن و به عکس هیچ وظیفه‌ای را از کسی متوقع نبودن. این خصوصیت والا بیشتر در محیط‌های غیر کاری و خصوصاً در جمع‌های خانوادگی خودنمایی می‌کرد. او نه تنها پس از اطلاع از مشکلی فوراً خود را ملزم به اهتمام در رفع آن می‌دانست بلکه دورادور جویا و رصدگر بود و گاه به فاصله بسیار کوتاهی از بروز یک مشکل خود را به سرعت به صحنه آن می‌رساند و در کمال صمیمیت ایفای نقش می‌کرد و لی دیده نشد که در مسائل مشابه خود توافقی از دیگران داشته باشد.

۲۳- فراست. از ویژگی‌های او داشتن فراست چه در محیط کار و چه زندگی بود یعنی

می‌توانست به سرعت طرف مقابل خود را بشناسد، روحیه او را درک کند، زبان او را بفهمد، با او گفتمانی سازنده ایجاد کند و به دون او نفوذ کند و چون خیرخواه مردم بود گره گشای آنان می‌شد. از همین رو اولاً او دوستان زیادی داشت و ثانیاً او را زیاد دوست می‌داشتند و قدرت ارتباط‌گیری او بسیار بالا بود و همین امر در هموار شدن مسیر پیشرفت‌های او نیز بسیار موثر بود.

۲۴- مغورو نشدن در اثر تعریف‌ها. کارهای بزرگ این دانشمند عزیز موجب تحسین بزرگان بود. گاه حتی دشمن نیز تاکریر از اذاعن به عظمت کارها و تعریف او بود لیکن این همه، جز ایجاد مسئولیت بیشتر و مراقبت و مواضع و اعلانه و آگاهانه‌تر کردن اثیر نداشت. البته او قیمت قدرشناصی‌ها و خصوصاً تقديرهای رهبری معظم را به خوبی می‌دانست و مفتخر و معتبر به آن بود ولی مغورو نمی‌شد بلکه به پاس آن، خود را بیشتر به کار و امنی داشت تا بتواند بر این افتخارات بیفزاید و آنها را سرلوحه کار و پیشرفت خود قرار می‌داد. این خصلت نیکو در دوستان او نیز چنان رسوخ یافته بود که یک بار نقل می‌کرد که از یکی از همین دانشمندان عزیز پرسیدم مطلبی که حضرت آقا در وصف تو گفتند چه بود؟ پاسخ داد نمی‌دانم. اصرار کردم، گفت: من سنا ندارم «تعریف از خود» را بشنو و اگر شنیدم فراموش می‌کنم. خود او نیز چنین بود و بر «چه می‌گویند» توجه نداشت، بلکه به «چه باید بکند» متوجه و متمن‌کر بود.

۲۵- طراوت و تازگی و حرف نو داشتن. آنان که از نزدیک با او جليس بودند این واقعیت را در او به خوبی لمس کرده بودند که او هر روز گفتگوهای جدید دارد. نه تنها در عرصه‌های محوری کار، بلکه در همه شئون زندگی از اخلاق و معرفت و نکات مربوط به زندگی سیاسی و اجتماعی.

۲۶- معلم بودن. دکتر کاظمی از آغاز، معلم بود در همه مقاطع زندگی و حتی در دوره دانشجویی با اینکه در علوم زیستی تحصیل می‌کرد در زمینه‌های مختلف و حتی ادبیات و بیشن اسلامی در دبیرستان تدریس داشت. لذا خوبی علمی او موجب شده بود که مطالب را عمیق بفهمد. او تا اعماق مسائل غور می‌کرد و سپس غامض ترین مسائل علمی را در ساده‌ترین بیان و مثال برای مخاطب خود تشریح می‌کرد. لذا سیر عملی او تربیتی شده بود و اذهان طرف او به سرعت شکوفا می‌شدند.

۲۷- کم‌گویی و پرگویی. آنچا که از مشکلات و درد و رنج و خصوصاً مسائل مربوط به خود باشد او بسیار کم سخن بود و آنچا که انتشار خیرات و اخبار و مطالب سازنده بود بسیار می‌گفت. ساده‌گویی و به فراخور حال مخاطب گفتن و سازنده و پرورنده‌گویی و تلاش در ایجاد فکر و ذهنیت صحیح و متعالی در افراد از ویژگی‌های گفتاری او بود و اثرگذاری کلام او حتی بر بزرگان و استادی مشهود بود و از کلام او همیشه امید و اطمینان و اعتماد و در بیک کلام ما می‌توانیم می‌جوشید.

۲۸- خوش‌بینی. از امتیازات اخلاقی او حسن ظن جنبه‌های مثبت را خصوصاً در افراد

۳۳-احترام به قانون و مقررات کشور. از برجسته‌ترین نکات زندگی این شخصیت والامقام که برای همه نسل‌ها و عصرها عبرت‌آموز و آنکه از درس‌های بزرگ است، این است که وی با داشتن مدرک PhD و استادی دانشگاه و حضور فعال در جبهه‌ها وجود رابطه‌ها و مشغول بودن به کارهای بزرگ ملی در سن سی و چند سالگی و در حالی که فرزندان او در دیپرستان مشغول تحصیل بودند با افتخار به خدمت سربازی رفت و از هیچ یک از این عناوین برای معافیت استفاده نکرد. هرچند که شرایط دیگر و از جمله مسائل جسمی نیز می‌توانست بهانه دیگری باشد. فصول درس‌های بزرگی که در همین یک کار اوست اگر گشوده شود خود کتابی مفصل است.

۳۴-عشق. او بک مرید، مقلد و فرزند معنوی رهبر معظم بود. او بحث یک فدایی رهبر بود و در اهداف، هبری ذوب شده بود و سعادت و پیشرفت کشور را مرهون تبعیت کامل از رهبر معظم می‌دانست و به معنای واقعی کلمه عاشق رهبری بود و یکی از اذکار او «فداش شوم» بود. و همین عشق، موتور حرکت‌های پرثمر او شده بود. شاید این رابطه متقابل را جز آن مرید و مراد والامقام دیگران نمی‌توانستند حس کنند. او به خوبی احساس می‌کرد که تنها یک نفر است که او را درک می‌کند، مطلب را می‌فهمد و عمق آرمان‌های او را درک کرده و به او اعتماد می‌کند و این نیز از فراست او بود که این حقیقت پس از مرگش معلوم شد که مودت دوچاره بود.

۳۵-مدیریت‌پذیری. این مدیر شایسته که این موسسه بزرگ را خود بنیان نهاده و همه اجزا و عواملش را با خون دل فراهم کرده بود و آوازه آن اینک مرزها را در نوردیده و در سطح جهانی مطرح و توجه همه بزرگان خصوصاً عنایات رهبر معظم به آن معطوف بود و خود او چهره عالیقدر در چشم بزرگان شده بود و با اینکه شخصیت چنین کاری با هویت خاص گاه اقتضا می‌کند که مدیریت آن مستقلانه و حتی مستبدانه باشد، دکتر کاظمی هر چه بر عظمت کار افزوده می‌شد تلاش برای ایجاد پیوستگی مدیریتی، بیشتر می‌شد او رویان را وابسته به جهاد دانشگاهی می‌دانست و در ادوار مختلف و مدیریت‌های مختلف جهاد کاملاً وفادارانه تعامل داشت. مدیریت‌پذیری او چنان بود که آقای منتظری رئیس جهاد دانشگاهی نقل می‌کند که وی همه روزه رأس ساعت ۷/۳۰ صبح به او زنگ می‌زد و می‌گفت می‌خواهم به آقای رئیس گزارش دهم! اگر سفری ولو کوتاه می‌خواست برود حتیماً و را در جریان قرار می‌داد و در همه تصمیمات نظر ایشان را اخذ می‌کرد و گردش کارهارا به گونه‌ای تنظیم کرده بود که اولاً ایشان در جریان ریز مسائل باشند و تصمیم مربوط را خود اخذ کند و همیشه با احترام و اکرام ویژه با ایشان برخورد می‌کرد. از طرف دیگر مشورت و انعطاف‌پذیری و قبول نظر جمع و رجحان آن بر نظر شخصی حتی با علم به خطابودن نیز، ویژگی دیگر او بود.

۳۶-جهاد دانشگاهی. روحیه جهادی این دانشمند عزیز عشق او را به این نهاد و تلاش او را برای اعتلای جهاد دانشگاهی چنان ساخته بود که برای شکوفایی جهاد از هیچ گونه کمکی در بین نمی‌کرد. گرچه موسسه رویان و افتخارات عظیم بین‌المللی او بسیار فراتر از حد و اندازه‌های مجموعه‌ای نظیر جهاد دانشگاهی به نظر می‌رسید ولی او با افتخار مسئولیت

دیدن و برجسته کردن و پوشاندن جنبه‌های منفی آنها بود. لذا غایبیت‌های او همه ذکر جمل بود و حمل بر صحبت کردن کارها و گذشت از خطاهای و همین خصوصیت از ایشان چهره‌ای کاملاً خونگرم، دوست‌داشتنی، امیدوار و محبوب ساخته بود. گرچه ذهن بسیار حساس و نکته‌سنگی داشت ولی به بدگمانی مبتلا نمی‌شد.

۳۹-جامعیت در مدیریت. ایجاد رشد و تعالیٰ بخشیدن به نهادهای والا مانند موسسه روبان که نوید بخش آینده روشن علمی کشورند با مدیریت کلاسیک ممکن نیست. رئیس چنین مجموعه‌ای باید بتواند شخصیت‌های بزرگ علمی را جذب کند و شرایط تحقیق را فراهم کند، با دستگاه‌های رسمی ارتباط سازنده پیدا کند، معارضه‌جویی‌ها را پاسخگو باشد و حتی در مقابس ملی و بین‌المللی دست و زبان و اندیشه و عمل داشته باشد و دکتر کاظمی عزیز چنین مدیری بود که هم افق ساز بود، هم برنامه‌بازی، هم هر آنچه می‌شد برای پیشبرد کار فرستی به حساب آید در رصد او بود و هم اهل قلم و بیان بود و هم اهل اندیشه و خلاقیت و ابتکار، هم تدبیر و هم مدیریت، هم تصمیم و عزم و انصبایط و هم مهربانی و گذشت، هم حرکت زمان‌بندی شده‌ی دقیق به سوی هدف و هم غافل نشدن از مسائل انسانی و عاطفی و...

۴۰-صرفه جویی و هدف محوری به جای تشکیلات سازی. رسم کارهای اجرایی بر این است که تا میلیارد‌ها تومان صرف خدم و حشم و ساختمان و دکور و تشکیلات عریض و طویل نکنند کاری انجام نخواهد شد و معمولاً نیز کارها در همین مرحله متوقف می‌شود. عکس این موضوع در موسسه‌ی روبان بود که کارها را با همه بزرگی بر شانه تمدها و ایمان‌ها و عشق و فداکاری‌ها به جای عنوان‌ها و ساختارهای عریض و طویل سوار می‌کرد و با کمترین هزینه به مقصد می‌رساند.

۴۱-اخلاص، توکل بسیار کم‌نظیر و نمونه. چه زیباست وقتی دانشمندی کارداران، موفق، در اوج افتخارات علمی و فتوحات جهانی محو محبوب چنین سراید که: «بارها گفته‌ام مدیرعامل روبان خدای متعال است هرگاه به دستور مدیرعامل عمل کردیم پیش رفته‌یم و هرگاه خود را دیدیم زمین خوردیم، من یک پادو و خدمتگزار کوچک در روبان هستم.» چنین توکلی بود که خدای متعال این موسسه را شکننده قلعه خیبر گونه‌ای که صهیونیسم بین‌الملل بر دانش‌های پیش‌رفته ایجاد کرده‌اند، قرار داد.

۴۲-روحیه جهادی. جهاد یعنی استقبال از سخت‌ترین‌ها و نثار بهترین‌ها بدون چشمداشتی جز رضایت باریتعالی. هشت سال دفاع مقدس، دکتر کاظمی عزیز را که بسیجی وار در عرصه‌های حاضر بود از این روحیه، سرشار کرد و او نیز با قدرشناصی و مراقبت تا آخرین روز حیات، این ارمغان بزرگ دفاع مقدس را برای خود حفظ کرد و افزایش داد. او از همه این جهاد خستگی‌ناپذیر خود فقط دو چیز را می‌طلیبد: اول آنکه بتواند لبخندی بر لبان رهبر و مقتدایش بنشاند و دوم بتواند با اعتلای پرجم نظام مقدس جمهوری اسلامی دشمنان و خصوصاً صهیونیست‌ها را به خشم و غصب آورد. او به جهادگری خود مفتخر بود.

او عاشق انقلاب و امام و رهبری بود. او هم زیارت بود. همه زندگی خود را بر اساس
دستورات دینی قرار داده بود و دستورات دینی، قانون زندگی او بود. او شخصی بیدار بود و
لحظه‌ای را به غفلت سپری نمی‌کرد. ارزش‌های دینی و انقلابی را پاس می‌داشت. در قبال
مفاسد و منکرات به شدت خشمگین می‌شد. به مجالس و مطالب وعظ و ذکر، متمایل و از
لهو و لغو گریزان بود. از سفرهای خارجی بیزار بود و اگر بر حسب ضرورت برای شرکت در
کنفرانس‌های علمی سفری به خارج داشت در کشورهای غربی اوقات فراغت را در هتل
می‌ماند و به قرائت قرآن می‌پرداخت و از رفتن به درون جامعه غربی گریزان بود. به یک حج
و یک عمره بسنده کرد و ترجیح می‌داد هزینه آن را در امور خیر مصرف کند و به جای آن به
زیارت امام رضا (ع) برود. مجالست با او انسان را بیدار و متوجه به خدا می‌کرد او یک سالک
حق بود و مهیا برای لقاء الهی شده بود.

۴۱- اشراف به مسائل کشور. اگرچه او یک شخصیت علمی و غرق در فعالیت‌های
تحقیقی بود لیکن همه آفاق کشور و از جمله افق‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و
بین‌المللی را زیر نظر داشت به تمام معنا مراقب انقلاب بود و اخبار دوستان و دشمنان را با
دقیق بی می‌گرفت و در همه عرصه‌های دفاع از نظام حضور بسیجی داشت.

۴۲- اطلاعات وسیع از دستگاه‌ها و رجال سیاسی کشور و نیز فسادها و مفسدان.
او به دلیل وسعت تماس، دقت نظر، حافظه قوی، سابقه طولانی و تنواع کارها، دستگاه‌ها را
خوب می‌شناخت و آگاهی از اوضاع و حال دست‌اندرکاران و نیز اشکالات و معایب
دستگاه‌ها بسیار وسیع بود. در عین حال او فردی را دراز بود و هیچ گاه نخواست که از این
امکان حتی در جهت پیشبرد اهداف مقدس استفاده کند.

۴۳- میزان بودن. وسعت دید، دقت نظر، امانت‌داری، صداقت، بی‌توقیعی و عدم
واسنگی و گرایش خطی از او مشاوری امین ساخته بود که هر جا تحقیق دقیقی مد نظر بود
با ایشان مطرح و بهترین و دقیق‌ترین نظر را در فاصله‌ی کوتاهی به ارungan می‌آورد واقع
امر و حقیقت موضوع را به دقت کشف می‌کرد و با صداقت و بلاغت منتقل می‌کرد. اعتماد به
تحقیقات او در حد قول فصل و میزان بود.

۴۴- وارستگی و بی‌اعتنایی به دنیا و مال و مثال و خصوصاً مقام. او یک عنصر به
تمام معنا زاهد و بی‌رغبت به دنیا بود. با همه فرصت‌های فراوان برای درآمدهای سرشمار او به
حداقل کفاف بسته می‌کرد. او به مقام نیز جز ایزاری برای خدمت نمی‌نگریست. لذا وقتی
جناب آفای دکتر احمدی نژاد رئیس جمهور محبوب از ایشان برای حضور در کابینه دعوت
کرده بودند ایشان با احترام و افتخار به همکاری با این دولت خواسته بودند که در همین
سنگر جهاد دانشگاهی خدمت کنند. جالب اینکه وقتی سخن به زندگی شخصی رسیده بود
ایشان به آقای احمدی نژاد که از ساده‌ترین زندگی‌ها برخوردارند گفته بود که اگر
دارایی‌هایمان را با یکدیگر معاوضه کنیم یقیناً من سود خواهم کرد. او حتی جایزه‌ای را که به
ایشان به عنوان چهره ماندگار دادند میان اعضای رویان تقسیم کرد.

جهاد دانشگاه علوم پزشکی ایران و حتی مشاور رئیس جهاد دانشگاهی را پذیرفت تا اوا
شایه افکنی‌های بدخواهان را که به اشکال مختلف سعی در اختلاف افکنی بین این عزیزان
داشتند؛ پاسخ‌گو باشد ثانیا اعتبار جهاد دانشگاهی را در جامعه علمی ارتقا بخشد و ثالثا راه
صحیح تعالی کشور را که جهاد علمی و دانشگاهی است مورد تاکید قرار دهد و رابع به جهاد
دانشگاهی الگوی کار ارائه کند.

۳۷- ولایت مداری. ولایت رمز اصلی سعادت کشور است. این شعار دکتر کاظمی عزیز
بود. او همه اتفکارات علمی خود را مرهون ولایت محوری خود می‌دانست. او گام به گام کار
خود را بر هنودهای رهبری پیش می‌برد و در هر گام موفق، بزرگترین پاداش را حضور در
نمازهای ظهر و عصر معظم له و دیدار با ایشان و ارائه گزارش کار و ایجاد رضایت و
خشندوی ایشان می‌دانست و معمولاً از آن کلام‌های نورانی که معمولاً مستمعان غیر اول بر
داشتی معمولی داشتند، او افق‌های جدید را دریافت می‌کرد. راز و رمزها در آن می‌یافتد و
سرلوخه کار قرار می‌داد و به موقیتی هم می‌رسید. حضور او در همه عرصه‌های وسیع
سیاسی، فرهنگی و انقلابی نیز با همین رویکرد بود گرایشات اوتاب و خالص بود. نه چپ و
نه راست و نه هیچ جریان سیاسی دیگر توانستند او را مذوب خود کنند. نگاه او صرف‌به
برچ و ولایت بود و خود را در این اردوگاه همیشه حاضر می‌دید و چونان سردار فدایکاری بود.

۳۸- سرمایه‌گذاری. دکتر کاظمی انسانی سرمایه‌ساز بود. او بلند مدت فکر می‌کرد و
برای ساختن آینده برنامه داشت و حال را سرمایه‌ای آینده می‌کرد. او توان جذب سرمایه‌های
مادی و معنوی و انباشتن آن و تولید ثروت از آن را داشت. او مدل سازی می‌کرد و کارهای
فراآنی را با تهیه نرم‌افزارهای مختلف و ایجاد رویه و مدل در گوش و کنار کشور به جریان
می‌انداخت. از هر حرکتی و هر سمبیار و کنگره‌ای و فرستی یک طبقه جدید بر طبقات بنای
رفیع کار خود می‌افزود. فرهنگی که در محیط کار ساخته بود بالاترین سرمایه برای توسعه
واقعی و جذب سرمایه‌های مختلف بود. اشاره به موارد، خارج از حوصله این مقال است.

۳۹- استقامت در راه. از ویزگ‌های ممتاز او جریان‌شناسی بود. دقت او در کشف صراط
و مسیر باریک تراز مو مثال زدنی است و استقامت او در گذر از این مسیر تیزتر از شمشیر،
تحسین برانگیز است. افسون‌ها و تبلیغات و فریبکاری‌های پیچیده جریان‌های مختلف او را
از تشخیص صحیح راه باز نداشت. مشکلات و شداید و تدبیده‌ها و سختی‌ها از یک سو و
تضمیع‌ها و تحسین‌های فرصت طلبان که برای نفوذ در رهوارد والا ای او کمین کرده بودند از
سوی دیگر مانع از پیمودن راه او نشد. استقامت او از دایره شخصی خارج و به فرهنگ حاکم
بر مجموعه رویان مبدل شده بود. بله او فرهنگ استقامت و ایستادگی بر راه صحیح را ایجاد
و تبلیغ و نهادینه کرد. البته او «مستعين به صبر و صلوه» بود و این راه دشوار را با تسلی به
اهل بیت (ع) می‌پیمود.

۴۰- تعصب دینی همراه با بیداری و غفلت‌ستیزی. او یک فرد به تمام معنا مکتبی
بود. زندگی شخصی او با عشق به ائمه اطهار (ع) و قرآن و دعا و ذکر و خیرات سپری می‌شد.

بیتیمان برخوردی پدرانه و مشققانه داشت. او محب مساكین بود و از متوفیان متنفر بود.
شخصی متادب به آداب بود و در گفتار و نوشتار و رفتار متنین و آراسته بود.

۵- مظلومیت. او فکر همه بود ولی کمتر کسی به فکر او بود و خود او نیز. دو روز قبل از
فوتش قرار پذشکی داشت اما به دلیل مراجعات پی در پی این فرصت نیز از دست رفت. از

سوی حادسان، جاهلان، مغرضان و سیاسیون بدخواه به او جفاها شد و لب نگشود. او
اهل گذشت بود. کسانی که با او بدبودن بسیار بودند ولی او نسبت به همه آنها خوبی
روای داشت. بعضی دنائت خود را با سنگاندازی‌ها در مسیر کار به او محرز ساخته بودند ولی
او به آنها نیکی می‌ورزید و به آنها خدمات شایان کرد. هرچند کوچکترین تاثیری جز تداوم
بدخواهی‌ها نداشت. در این اواخر شدت فشار بر او چنان عرصه را بر او تنگ می‌کرد که واقعاً
نگران کننده بود. ولی او باز هم گذشت می‌کرد و دلخوش به پیشرفت کار بود. کار بزرگ،
استرس‌های بزرگ دارد او همه آن را به جان خود می‌خرید و شکوه هم نمی‌کرد. او تا
آخرین روز حیات با قدرت تمام در برابر مشکلات ایستاد. لیکن تیرهای رها شده از سوی
دشمن بالاخره با قلب رئوف او آنچه می‌باید کرد و روح لطیف او در میان بہت و حیرت و سوز
و گذار دوستداران این شخصیت و الامقام به جنت‌الماوی پر کشید.

حیات او مصدق «زیاده له فی کل خیر» بود و ممات او نیز «راخه من کل شر» شد. عاش
سعیداً و مات سعیداً. اما داغ او هزاران و بلکه میلیونها قلب را گذاخته کرد و جامعه علمی کشور
را به سوگ نشاند. او که حاضر بود خود را نثار کند تا لبخندی بر لبان مظلوم‌ترین مظلوم و
مراد و مقتدای عزیزش بنشاند چگونه حاضر شد تسليم امری شود که آن عزیز را تلخکامی
سوگوار و داغدار کند و اندوه را بر جان او بیفشناند؟! لیکن چه باید کرد؟ جز تسليم در برابر امر
الهی چاره‌ای نیست و امید است که رهروان راه او بتوانند مرهمی بر این زخم نهند.

خداآندا تو به صابران بر مصیبت، بشارت رحمت‌های خاص داده‌ای از تو می‌خواهیم که
تحمل این مصیبت بزرگ را بر همه اصحاب مصیبت خصوصاً تنها قدر شناس واقعی این
عزیز یعنی هبر معلم انقلاب و نیز خانواده محترم او و همه همراهان این عزیز از این
فرمایی و به همه ما توفیق تداوم این راه و زنده نگه‌داشتن یاد و راه او و قدرشناصی از او و
ایجاد جامعه‌ای رویانی کرامت فرمایی. جامعه‌ای که در آن علم و فناوری و ایمان و اخلاص و
تعالی طلبی برای کشور و بی‌توقی، فرهنگ رایج باشد و سلولهای بنیادین خیر و توسعه در
کنار ساختارهای فرسوده اداری و بافت‌های تقریباً مرده به سرعت بتوانند انداخته کشور را
نوسازی کنند.

خداآندا سعید، عاشق تو و خدمت به بندگان تو، دوستدار اولیاء تو و دشمن
سرسخت دشمنان تو بود. تو خود او را میزبان باش و در کنار سفره اولیاء خود
مرتفق فرما.

آمین رب العالمین

۴۵- مشق بودن در خانه و خانواده. دکتر کاظمی نسبت به همسر و فرزندان و والدین
و بستگان، بسیار مهربان، دلسوز، مراقب و کوشای بود. به تربیت فرزندان اهتمام داشت. به
روابط خانوادگی بسیار اهمیت می‌داد و به تمام معنای کلمه خانواده دوست بود. با اینکه خود
را در قبال رویان فنا کرده بود اما در جایی گفته بود که می‌دانم خانواده‌ام نخواهد گفت از این
کار دست بکش ولی اگر واقعاً آنها چنین خواستی داشته باشند من دست خواهم کشید. این
کلام بسیار پرمعنا هم نشان می‌داد که وی چقدر کیان خانواده را پاس می‌دارد و به اهمیت آن
توجه دارد و هم اینکه بینیان آن را چه استوار ساخته است که آنان بر همه رنچ‌ها و سختی‌های
او در این کار صابر و برآمده کار او راضی بودند و او اطمینان داشت که تحت تربیت او آنها
هرگز چنین درخواستی از او نخواهند داشت.

۴۶- قدرشناصی نسبت به نیروها و استعدادها، او عاشق استعدادهای درخشان بود.
هر جا جوان و نوجوانی مستعد می‌یافت با او به سرعت دوست می‌شد و با او به گفتگوهای
طولانی می‌نشست. به جذب استعدادها بسیار شایق و موفق بود. او عاشق صداقت، پاکی،
садگی و بی‌آلایشی بود و به چنین افرادی کمال احترام را می‌گذاشت. و برای شکوفایی آنان
هرچه در توان داشت به کار می‌گرفت.

۴۷- نفرت از دغلکاران و سالوسان. او با همه مثبت‌نگری و خیرخواهی و خوش بینی
برای همه، در مواجهه با افراد دغلکار، فرصت‌طلب، رانت خوار، نحس و مدعی بسیار متکبرانه
و متنفرانه برخورد می‌کرد و واقعاً از چنین افرادی خصوصاً آنگاه که به جریانهای سیاسی
آلود هم مربوط بودند بیزار بود.

۴۸- متشريع بودن. مرحوم دکتر کاظمی یک انسان مومن مکتبی بود او در عین بیش
وسيع و فکر آزاد که از او يك روش‌فکر واقعی ساخته بود، شخصیتی متعبد داشت. نماز اول
وقت، ترنم قرآن و ادعیه و استماع نعمه‌های الهی آنان و خصوصاً تلاوت‌های شیخ مصطفی
اسمعاعیل عادت او بود. اهل جموعه و جماعت، احیاء و تهجد و دعا و ذکر و نیایش و سیر و
سلوک و مراقبت و تهذیب نفس بود. او به ترویج قرآن و شعائر دینی توجه و پیژ داشت. حتی
در سمینارهایی که برگزار می‌کردند، گویا وظیفه اصلی آنها ابلاغ پیام اسلام است. دنبال
قرآن با ترجمه‌های انگلیسی و زبان‌های دیگر بود و آیات مناسب را انتخاب و به این وسیله
مهمنان را مجدوب قرآن می‌کرد. کلاس‌های درس او با نفع البالغه و قرآن شروع می‌شد.
در لابلای مطالب درسی معارف دینی را گوشتزد می‌کرد. اطلاعات وسیع از معارف دینی او را
 محل مراجعه دوستان در این خصوص قرار داده بود.

۴۹- متخلف بودن. گرچه بسیاری از مکارم اخلاقی او حتی از نزدیکان او پوشیده است
ولی غمگسار بودن برای همه، گره‌گشایی، مهربانی، دردمندی و خود را بدھکار همه دانستن
واز هیچ کسی طلبکار نبودن، ازویزگی های او بود. در سختی‌ها و مسئولیت‌ها و
صحنه‌های دشوار، او در ابتدای صفت بود و هنگام تقسیم غنیمت واحترام و امکانات در ته
صف جای داشت. او در همه خیرات حاضر بود و آن را جزو وظایف خود می‌دانست. نسبت به



محسن مهرعلیزاده

بعدها صدھا فعالیت علمی دیگر و... نهایتاً تولید سلولهای بنیادین و شبیه سازی حیوانات و این روزهای آخر روزشماری برای تولد دو مورد از حیوانات. البته وارد مقووله شبیه سازی انسان نمی شد چرا که پاسخ سوالات شرعی اش در این باره منفی بود و الا خوب می دانست به تنهائی و با اراده و ایمان و تلاش و احساس مسئولیت توانسته است با همراهی چند تن از همکارانش کشور را از نظر داشتن این توان علمی جزء^۴ کشور دنیا قرار دهد.

سعید آمیزه ای از اخلاق، معرفت، تدبیر، تیزهوشی، تلاشگری و خستگی ناپذیری بود. که درخت وجودش پربار از علم و دانش روز شده بود. شاید یکی از توانمندترین مدیران کشور در ایجاد ارتباط و استفاده از این پتانسیل بود، هیچ امکان ارتباطی نبود که از آن استفاده نکند ولی هرچه بود برای کار بود و کار بود و کار.

از حدود چهار سال پیش که تصمیم گرفت ساختمان جدیدی را برای بژوهشکده رویان بسازد از هر امکان و توانی استفاده نمود، صدھا تلفن و نامه و درخواست را به کار بست تا بالاخره قطعه زمینی را در میدان بنی هاشم تهییه کرد از هرجایی که می توانست درخواست کمک مالی کرد که بتواند این مرکز را که می دانست یک روز مهمترین مرکز تولید علم در خاورمیانه خواهد بود بسازد. این قبیل کارها و ناآوری ها هرگز در زندگی او پایانی نداشت. هر روز یک ابتکار جدید داشت، بپوشک خانواده، بپوشک قطار، بهداشت کارکنان شهرداری و امکان نداشت از او حرف تکراری بشنوی هروقت او را می دیدی یک کار و یک ایده جدید را مطرح می کرد.

اولین بار که سعید عزیز را دیدم زمانی بود که برای خواستگاری به منزل پدر خانم ام آمده بود. هنوز هم وقتی چشمم را می بندم و قبایله او را تصور می کنم. همان جوانی را می بینم که با کاپشن کره ای، ریش بسیجی و تیپ حزب الله اش هر لحظه مرا به یاد جبهه و برویچه های جنگ می انداخت. شاید روز اول این استنباط را نداشتم که این جوان جهادی به قدری کاوشگر و خلاق هست که روزی یکی از دانشمندان نام آور این کشور شود و شاید هرگز تصویر این رانی کردم علاوه بر خودش با استفاده از قدرت ایجاد ارتباط فوق العاده و توان مدیریتی خاصی که داشت علاوه بر اینکه خودش در پیچیده ترین نوآوری های علمی پژوهشی کشور پیشگام خواهد شد تعدادی از دوستانش را که همگی، هم تیپ و هم سن و سال خودش بودند را نیز برای چنین کار بزرگ بسیج می کند.

هرگز فراموش نمی کنم وقتی در سال ۱۹۶۶ به فکر راه اندازی اولین مرکز درمان نازائی بود، با چه شور و هیجانی مورد را به من که به دلیل عدم تناسب رشته تحصیلی و کاری ام چیز زیادی از حرفهایش را متوجه نمی شدم، تعریف می کرد. ساختمانی را که با هزاران مشکل و مساعدت یکی از نهادها برای مؤسسه رویان گرفته بود، تعمیر و آماده کرد و حتی خودش در نقاشی و نظافت نهائی آن کمک کرد تا اینکه در یک مکانی که ابعاد یک خانه را داشت بینان یک کار بزرگ به وسعت چندین دانشگاه را بنا بگذارد. قدم اول، انجام مطالعات و ارائه خدمات درمان نازائی، سپس برگزاری همایش های بزرگ علمی، بعد از آن تهییه مقالات متعدد علمی و درج آن در نشریات علمی معتبر دنیا و

به خاطر نمی آورم که در هیچکدام از نشست های خانوادگی که داشتم احوالپرسی های اولیه و صحبت های خانوادگی پنج دقیقه بیشتر طول بکشد بلافصله شروع می کرد به تعریف کردن از آخرین وضعیت سمنیاری که برگزار کرده یا برگزار خواهد کرد. نتیجه آزمایشی که اخیراً انجام داده و موقتی که در نتیجه آزمایش به دست آورده است و یا ده ها ایده و ابتکار جدیدی که به ذهنی رسانیده است حرف می زد و با عشق تمام تعریف می کرد. می توانم بگویم تمام زندگی او، کار علمی اش و عشق به تحقیقات و خدماتی بود که اراده می داد. همیشه می گفت اجازه نمی دهم در خاورمیانه کشواری در این زمینه جلوتر از ما حرکت کند. تعجب مهمانان خارجی از پیشرفت این پژوهشکده در این رشته در سمنیارها و دیدارهایی که با او داشتند همواره مایه غرور و مباحثات او بود و همیشه از این قبیل موارد با افتخار یاد می کرد.

با وجود این همه تلاش و پیگیری و مشغله کاری، هر وقت تلفنی یا پیغامی از من دریافت می کرد بلافصله زنگ می زد، از اینکه بتواند مشکل یک بیمار را (هرچه ضعیف تر و مستمندتر بهتر)، رفع و رجوع کند خوشحال می شد. حتی خودش همراه بیمار معرفی شده راه می افتاد و اتفاق به اتفاق در بخش های اخلاص و افتادگی کامل مشکل بیمار را با دکترها و بخش های مرتبط مطرح می کرد تا آن مشکل به نحو مطلوب رفع گردد.

زخارف دنیا در اعلاطین حد آن در ذهن سعید به قدری رنگ باخته بود که در مقابل لبخند رضایت یک بیمار مستمند بیمود یافته و یا یک آزمایش با پاسخ منبت علمی و یا چاپ مقاله ای در یک مجله معتبر به حقیرترین چیز ممکن تبدیل می شد.

از من خواسته شده بود که از او خاطره بنویسم ولی خاطره های من از او شاید صدها کتاب باشد. اگر بخواهم درخصوص معرفت او، ایمان و خداترسی او، عشق و علاقه او به خدمت به مردم، صمیمیت و صفاتی او بنویسم هر کدام ده ها کتاب خواهد شد. لذا به همین چند سطر اکتفا می کنم و در پایان می گویم او هرچه بود معنی عشق و ایمان به خدا بود، زلال قطرات معرفت و اخلاص بود، شعله های شمع علم و آگاهی بود و به راستی که عاش سعیداً و مات سعیداً

از خداوند متعال برای سعید عزیز غفران و رحمت بیکران و برای پدر بزرگوار، مادر و برادران عزیز او و همسر محترمه اش آرزوی زندگی باعزت و سلامت و برای زهرا و محمد و نرگس عزیز که عزیزان او گلهای زندگی اش بودند آرزوی سلامت و توفیق الهی دارم و امیدوارم شمع وجود او همچنان روشنگر راه ما و ضلالت پیشگان و ره گم کردگان باشد.

مدیریت کاظمی



مجتبی دانش آشتیانی

عوامل موفقیت در مدیریت به اندازه‌ای است که اولاً در زمان‌ها و مکان‌های مختلف می‌تواند عدیده باشد، ثانیاً قابل ذکر باشد و قابل ذکر نباشد. یکی از آنها رامی‌توان اعتماد به نفس در مدیر برای مدیریت ذکر کرد. دوم آن که شجاعت در مدیریت را نمی‌توان برای یک مدیر موفق نادیده گرفت. سوم، ارتباط عاطفی با پرسنل مجموعه می‌تواند عامل مهمی برای رشد و ارتقاء باشد. چهارم، ارتباط مفید در داخل و خارج کشور و به تبع آن اطلاعات مهم و آگاهی لازم یکی از ویژگی‌های یک مدیر تواناست، ضمن اینکه می‌توان خوش خلقی را در محیط کار ویژگی دیگری برای مدیر دانا برشمود. بنچم، ...

ویژگی مرحوم سعید این بود که از عوامل موفقیت در مدیریت خوب بهره می‌جست و با دوربین تیزبینی لحظه‌ها را خوب درک می‌کرد و شکارچی ماهری بود. در اجرای تصمیم، پشتکار خوبی داشت. گرچه می‌دانست ممکن است اشتباہ کند.

به نظر بسنه که با او زیاد مانوس و در سفرهای داخل و خارج کشور ملازم بودم، فکر می‌کنم بدون تعارف و غلو و بزرگ نمایی بهتر است بگوییم او یک مدیر مدبیر، دانا، شجاع و با پشتکار بود و با مدیریت او ارجح بر سایر ویژگی هایش جلوه می‌کرد. بد نیست خاطره‌ای برای شما از یکی از سفرها بگوییم که حاکی از ایمان و شجاعت او بود.

در یکی از سفرها که برای شرکت در یک کنگره علمی به اتفاق تنی چند از دوستان رفته بودیم، به یک ضیافت شام با شکوه و مجللی که میزبانان مهیا کرده بودند رفتیم. در آن مجلس به محض اینکه راقصه‌های مجلس وارد شدند، سعید اوین کسی بود که مجلس را ترک و به دنبال او دیگر میهمانان ایرانی آن جا را ترک کردد.

یادش بخیر و روشن شاد.

لیلم شخصیتین (۲)





۷۹ اولین جشنواره بین المللی رویان، شهریور

۷۹ اهداء جوایز اولین جشنواره بین المللی رویان،
شهریور ماه

۸۰ اهداء جوایز دومین جشنواره بین المللی رویان،
شهریور ماه



↗ مراسم اختتامیه

سومین جشنواره بین المللی رویان، شهریور ۸۱

↗ مراسم اختتامیه

دومین جشنواره بین المللی رویان، شهریور ۸۰

↖ مراسم اختتامیه

سومین جشنواره بین المللی رویان، شهریور ۸۱



مراسم اختتامیه چهارمین
 جشنواره بین المللی رویان، شهریورماه ۸۲

مراسم اختتامیه چهارمین
 جشنواره بین المللی رویان، شهریورماه ۸۲

مراسم اختتامیه پنجمین
 جشنواره بین المللی رویان، شهریورماه ۸۳



↗ مراسم اختتامیه
ششمین جشنواره بین المللی رویان، شهریور ۸۴

↖ مراسم اختتامیه
پنجمین جشنواره بین المللی رویان، شهریور ۸۳

↙ مراسم اختتامیه
ششمین جشنواره بین المللی رویان، شهریور ۸۴



اهداء جوایز اولین جشنواره علمی
بهداشت خانواده، دی ماه ۸۳

مراسم پایانی اولین جشنواره علمی
 بهداشت خانواده، دی ماه ۸۳

کنفرانس مطبوعاتی در پژوهشکده رویان،
شهریور ماه ۸۳



شستادی «عرفان در شعر مولوی» با حضور
دکتر غلامحسین دینیانی، مهرماه ۸۴

مراسم جشن کتاب با حضور
هوشینگ مرادی کرمانی، هفته کتاب، سال ۸۴

گردهمایی معاونین فرهنگی
جهادهای دانشگاهی تهران، شهریور ۸۰













کل به کل، سنگ به سنگ این دشت
یادگاران تواند،
رفتهای اینک و هر سبزه و سنگ
در تمام در و دشت
سوگواران تواند ...

به سان سرو که دائم به بوسنان است
همیشه جای تو در جمع دوستان، سبز است

زبس که چشم قرت آشنای باران بود
هنوز جای نگاه تو همچنان سبز است

همیشه یاد تو سبز است و سبز خواهد ماند
به سان سرو بلندی که جاودان سبز است

